مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

# معاشرت زنان و مردان

## از دیدگاه اسلام

حسن صادقی



معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه:صادقی زفره، حسن

عنوان و نام پدیدآور:معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام/ حسن صادقی زفره.

مشخصات نشر:قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی استان قم،1382.

مشخصات ظاهری:[4]،143ص.

شابک:9000ریال: 964-7808-66-6

یادداشت:کتابنامه: ص. 137-143؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع:روابط زن و مرد -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع:عفت -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده:صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی استان قم

رده بندی کنگره:BP230/17/ص2م6 1382

رده بندی دیویی:297/4831

شماره کتابشناسی ملی:3985921

ص: 1

## اشاره

معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام

کد: 746

نویسنده: حسن صادقی زفره

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ و صحافی: نگارش

نوبت چاپ: اول / 1382

شمارگان: 1500

بهاء: 900



نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: 2935803 و 2910602 نمابر: 2933892

شابک: 964ISBN: 964-7808-66-6-7808-66-6

ص:2

## دیباچه

معاشرت و مصاحبت انسان ها در جوامع گوناگون یکی از ضرورت های اجتناب ناپذیر زندگی است که بدون آن، امکان ادامه حیات و قرار گرفتن در مسیر کمال وجود ندارد؛ زیرا در این صورت، آدمی به انزوای مطلق کشیده می شود و در همه عرصه های زندگی شکست می خورد.

روشن است که معاشرت انسان ها با همدیگر آداب و احکام ویژه ای دارد که هرکس موظف است آن را بیاموزد و در روابط خود با اطرافیانش به کار گیرد. در این میان، معاشرت زنان و مردان به ویژه آن گاه که نامحرم و بیگانه باشند، حساسیت خاصی دارد و رعایت آداب و احکام ویژه ای را از سوی دو طرف می طلبد. به کارگیری یا ترک این آداب و احکام می تواند بر حسن روابط، تأثیر مثبت و منفی بگذارد برکت ها یا آسیب های خود را بر پیکر فرد، خانواده و جامعه وارد آورد.

پژوهشگر ارجمند، جناب آقای حسن صادقی در این نوشتار بر آن است

تا با تأکید بر ضرورت معاشرت و بیان شیوه های ارتباط، به آسیب شناسی آن و راه های پیش گیری از پیدایش این آسیب ها بپردازد و دیدگاه های گوناگونی را که درباره معاشرت زنان و مردان وجود دارد، نقد و بررسی کند.

نویسنده کوشیده است با استفاده از دو منبع قرآن و سنت، دیدگاه اسلام را در زمینه معاشرت و مسایلی چون نگاه، حجاب، گفت وگو، دست دادن و بهره برداری های جنسی بررسی و در مقابل دو دیدگاه افراطی و تفریطی، از راه اعتدال دفاع کند.

نظریه های حبس زن در خانه یا رهاسازی او در کوی و برزن، دو دیدگاهی هستند که هم بر زن و هم بر مرد ستمی بزرگ روا داشته اند. از نظر اسلام، زن نه شیئی از اشیا خانه است که در آن محبوس گردد و نه شی ء مبتذلی است که به صورت رایگان در دسترس همگان قرار گیرد، بلکه شخص ارزشمندی است که در محیط خانه و خانواده، نقش مهم و حساسی را ایفا می کند و در صحنه اجتماع، با رعایت متانت، به فعالیت های اجتماعی می پردازد.

به امید روزی که زنان و مردان جهان هر یک در جایگاه واقعی خود که با فطرت خدادادی و ویژگی های جسمانی و روانی شان هم آهنگی دارد، قرار گیرند تا به حقوق الهی _ انسانی خویش دست یابند و از هر گونه افراط و تفریط در این زمینه بپرهیزند.

این اثر حاصل همکاری علمی مؤسسه آموزشی _ پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه و آموزشی کارشناسان مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

است که توسط آقای حسن صادقی به نگارش درآمده است. با سپاس از ایشان و کارشناسان مرکز، امیدواریم در پرتو همکاری علمی میان مراکز علمی، شاهد ارایه آثار بهتر به برنامه سازان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران باشیم.

انّه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص:5

## پیش گفتار

### اشاره

مسأله معاشرت و ارتباط زن و مرد مسأله تازه ای نیست که امروز مطرح شده باشد، بلکه پیشینه ای به قدمت تاریخ دارد و در طول دوران زندگی انسان، دستخوش دگرگونی های بسیاری گشته است.

گاهی زن را کالا می پنداشتند و گاهی هر نوع ارتباط و معاشرتی آزاد بود و هیچ قیدوبندی در کار نبود زمانی نیز زن را در کنج خانه و دور از جامعه نگاه می داشتند و ارتباط با وی، رفتاری پلید به شمار می رفت. مردان، زن را مخلوقی شیطان صفت می پنداشتند و دوری از او را بر خود واجب می دانستند و عقیده داشتند که زناشویی برای مردم عادی، امری غریزی است و اگر مرد بتواند ازدواج نکند، پرهیزگارترین افراد است.

در این میان، پرسشی که مطرح می شود این است که آیا بین افراط و تفریط، راه میانه ای می توان یافت یا نه؟

در این نوشتار با بهره گیری از آیات قرآن مجید و روایات اهل بیت علیهم السلام می کوشیم به این پرسش، پاسخی در خور دهیم.

ص:6

## ضرورت بحث

جامعه ای که در آن زندگی می کنیم، از مرد و زن تشکیل شده است که برای ادامه زندگی اجتماعی خود ناچارند باهم معاشرت داشته باشند. این پژوهش  در جست وجوی حد و مرز معاشرت زنان و مردان از دیدگاه قرآن و روایات و بررسی دیدگاه اسلام درباره ارتباط خردمندانه و جایز محارم _ به جز زن و شوهر _ و ارتباط عاقلانه و جایز غیر محارم است. می دانیم که تهاجم فرهنگی دشمن با هدف نابودی فرهنگ غنی اسلامی چنان گسترش یافته است که نمی توان درها را بر روی آن بست؛ زیرا فرهنگ مهاجم چون مهمان ناخوانده در پناه فن آوری جدید، به اندرونی همه سرزمین ها سر می کشد. البته این سخن به معنای زیر سؤال بردن فن آوری نیست؛ زیرا با استفاده بهینه از تکنولوژی می توان به اهداف بلند انسانی دست یافت، ولی متأسفانه بشر متمدن این روزگار از این ابزار کارآمد در راه گسترش فساد و فحشا استفاده می کند.

با نگاهی به تمدن غرب که لذت گرایی را محور تلاش های اجتماعی خود قرار داده است، به این نکته پی می بریم که آن ها مفاهیم غیردینی در این بخش را آن چنان رواج داده اند که در همه آثار ادبی، فرهنگی و هنری شان اعم از کتاب ها، تابلوهای نقاشی و مجسمه ها خودنمایی می کند.

الگوهایی که تمدن غرب در قالب فیلم از طریق رسانه های جمعی

به ویژه اینترنت و ماهواره ارایه می دهد، بیانگر این واقعیت است که تهاجم جدّی است و ایستادگی در برابر آن، ضرورتی انکارناپذیر.

در این میان، شناخت دقیق و صحیح معارف اسلامی بهترین راه ایستادگی در برابر این تهاجم همه جانبه است.

### پیشینه و روش پژوهش

نگفته آموزه های کتاب های آسمانی مانند: عهد عتیق و جدید و کتیبه های به جا مانده از دوران تاریخی مصر و یونان باستان بیانگر اهمیت این مسأله است. کتاب های آسمانی با ارایه راه کارهای در ارتباط با حجاب و نگاه، به این موضوع توجه کرده اند. در قرآن مجید، روایات، بحث فقیهان و علمای اخلاق و منابع تفسیری شیعه و سنی نیز با دقت و ظرافت به این موضوع پرداخته شده است.

در این پژوهش که به روش کتاب خانه ای سامان یافته است، تفسیر قرآن به قرآن را محور بحث قرار داده ایم؛ زیرا خود قرآن مجید، روایات ائمه اطهار علیهم السلام و علمای بزرگ مسلمان هم چون علامه طباطبایی رحمه الله بدان سفارش کرده اند. با توجه به این که دیگر روش ها از جمله روش تفسیر روائی و تفسیر ادبی و تفسیر تاریخی در طول روش اصلی قرار دارند، در پاره ای موارد، روش های یاد شده را نیز به کار برده ایم. با استفاده از این روش ها، احکام الهی را از آیات نورانی قرآن استخراج و در بررسی موضوع هایی هم چون نگاه و حجاب از روش استنباطی فقیهان پیروی کرده ایم.

برای بیان حُکم شرعی یک مسأله، ابتدا آیه ای از قرآن مجید که به آن

مسأله پرداخته، مطرح می کنیم و در ادامه، روایات اهل بیت علیهم السلام را به عنوان نکات تفسیری می آوریم تا حکم الهی به دست آید. چون در بخشی از آیات مورد نظر، روش تفسیر قرآن به قرآن عملی نیست، برای تفسیر و توضیح آیات از دیگر روش های یاد شده بهره گرفته ایم.

کتاب هایی که درباره موضوع پژوهش یا قسمتی از آن نوشته شده، به چهار دسته تقسیم می شود:

1 _ منابع و کتاب های تفسیری که در ذیل آیات ویژه «حجاب» و «نگاه» به این موضوع پرداخته اند.

2 _ کتاب های فقهی و روایی که با استفاده از آیات و روایات و دلایل دیگر و بیان مسایل شرعی، این موضوع را بررسی کرده اند.

3 _ کتاب هایی که به طور مستقل از این پژوهش پرداخته اند:

الف) رساله فی وجوب النقاب و حرمه الشراب (درباره پوشش و حجاب زنان و حرام بودن مشروبات مست کننده که میرزا محمدصادق فخرالاسلام آن را در سال 1329 ه . ق نوشته است.

ب) کتاب حکمه الحجاب و ادله النقاب نوشته اسداللّه موسوی خوانساری (1324 ه . ق).

ج) المرأه فی الاسلام و الحجاب نوشته محمد حمدی افندی (1329 ه . ق).

د) مسأله حجاب (مجموعه سخنرانی های استادشهید مرتضی مطهری).

4 _ کتاب هایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی با بهره گیری از

کتاب های فقهی و حدیثی و بیان مسایل فقهی ارتباط و معاشرت، به «حجاب» و «نگاه» پرداخته اند. در این کتاب ها، جمع بندی کلی و اساسی وجود ندارد.

در این زمینه، غیر از موارد یاد شده و چند مقاله با عنوان های مشابه موضوع مورد بحث، کتاب مستقلی در این زمینه یافت نشده است.

در این پژوهش، نخست با مفهوم معاشرت و ارتباط آشنا می شویم و آسیب شناسی آن را از نظر می گذرانیم. در فصل دوم، در سه گفتار به دیدگاه های مطلق نگرانه درباره آزادی یا محدود کردن ارتباط زنان و مردان و هم چنین دیدگاه اسلام نسبت به این موضوع می پردازیم. در فصل سوم، در طی چهار گفتار روش های گوناگون ارتباط و حکم فقهی آن ها را در نگاه اهل سنت و تشیع جست وجو خواهیم کرد. در فصل پایانی نیز همراه با برنامه سازان ارجمند، نکته هایی را در زمینه گسترش فرهنگ اسلام ارتباط و معاشرت به وسیله رسانه ملی صداوسیما می آوریم.

## فصل اول: کلیّات

### اشاره

ص:11

## مفهوم معاشرت

### معاشرت در لغت

معاشرت مصدر باب مفاعله از ریشه «عشره» است که اهل لغت، آن را مصاحبت، همراهی و هم صحبتی معنا کرده اند.(1)

در قرآن مجید، معاشرت و واژه های هم خانواده آن به معنای رفتار،(2) مصاحب، همراه(3) و خویشاوند(4) آمده است.

این کلمه در روایات فراوانی به کار رفته است که به عنوان نمونه چند روایت را یادآور می شویم: علی علیه السلام فرموده است: «عِمارَةُ الْقُلُوبِ فی مُعاشَرَةِ ذَوِی الْعُقول؛ آبادانی دل ها در نشست و برخاست با خردمندان است».(5)

در روایتی دیگر آمده است: «مُعاشَرَةُ الْاَبْرارِ تُوجِبُ الشَّرف؛ معاشرت با نیکان سبب بزرگی و شرف است».(6)

در این روایات، کلمه معاشرت به معنای نشست و برخاست و زندگی

ص:12

---

1- 1. سعید الخوری الشرتونی، القرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد، ج 2، ص 784.
2- 2. «وَ عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ؛ با زنان به نیکی رفتار کنید ». نساء: 19
3- 3. «یَدْعُوا لِمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلی وَ لَبِئْسَ الْعَشیرُ ؛ کسی را می خواند که زیانش از سودش نزدیک تر است. وه ! چه بد باور و چه بد همراهی !». حج: 13
4- 4. «قل ان کان اباؤکم و ابناوکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم ؛ و... بگو: اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما...». توبه: 24 عشیره در این آیه به معنای خاندان و خویشاوندان آمده است.
5- 5. عبدالاحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: محمدعلی انصاری، قم، سازمان چاپ و صحافی دارالکتاب، ج 2، ص 500، ح 28.
6- 6. همان، ص 760، ح 56.

کردن با همدیگر آمده است.

### معاشرت در اصطلاح

معاشرت در این نوشتار، هرگونه نشست و برخاست و زندگی کردن زنان و مردان با یکدیگر و اختلاط زن و مرد در جامعه است.

### شیوه های ارتباط و معاشرت

#### اشاره

ارتباط و معاشرت، انواع گوناگونی دارد که در یک دسته بندی، به حضوری و غیرحضوری تقسیم می شود.

#### الف) ارتباط حضوری

ارتباط حضوری، انواعی دارد که به آن ها اشاره می کنیم:

1 _ نگاه کردن؛

2 _ صحبت کردن؛

این دو نوع باید گفت آسان ترین اقسام ارتباط و معاشرت به شمار می رود که در ارتباط حضوری مطرح می شوند.

3 _ دست دادن و تماس فیزیکی؛

4 _ آرمیدن کنار همدیگر و بهره برداری جنسی.

#### ب) ارتباط غیرحضوری

اقسام ارتباط غیرحضوری از این قرار است:

1 _ نامه نگاری؛

2 _ گفت وگوی تلفنی؛

3 _ ارتباط نت میتینگ(1) که با به کارگیری رایانه و ارتباط با شبکه

ص:13

---

1- 1.Net Meeting.

جهانی(اینترنت) برقرار می شود؛

4 _ ارتباط تلویزیونی که به صورت ارتباط کابلی (مدار بسته) یا از راه شبکه های تلویزیونی برقرار می گردد.

## ضرورت معاشرت

### اشاره

اکنون با بررسی آیات قرآن، روایات و سخن اندیشمندان، به این پرسش، پاسخ خواهیم داد که آیا معاشرت برای انسان ضرورت دارد یا نه؟

### ضرورت معاشرت از دیدگاه قرآن

قرآن مجید درباره ضرورت زندگی اجتماعی می فرماید:

أَهُمْ یَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّکَ نَحْنُ قَسَمْنا مَعیشَتَهُمْ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ رَفَعْنا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِیَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِیًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّکَ خَیْرٌ مِمّا یَجْمَعُونَ. (زخرف: 32)

آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟! ما معیشت آن ها را در زندگی دنیا در میان شان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی دیگر برتری دادیم تا یکدیگر را درک (و با یکدیگر همکاری) کنند. و رحمت پروردگارت از تمام آن چه جمع آوری می کنند، بهتر است.

کاشانی در تفسیر این آیه می نویسد:

مسخر و رام کردنِ در عمل به این معناست که با همدیگر همکاری می کنند. یکی با مال دیگری را کمک کند و دیگری با کار... . به این وسیله، مهمات ایشان ساخته می شود و زندگی آن ها پرداخته می گردد و موجب ائتلاف و استیناس همه ایشان شود.(1)

خدای متعال در این آیه شریفه، به صراحت، ضرورت اجتماعی بودن انسان را بیان می فرماید و با اشاره به اصل استخدام که لازمه آن، حضور

1- 1. ملا فتح اللّه کاشانی، منهج الصادقین، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، 1364، چ 3، ج 8، ص 245.

تمام انسان ها در اجتماع است، بر لزوم معاشرت تأکید می کند. علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد:

زیاد بودن نیازهای انسان در زندگی دنیایی او به گونه ای است که نمی تواند تمام آن ها را خودش به تنهایی برطرف کند. او نیازمند زندگی اجتماعی است تا به وسیله به کار گرفتن همدیگر در مرحله اول و کمک رساندن و همراهی کردن، نیازهای خود را برطرف سازد.(1)

روزی انسان ها تقسیم گردیده است تا برای به دست آوردن آن به همدیگر محتاج باشند. برطرف کردن نیازهای زندگی از یک سو و قرار داشتن این احتیاجات در دست دیگران، هر انسانی را وا می دارد تا برای برآوردن نیازهای خود به سوی جامعه روی آورد.

با فرار انسان از زندگی اجتماعی و پناه بردن به غارها و کوه ها نه تنها زندگی انسانی از او سلب می شود، بلکه برای چنین موجودی که از جامعه و زندگی اجتماعی بریده، به سختی می توان واژه انسان را به کار برد.

### ضرورت معاشرت از دیدگاه روایات

زندگی اجتماعی در روایات اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

یَدُاللّه ِ عَلی الجَمَاعَهِ فَاذا اْشتَذَّ الشّاذُّ مِنْهم اِخْتَطَفَه الشَّیْطانُ کَما یَخْتَطِفُ الذِئبُ الشّاهَ الشّاذهَ مِن الْغَنَم.(2)

ص:15

---

1- 1. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1973 م، چ 3، ج 18، ص 98.
2- 2. حسام الدین هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، 1409 ه/1989 م، ج 2، ص 207، ح 1032؛ محمدتقی مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ه/ 1982 م، چ 2، ج 2، ص 266، ح 23.

دست خدا (کنایه از کمک و عنایت خدا) بر جماعت (و اجتماع) است. پس هرگاه یک نفر از جماعت جدا شد (و گوشه گیری اختیار کرد)، شیطان او را می رباید. همان گونه که گرگ، گوسفند جدا شده از گله را می رباید.

در این روایت، به زندگی اجتماعی به عنوان یک ضرورت توجه شده و مردم را به سوی آن دعوت کرده است. پس لازمه زندگی اجتماعی، معاشرت و نشست و برخاست با دیگران است. در روایت دیگری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فاصله گرفتن از جماعت را معادل خارج شدن از اسلام معرفی فرموده است:

مَنْ خَرَجَ مِنَ الْجَماعهِ قَیْد (قَدْرَ) شِبْرٍ، فَقَدْ خَلَعَ رِبْقهَ الْاِسْلام مِنْ عُنُقِه.(1)

کسی که به اندازه یک وجب از جماعت خارج شود، ریسمان اسلام را از گردنش جدا کرده است.

در جای دیگر می فرماید:

اَلْجماعَهُ رَحْمهٌ وَ الْفُرْقَهُ عَذابٌ.(2)

جماعت، رحمت (الهی) و تفرقه، عذاب است.

روایات زیادی که درباره برآوردن نیازهای مؤمنان وارد شده، نشان دهنده توجه شرع مقدس به زندگی اجتماعی مطلوب تا آن جا است که برآوردن نیاز برادر دینی را با عبادت هفت هزار سال آن هم به گونه ای که روزها روزه و شب ها را به عبادت بگذراند، برابر دانسته است.(3)

امام کاظم علیه السلام فرمود:



---

1- 1. همان، ج 2، ص 207، ح 1035.
2- 2. بحارالانوار، ج 71، کتاب العشره باب قضاء حاجه المؤمن، ص 315، ح 72.
3- 3. همان.

اَنَّ خَواتیمَ أَعمالِکُم قَضاءُ حوائِجِ إخْوانِکُمْ وَ الْاِحْسانُ اِلَیْهم ما قدرتم، وَ إلاّ لَمْ یُقْبَلْ مِنْکُم عَمَلٌ.(1)

پایان کارهای شما، برآوردن نیازهای برادران دینی و نیکی کردن به آن هاست تا آن جا که قدرت دارید و در غیر این صورت، هیچ عملی از شما قبول نخواهدشد.

امام صادق علیه السلام معاشرت را برای انسان ها لازم می داند و می فرماید:

عَلَیْکُم بِالصَّلاهِ فِی المَساجِدِ وَ حُسْنِ الجوارِ لِلنّاسِ و إقامَهِ الشَّهادهِ و حُضُور الْجَنائِزِ انّهُ لابُدَّ لَکُمْ مِنَ النّاسِ إنَّ أَحَدا لا یَستَغْنی عَنِ النّاسِ حَیاتُه وَ النّاسُ لابدَّ لِبَعْضِهِم مِنْ بَعْضٍ.(2)

نماز را در مسجدها به جا آورید و به همسایگان نیکی کنید و برای شهادت دادن و تشییع جنازه ها حاضر شوید؛ زیرا شما ناچارید از زیستن با مردم. به راستی تا انسان زنده است، از مردم بی نیاز نیست. پس مردم باید با یکدیگر سازش داشته باشند.

همه این روایات، بر ضرورت زندگی اجتماعی و معاشرت انسان، سفارش کرده اند. هم چنین دعاهای گوناگونی که از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است، بر معاشرت با دیگران تأکید می کنند. برای نمونه، در دعای روز هشتم ماه مبارک رمضان می خوانیم:

اَللّهُم ارْزُقْنی فیه رَحْمَةَ الأیتامِ و إطْعامَ الطَّعامِ و إفشاءَ السَّلامِ و مُجانَبَةَ اللِّئامِ وَ صُحْبَةَ الْکِرامِ.(3)

خدایا ! در این روز مهر و محبت به یتیمان، غذا دادن (به مردم)، بلند سلام کردن و دوری از بدسیرتان و هم نشینی با بزرگان را روزیم فرما.



---

1- 1. همان، ج 72، کتاب العشره باب الرکون الی الظالمین، ص 379، ج 40.

2- 2. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه: سید هاشم، رسولی، تهران دفتر نشر فرهنگ اهل البیت علیهم السلام ، ج 4، ص 447.

3- 3. رضی الدین علی بن موسی بن جعفر طاووس سیدبن طاووس، اقبال، ج 1، ص 270؛ بحارالانوار، ج 98، ص 28.

مسلّم است که رسیدگی به امور یتیمان، غذا دان، سفره انداختن، مهمان نوازی و افشای سلام و مصاحبت و نشست و برخاست با افراد شایسته بدون معاشرت اجتماعی ممکن نیست. انسان باید در اجتماع رفت و آمد و با مردم نشست و برخاست داشته باشد تا بتواند یتیمان و نیازمندان را شناسایی کند و نیاز آنان را برآورده سازد.

مضمون دعاهای دیگر از جمله فرازهایی از دعای مکارم الاخلاق نیز بیانگر تأکید اهل بیت علیهم السلام بر داشتن زندگی اجتماعی مطلوب است.

ضرورت معاشرت در دیدگاه اندیشمندان

آیت اللّه جوادی آملی در تفسیر آیه 62 سوره نور(1) در هنگام بیان امر جامع می نویسد:

امر جامع، همان مسایل جمعی یک نظام است مثلاً جریان نماز جمعه یک امر جامع است. تظاهرات علیه طغیان و استکبار، حضور زن در انتخابات، تأیید رهبر و مسئولان اسلامی، تأیید خدمت گزاران راستین، امر به معروف عمومی و نهی از منکر جمعی و صدها نمونه از این قبیل همه امور جامع هستند.(2)

ایشان با اشاره به حضور زنان در صحنه سیاست می نویسد:

در هر یک از بخش های نظامی، سیاسی، عرفانی و حدیث زنان نمونه بسیارند، ولی وقتی نام زن در حجاب باشد، در جامعه خبری از او نخواهد ماند. پس باید خودش در حجاب و



---

1- 1. «انما المؤمنون الذین امنوا باللّه و رسوله و اذا کانوا معه علی امر جامع لم یذهبوا حتی یستأذنو ؛ افراد با ایمان کسانی هستند که به خدا و رسول ایمان آورده اند و وقتی با پیامبر در یک امر اجتماعی شرکت کردند، پراکنده نمی شوند تا از او اجازه بگیرید» .
2- 2. عبداللّه جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، تهران، مرکز نشر فرهنگ رجاء، 1369، ص 292.

نامش در کتاب باشد تا عظمت او ظهور کند.(1)

از سوی دیگر، متکلمان برای اثبات نبوت عامّه با مطرح کردن مدنی بالطبع بودن انسان به این حقیقت اشاره کرده اند که ارتباط و معاشرت از لوازم اولیه زندگی انسان است. به اعتقاد آنان «خلقت نوع انسان با خلقت دیگر حیوانات متفاوت است؛ زیرا انسان به طور طبیعی اجتماعی آفریده شده است. او در زندگی بسیار نیازمند است و نظام اجتماعی تنها با انجام این امور امکان پذیر است و انسان از انجام بیشتر این امور ناتوان است مگر با همراهی و کمک کردن به یکدیگر.(2)

ابن خلدون درباره زندگی اجتماعی انسان می نویسد:

انسان به گونه ای آفریده شده که بدون غذا نمی تواند زنده بماند و خداوند او را وادار کرد که مواد غذایی را به دست آورد، ولی از آن جا که یک انسان به تنهایی نمی تواند نیازهای خود را برطرف سازد، برای به دست آوردن غذای یک روز خود از گندم (نان) می بایستی آن را به آرد و خمیر و نان تبدیل کند. هرکدام از این کارها، ابزار و ظرف های مخصوص خود را می طلبد و هرکدام از این ها از عهده صنعتگری برمی آید. علاوه بر این ها، به دست آوردن خود دانه گندم نیز به کشاورزی نیاز دارد و ممکن نیست تمام این ها از دست یک نفر ساخته باشد. پس به ناچار انسان نیازمند زندگی اجتماعی است تا غذای خود و دیگران را با کمک و همیاری به دست آورد. اگر این تعاون صورت بگیرد، حکمت خدای متعال تمام می گردد و در این هنگام، اجتماع برای نوع انسان ضرورت پیدا می کند. در غیر این صورت، وجود انسان ها کامل نمی شود و چیزی که خدا از خلقت انسان اراده کرده که



---

1- 1. همان، ص 326.
2- 2. علاّمه حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تحقیق: حسن حسن زاده آملی، قم، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، 1363، ص 347.

همان آبادانی دنیا و خلیفه قرار دادن انسان است، حاصل نمی گردد.(1)

این سخن ابن خلدون که با دیدی تاریخی و تکوینی به انسان نگاه می کند، بیانگر لزوم معاشرت و زندگی اجتماعی برای انسان است.

با توجه به این که موضوع بحث ما معاشرت زنان و مردان است، این نکته قابل تأمّل است که زنان نیمی از پیکره جامعه بشری هستند و حضور آنان در اجتماع امری است انکارناپذیر. نقش آفرینی های زن در عرصه زندگی به عنوان مادر و همسر و برخورداری وی از تمام جنبه های زندگی ماشینی امروز، او را به اجتماع کشاند و به دادوستدهای گوناگون وادار می کند.

زن مسلمان در مراکز آموزش عالی حاضر می شود؛ زیرا می داند که جامعه اسلامی به پزشک متخصص زنان نیاز دارد. مراکزی که هنوز به صورت مختلط اداره می شوند. هم چنین برای به دست آوردن مراتب علمی در رشته های دیگر حتی رشته های دینی به دادوستد اجتماعی با جنس مخالف به معنای عام کلمه مجبور می شود. این ضرورت را در حوزه های علمیه نیز می بینیم. هرچند در آن جا می توان میان استاد مرد و شاگردان از پرده استفاده کرد، ولی آیا این پرده بین زن و مرد در مراکز علمی می تواند چاره ساز باشد؟ باید با غنی سازی فرهنگ معاشرت، مفهومی از آن ارایه داد که مورد پسند جامعه علمی بوده و از هرگونه خطر مراکز آموزشی مختلط در جوامع غربی به دور باشد. روان شناسان و جامعه شناسان، روابط



---

1- 1. عبدالرحمن بن محمد ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1408 ه/ 1988 م، ج 1، ص 41.

اجتماعی و محبت را یکی از نیازهای اساسی و فطری انسان ها می دانند. بدین ترتیب، روابط اجتماعی هم یک نیاز فطری و هدف و هم وسیله ارضای نیازهای دیگر است. یکی از نکاتِ جالب در نظام آفرینش این است که روش زندگانی اجتماعی انسان ها و تشکیل جامعه را در فطرت آن ها نهاده است، به گونه ای که انسان بدون این روابط اجتماعی قادر به زیستن نیست.(1)

به گفته دکتر سویل در مجله ریدرزدایجست(2) «کمبود کمک ها و روابطاجتماعی یک ریسک برای سلامتی است.» در یک تحقیق در استان آلامیای کالیفرنیا، انسان هایی که کم ترین ارتباط را با انسان های دیگر داشته اند، بالاترین آمار مرگ ومیر بیماری های قلبی، مغز و اعصاب، سرطان و دیگر بیماری ها را به خود اختصاص داده اند.

مولوی می گوید:

هر که او از هم زبانی شد جدا***بینوا شد گرچه دارد صد نوا

(3)

آسیب شناسی معاشرت

کشش و جاذبه نیرومند غریزه جنسی را نمی توان انکار کرد. این میل در پی به دست آوردن فرصتی است تا خود را نشان دهد که در این صورت

ص:21

---

1- 1. فرامر رفیع پور، آناتومی جامعه، مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی، تهران، 1377، چ1، ص73.
2- 2. Reader's Digest, 1995, P 149.
3- 3. همان، ص 204.

ممکن است مشکلاتی را فراهم سازد و باعث بی نظمی و اغتشاش شود. (1) ارضای غریزه جنسی به صورت متعادل و مشروع، سلامتی آفرین است، ولی هنگامی که از حد بگذرد، نوعی بیماری خواهد بود که بیماری های فراوانی را نیز به دنبال دارد. پس لازم است که آسیب های معاشرت را بشناسیم.

ارتباط و معاشرت آزاد خطرآفرین است تا آن جا که حضرت یوسف اعلام می دارد: «در این وادی پرخطر باید به خدا پناه برد». (2) باید دانست در غیر این صورت، سقوط حتمی است و احساس امنیت در چنین صحنه هایی نشان دهنده ناآشنایی با روحیه انسان است. کسانی که در این مورد، سخن معروف «الانسان حریص علی ما منع» را مطرح می کنند، سخت در اشتباهند و ما آنان را به تأمل در آمار تکان دهنده فساد در جوامعی دعوت می کنیم که حدومرزی برای معاشرت ترسیم نکرده اند.

برای نمونه، بد نیست بدانید که از هر ده زن امریکایی، 4 نفر در محیط کار هدف باج خواهی و تهدید جنسی مدیران و همکاران خود قرار می گیرند.

به گزارش رادیو دولتی انگلیس، تحقیق انجام شده در سه روزنامه پر انتشار آن کشور بیانگر مزاحمت های فراوان جنسی برای کارمندان زن است. 52 درصد زنان در پاسخ به پرسش روزنامه ایندیپندنت گفتند: به عقیده آن ها این مزاحمت ها به صورت یک مشکل بزرگ درآمده است. روزنامه



---

1- 1. قرآن می فرماید: «وَ ما أُبَرِّئُ نَفْسی إِنَّ النَّفْسَ َلأَمّارَهٌ بِالسُّوءِ إِلاّ ما رَحِمَ رَبّی إِنَّ رَبّی غَفُورٌ رَحیمٌ». یوسف: 53.
2- 2. تفسیر المیزان، ج 11، ص 198.

اخبار جهان می نویسد: «50 درصد زنان به شکلی مورد اذیت قرار گرفته یا همکاران مرد آن ها، برایشان مزاحمت ایجاد کرده اند». در سال های 1979 و 1980 در امریکا، حدود 18 میلیون نفر از زنان کارمند به هنگام کار، مورد اذیت و آزارهای جنسی قرار گرفتند. بیش از نیمی از زنان رده های بالای مشاغل حرفه ای و 30 درصد از کارکنان امور اداری و دفتری در انگلستان و 77 درصد در امریکا با مزاحمت مدیران و همکارانشان در محیط کار، روبه رو هستند. این آمار تکان دهنده بیانگر این حقیقت است که هرچه آزادی بیش تر باشد، خوی وحشی گری زیادتر خواهد بود.

شهید مطهری رحمه الله معتقد است که آزادی در مسایل جنسی، سبب شعله ور شدن شهوت ها به صورت حرص و آز می شود که همانند رفتار صاحبان حرم سراهای رومی و ایرانی و عرب است.(1) اگر سخن «الانسان حریص علی ما منع» را در این مورد صحیح بدانیم، باید صاحبان حرم سراها، سیرترین افراد از نظر شهوت باشند. با این حال وقتی تاریخ زندگی آن ها را می خوانیم، به این نتیجه می رسیم که نه تنها از سیرترین افراد نیستند، بلکه بر طمع آن ها نیز افزوده شده است. در مقابل، افرادی که در معاشرت های خود، تقوا و موازین اخلاقی را در نظر می گیرند، چنین نیستند. در پایان، به این مثال توجه کنید تا ضرورت رعایت حریم در معاشرت زنان و مردان را دریابید: «هنگامی که روابط زن و مرد دور از ارتباط جنسی باشد، باید حفاظ و حجابی در بین باشد. اگر به سیم های مثبت و منفی برق توجه کنید،



---

1- 1. مرتضی مطهری، مسأله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، 1379، چ 52، ص 140.

خواهید دید که هیچ گونه اتصال و اصطکاکی باهم ندارند؛ زیرا پوششی از پلاستیک آن ها را پوشانیده و میان سیم های مثبت و منفی، حجاب ایجاد کرده است. اگر صدها سیم از سیم های مثبت کنار هم قرار گیرند، به پوشش نیازی ندارند، ولی اگر پای یک سیم منفی در میان باشد، باید بین این سیم و سیم های مثبت پوشش ایجاد شود».(1)

### راه های پیش گیری از آسیب های معاشرت

1 _ تنظیم روابط اجتماعی بر اساس الگوی صحیح اسلامی و جلوگیری از اختلاط های غیر ضروری در عرصه های گوناگون اجتماعی؛

2 _ به کارگیری آموزه های دینی در زمینه حجاب و نگاه؛

3 _ تقویت بنیادهای اخلاقی و ایمانی؛

4 _ تشویق جوانان به ازدواج که اسلام و ادیان الهی بدان تأکید و سفارش کرده اند.

قرآن مجید می فرماید:

وَ أَنْكِحُوا الْأَيامى مِنْكُمْ وَ الصّالِحينَ مِنْ عِبادِكُمْ وَ إِمائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَراءَ يُغْنِهِمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللّهُ واسِعٌ عَليمٌ. (نور: 32)

مردان و زنان بی همسر و غلامان و کنیزان صالح و درست کارتان را همسر دهید. اگر فقیر و تنگ دست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد و خداوند گشایش دهنده و آگاه است.

نکته قابل توجه در این آیه این است که به دیگران سفارش می کند مردان و زنان بی همسر را همسر دهید و روی سخن خداوند با دست اندرکاران سامان دهی امر ازدواج (خانواده و جامعه) است.



---

1- 1. محیی الدین حائری شیرازی، تمثیلات، قم، شفق، 1373، چ 3، صص 139 _ 140، 143 و 152.

خداوند در آیه ای دیگر کسانی را که توان ازدواج ندارند، به عفت و پاک دامنی فرا می خواند:

وَ لْیَسْتَعْفِفِ الَّذینَ لا یَجِدُونَ نِکاحًا حَتّی یُغْنِیَهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ. (نور: 33)

آنان که قادر به فراهم کردن وسایل ازدواج نیستند، عفّت نفس بیشتر کنند، تا خداوند به لطف خود آنان را بی نیاز گرداند.

قرآن برای حفظ عفت عمومی جامعه دو راه را به آدمی سفارش می کند:

1 _ ازدواج که امری عمومی و مربوط به خانواده و دست اندرکاران امور اجتماعی است؛

2 _ پاک دامنی که امری است شخصی و تک تک افراد جامعه را به آن سفارش می کند.

پیامبر هماره بر امر ازدواج تأکید کرده است که چند نمونه از آن را می آوریم:

1. مَنْ تَزَوَّجَ اَحْرَزَ نَصْفَ دِینه.(1)

هرکس ازدواج کند، نیمی از دین خود را به دست آورده است.

2. مابِنُی بناءٌ فی الْاِسْلامِ اَحَبُّ اِلی اللّه عزَّوجلَّ مَنَ التَّزویجِ.(2)

در اسلام نزد خدا، بنایی دوست داشتنی تر از ازدواج بنا نشد.

3. مَنْ اَحَبَّ اَنْ یُلْقِی اللّهَ طاهرا مُطَهّرا فَلْیُلْقِه بِزَوْجِه.(3)

هرکس دوست دارد با حالتی پاک و پاکیزه خدا را دیدار کند، باید همراه همسرش، خدا را دیدار کند.



---

1- 1. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، تصحیح: عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، مکتبه الاسلامیه، چ 6 ؛ کتاب النکاح ابواب مقدماته و آدابه، باب 1،

ح 11.
2- 2. همان، ح 4.
3- 3. همان، ح 15.

4. اَكْثَرُ اَهْلِ النّارِ اَلْعُزّابُ.(1)

بیش تر اهل جهنم را کسانی که ازدواج نکرده اند، تشکیل می دهند.

این پی آمدهای ناگوار ازدواج نکردن است که انسان را وارد جهنّم می سازد.



---

1- 1. همان، باب 2، ح 7.

## فصل دوم: دیدگاه های گوناگون درباره معاشرت مردان و زنان

### اشاره

ص:27

## گفتار اول: دیدگاه آزادی بی قید و شرط در ارتباط و معاشرت

### اشاره

نهضت آزادی زنان، مروّج اصلی این دیدگاه در جوامع غربی به شمار می آید؛ نهضتی که با هدف آزادی زن شکل گرفت و در سراسر دنیا با عنوان فمینیسم به فعالیت خویش ادامه داد.

### فمینیسم چیست؟

Feminism واژه ای فرانسوی است که به معنای اندیشه برابری حقوق زن و مرد به کار می رود. این اندیشه در نظریه تقسیم بندی جهان به دو گروه تعقلی و غیرتعقلی ریشه دارد.

دنیای تعقلی و عینی بر پایه عمل انسانی قابل فهم بوده و حاصل عمل اوست. در مقابل، دنیای غیرتعقلی، مجموعه دنیای ذهنی است که ارزش ها، اخلاق، عواطف و احساسات افراد را دربرمی گیرد.

جهان تعقلی، جهان اولی و جهان غیرتعقلی، جهان ثانوی است. از این رو، دانشمندان، مردان را به جهان اولی و زنان را به جهان ثانوی نسبت داده اند. هرجا سخن از حقوق طبیعی انسان به میان می آمد، صحبتی از حقوق زن مطرح نبود، بلکه تنها حقوق مردان مورد توجه بود و زنان و بردگان از حقی برخوردار نبودند.(1)

در سال 1791 «مری ولیستون گرافت»، اولین مقاله فمینیستی را

ص:28

---

1- 1. معصومه موسوی، «تاریخچه مختصر تکوین نظریه های فمینیستی»، کتاب توسعه، ش 9.

نوشت و در برابر کسانی که برابری آموزش دختران و پسران را محکوم می کردند، ایستادگی کرد.(1)

پاسخ منفی مجلس فرانسه بعد از جنگ 1792 به پرسش زنان، ناقوس مرگ سیاسی زنان را به صدا درآورد. اولین جنبش فمینیستی، حرکت ضد برده داری در امریکا به رهبری فرانسیس رایت در سال 1830 بود که توانست اولین گردهمایی آزاد را برای بردگان و دیگر شهروندان امریکایی سامان دهد.

در سال 1848 فمینیسم به عنوان یک جنبش سیاسی و به نام نهضت سیکافالز در امریکا اعلام موجودیت کرد و نخستین منشور دفاع از حقوق زنان در کشور امریکا اعلام شد. آگوست کنت (1857) و جان استوارت میل (1869) دانشمندانی بودند که نظریه برابری زن و مرد را در چارچوب حقوق فردی و اومانیستی مطرح کردند.(2)

نهضت فمینیسم تا پایان قرن نوزدهم در جوامع غربی توفیقی نداشت، تا این که نهضت طرفداری از حقوق زنان در انگلیس به رهبری پاتک هورست با شعار رسیدن زنان به حق رأی، کار و آموزش آغاز شد و تا سال 1919 (آغاز جنگ جهانی اول) تأثیر عمیقی در انگلستان بر جای گذاشت، به گونه ای که در سال 1918، زنان انگلیس به حق رأی دست یافتند.

زنان جامعه متمدن غربی در قرن بیستم میلادی به حق رأی رسیدند. این



---

1- 1. فمینیسم، جنبش اجتماعی، ص 68 .
2- 2. بولتن مرجع فمینیسم، برگرفته از: جان استوارت میل، کنیزک کردن زنان، ترجمه: خسرو ریکی.

در حالی است که در قرن هفتم میلادی، زنان مسلمان در کنار مردان در روز فتح مکه، برای بیعت با رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع شدند که پیامبر دستور داد تا تشتی از آب بیاورند. آن گاه حضرت دستش را در آن تشت فرو برد و فرمود هرکدام از شما (زنان) که می خواهد با من بیعت کند، دست خود را داخل این تشت بگذارد.(1)

بدین ترتیب، همه مسلمانان بدون هیاهو درباره شعار آزادی و زیر پا گذاشتن ارزش های انسانی، به حق رأی دست یافتند و خداوند به زنان هم پای مردان با عنوان: مؤمنات، مسلمات، قانتات و... خطاب کرد.

فمینیسم مردمی در فرانسه از حمایت زنان قشر متوسط و کارگر برخوردار بود. طرفداران حقوق اجتماعی زنان برای دسترسی دختران به آموزش متوسطه و دانشگاه، مبارزه بسیار سختی را آغاز کردند که با مقاومت شدید مردان روبه رو شدند و در پایان قرن 19 به پیروزی رسیدند.(2)

این نهضت از قرن نوزدهم میلادی در فرانسه آغاز شد که در سراسر جهان به ویژه کشورهای غربی و امریکا هواخواهان قابل توجهی دارد و دامنه آن به ایران نیز کشیده شده است.(3) این نهضت بدون آن که به تعدد و تنوع گروه های زنان در ایران توجه کند، بر مسایلی هم چون اشتغال زنان به عنوان راه نجات آنان و دشمنی و تقابل زن و مرد، تأکید دارد.



---

1- 1. بحارالانوار، ج 21، ص 113؛ اصول کافی، ج 2، ص 66؛ شریف لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، تصحیح: محمد ابراهیم، تهران، انتشارات کتب ایران، 1347.
2- 2. فمینیسم اجتماعی، ص 83 .
3- 3. فمینیسم اجتماعی، ص 135.

فمینیسم با تبلیغ و تأیید شباهت کامل زن و مرد، نظریه «دگرگونی الگوهای ارزشی و رفتاری زن و مرد و اهمیت انسان بودن به جای زن یا مرد بودن» را پذیرفت که در نتیجه، شبیه شدن زن و مرد را در آموزش، لباس و رفتار اجتماعی گسترش داد و اختلاط زن و مرد را در مراکز آموزشی در پی آورد.

بنابراین، اختلاط زنان و مردان از دستآوردهای فمینیسم به شمار می آید؛ زیرا پیش از عصر نوزایی تا میانه قرن نوزدهم، همه آموزش ها در مؤسسه های آموزشی و تربیتی به صورت جداگانه بوده است و در موارد بسیار نادر، زنان و دختران جوان در کنار جنس مخالف و در مدارس مختلط آموزش می دیدند. از این رو، تعلیم و تربیت مختلط پدیده جدیدی بود که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به صورت گسترده ای در بعضی از کشورهای غربی به عنوان یکی از اصول پذیرفته شده فلسفه آموزش و پرورش مطرح شد.(1)

البته در قرن شانزده و در نتیجه نهضت اصلاحی پروتستان ها و حمایت های مارتین لوتر، مدارس مختلط به صورت بسیار محدود و در نواحی خاصی ظهور کرد.

بیش تر کشورهایی که به استقبال تعلیم و تربیتی مختلط رفتند، آن را تنها در دوره خاصی از نظام آموزشی خود اجرا کردند.

در بسیاری از کشورهای اروپایی، تنها تعداد انگشت شماری از مدارس



---

1- 1. اسدالله طوسی، «اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی»، معرفت، ش 32، ص 47.

ابتدایی، آموزشکده ها و دانشگاه ها به صورت مختلط اداره می شد و بیش تر مدارس دوره متوسطه، مختلط نبودند.

دانشگاه های دولتی امریکا در پایه گذاری و استحکام نظام آموزش مختلط در آن کشور، نقش قابل توجهی داشتند، به گونه ای که در دهه 50، آموزش وپرورش مختلط در تمام دوره های آموزشی در مؤسسه های آموزشی دولتی امریکا به صورت یک واقعیت انکارناپذیر درآمد.

این در حالی است که در بیش تر کشورهای کاتولیک مذهب در اروپا و امریکا، حتی فرانسه و انگلستان و بسیاری از مدارس متوسطه و آموزشکده ها در امریکا و امریکای لاتین و بیش تر کشورهای شرقی، به ویژه مناطق مسلمان نشین، هنوز دختران در مدارس جدا از پسران تحصیل می کنند. کشورهایی نظیر بلژیک، آلمان، اتریش، مجارستان، اسپانیا، ایتالیا و یونان نیز در سطح مدارس متوسطه از آموزش مختلط استقبال نکرده اند.(1)

طرفداران و مخالفان اختلاط زن و مرد در مراکز آموزشی هر کدام دلایلی داشتند و بر آن پافشاری کرده اند. اکنون به بررسی دلایل طرفداران اختلاط زن و مرد در مراکز آموزش می پردازیم.

### دلایل طرفداران اختلاط در مراکز آموزشی

1 _ اگر زن و مرد (دختر و پسر) در کنار هم درس بخوانند، بسیاری از هزینه های اقتصادی کاهش می یابد.(2)

این افراد مراکز علمی و آموزشی را بنگاه تولیدی و اقتصادی پنداشته و

ص:32

---

1- 1. همان.
2- 2. همان.

منافع اقتصادی را مهم تر از آموزش دانسته اند.

توجه به مسایل اقتصادی در امور تربیتی و آموزشی نشان دهنده بی توجهی به تفاوت های فردی انسان ها است؛ تفاوت هایی که خود غربی ها نیز به آن اعتراف کرده اند. شهید مطهری به نقل از پرفسور ریک امریکایی می گوید:

دنیای مرد با زن به کلی فرق می کند. اگر زن نمی تواند مانند مرد فکر یا عمل کند، از این روست که دنیای آن ها باهم فرق می کند... احساس این دو موجود هیچ گاه مثل هم نخواهد بود... زن و مرد بر اساس شرایط جنسی رسمی خود به طور متفاوت عمل می کنند و درست مثل دو ستاره روی دو مدار مختلف حرکت می کنند. آن ها می توانند همدیگر را بفهمند و مکمل یکدیگر باشند، ولی هیچ گاه یکی نمی شوند.(1)

ایشان نیز با بررسی اجمالی تفاوت های زن و مرد و بیان نظریه افلاطون از کتاب جمهوریت به این نکته اشاره می کند که زنان از مردان چه در نیروهای جسمی و چه در نیروهای روحی و دماغی ناتوان ترند.

افلاطون به تفاوت ظاهری زن و مرد اعتراف دارد و مخالف تفاوت کاربردی آن ها از نظر استعدادهاست و به همین دلیل، افلاطون خدا را شکر می کند که مرد آفریده شده است نه زن! ارسطو به تفاوت کیفی این دو جنس اعتراف می کند و می گوید فضایل اخلاقی زن و مرد متفاوت است. استاد مطهری پس از بیان نظریه افلاطون و ارسطو به تفاوت های زن و مرد



---

1- 1. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، 1379، ج 28، ص 157؛ برگرفته از مجله زن روز، ش 90.

از لحاظ جسمی و روحی و احساسات نسبت به یکدیگر می پردازد و می نویسد:

مرد درشت اندام تر از زن است. مرد خشن و زن ظریف است. رشد بدنی زن سریع تر از رشد بدنی مرد است، مقاومت زن در مقابل بسیاری از بیماری ها از مرد بیشتر است. دختر از پسر زودتر به سخن می آید. از لحاظ روانی نیز زن از توسل به زور و خشونت درباره دیگران و خود پرهیز می کند و به همین دلیل خودکشی در زنان کم تر است. مردان در کیفیت خودکشی نیز از زنان خشن ترند. مرد برای خودکشی از دار، اسلحه و پرتاب کردن خود از ارتفاع استفاده می کند و زن از قرص خواب آور ... . احساسات زن گرم تر از مرد است. زن محتاط تر، مذهبی تر، پرحرف تر، ترسوتر و تشریفاتی تر از مرد است.(1)

ایشان در ادامه با بیان نظر اندیشمندان و روان شناسان درباره دوگانگی احساسات مرد و زن، به نهضت فمینیسم اشاره می کند و می گوید:

نهضتی که در اروپا برای احقاق حقوق پایمال شده زن صورت گرفت به دلیل آن که دیر به این فکر افتاده بودند، با دست پاچگی و عجله زیادی انجام گرفت و احساسات مهلت نداد که علم نظر خود را بگوید و راهنما قرار گیرد. از این رو، تر و خشک با یکدیگر سوخت. این نهضت یک سلسله بدبختی ها را از زن گرفت و حقوق زیادی به او داد و درهای بسته ای را به روی او باز کرد، اما بدبختی ها و بیچارگی های دیگری را برای زن و جامعه بشریت به وجود آورد.

اگر آن چنان شتاب زدگی به خرج نمی دادند، احقاق حقوق زن شکل بهتری به خود می گرفت و فریاد فرزانگان از وضع ناهنجار حاضر و از آینده بسیار وحشتناک تر به فلک نمی رسید، ولی این امید باقی است که علم و دانش جای خود را باز یابد و نهضت زن به جای آن که مانند گذشته



---

1- 1. همان، ص 157.

از احساسات سرچشمه گیرد، از علم و دانش الهام پذیرد. چیزهایی که مقلدان غرب را در زمینه روابط مرد و زن، تازه به نشئه فرو برده است، خود غربیان دوره خمار آن ها را طی می کنند.(1)

در دنیای امروز هدف اصلی فراموش شده و علم به عنوان هدف معرفی می شود. امید داریم که روزی علم آن ها را متوجه سازد که هدف، رسیدن به کمال انسانیت است و علم برای رسیدن به آن هدف به خدمت گرفته شود.

2 _ دومین دلیل هواداران آموزش مختلط این است که: جو اخلاقی مؤسسه های آموزشی مختلط از مؤسسه های غیر مختلط بهتر است.(2)

دکتر هریس در این باره می گوید:

در مدارسی که دارای فضای باز جنسی است و دختر و پسر باهم هستند، هیچ گونه مشکل جنسی و گرایش جنسی به طرف مقابل وجود ندارد، ولی در مدارس غیر مختلط، افراد با تمایلات و گرایش های جنسی رشد می کنند.(3)

در نقد این نظریه باید گفت:

1 _ این نظریه توهمی بیش نیست که نشان دهنده بی خبری مطرح کنندگان آن از روحیه انسان است. موناشارن، نویسنده امریکایی می گوید:

آزادی زنان برای ما، افزایش سیگار ویژه زنان، حق انتخاب زیستن و تشکیل خانواده یک نفره، ایجاد مراکز بحران تجاوز، اعتبارات فردی، عشق آزاد و افزایش زنان متخصص بیماری های زنان را به ارمغان آورد، ولی در ازای آن، چیزی را به غارت برده که خوشبختی بسیاری از زنان در گرو آن



---

1- 1. همان، ص 157.
2- 2. اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی، ص 48.
3- 3. همان.

است و آن، وجود همسر و خانواده است.(1)

هرچند این نویسنده امریکایی سخن دکتر هریس را دور از واقعیت می داند، با این حال، سخن ماناشارن که گفته است: شمار زنان متخصص بیماری زنان افزایش یافته است، اشکال بزرگی دارد؛ زیرا با مطالعه آمار ارایه شده و مقایسه آن ها به این نتیجه می رسیم که تعداد پزشکان زن در سال 1920 از تعداد پزشکان زن در سال 1910 _ سالی که واژه فمینیسم وارد فرهنگ لغات غربی شد _ کم تر است. مجله ریدرز دایجست در سپتامبر 1996 آمارتکان دهنده زیر را ارایه داد:

هر ساله، 350 هزار دختر نوجوان امریکایی در سنین 15 تا 19 سال در نتیجه ارتباط های نامشروع، آبستن می شوند و فرزندان غیرقانونی به دنیا می آورند که این آمار در دهه های اخیر، سال به سال رو به افزایش است. [تولد این تعداد از فرزندان نامشروع، غیر از سقط جنین هایی است که این نوجوانان  انجام می دهند].

دختران دبیرستانی با چه رؤیاهایی، به ارتباطات غیرقانونی دست می زنند، ولی وقتی متوجه می شوند، دیگر شانس خود را برای برخورداری از یک زندگی سالم و ایده آل، از دست داده اند. یکی از این دختران می گوید: «ای کاش هنگامی که زمینه های ایجاد یک ارتباط نامشروع برایم فراهم شده بود، کمی هم به زندگی آینده ام می اندیشیدم»...

تنها 40 درصد از این دختران موفق به ازدواج می شوند که البته آمار طلاق در میان آنان نیز دو برابر دختران دیگر است. اندوه و پشیمانی، آوارگی، جرم و جنایت، فروپاشی خانواده و ناتوانی در آینده نگری، از نتایج اولیه سکس در جامعه ایالات متحده امریکاست و جوانانی که در این ورطه هولناک غلتیده اند،



---

1- 1. مرضیه صدیقی، «نگاهی به روند جهانی جنبشی زنان و موقعیت زن در جمهوری اسلامی ایران»، کتاب نقد، ش 12، ص 69 .

آینده ای دشوار و غم انگیز پیش روی دارند. پس به راستی مقصر کیست؟

گفتنی است 62 درصد امریکایی ها ابراز نگرانی می کنند که آموزش وپرورش این کشور در پرورش نسل نو _ به عنوان افرادی با احساس، مسئولیت پذیر، آداب شناس، صادق، پرهیزگار و باانضباط که باید میان مادیات و معنویات موازنه برقرار کنند _ با شکست روبه رو شده است. 61 درصد نیز از افزایش بیماری ایدز و بیماری های مقاربتی نگرانند.(1)

این آمار تکان دهنده گویای این حقیقت است که سخن دکتر هریس نه تنها خالی از هرگونه استدلال علمی است، بلکه واقعیت ندارد.

2 _ آیا گرایش به جنس مخالف با عدم دسترسی آسان به آن، نباید در جوانان رشد یابد تا زمینه تشکیل خانواده و... باشد؟! آیا با ایجاد اختلاط و از بین بردن گرایش مرد به زن جایی برای پیوستن زن و مرد برای بقای نسل باقی می ماند؟! و آیا این خیانتی بزرگ به انسان نیست که هرکدام تا آخر عمر مجرد زندگی کنند؟

3 _ سومین دلیل طرفداران اختلاط زن و مرد در مراکز آموزشی این است که این نوع آموزش با عدالت و انصاف سازگارتر است و بهانه استفاده هم زمان دختران و پسران از فرصت های تحصیلی را پیش می کشند.(2)

مرحوم علامه جعفری در مورد تفاوت های زن و مرد می گوید:

یکی از اعتبارات طبیعی زن این است که به طور ناخودآگاه کنار کشیدن خود را از فعالیت در کارگاه خلقت، مساوی با نابودی خود تلقی می کند، در صورتی که مرد ممکن است آن ناراحتی را که از محرومیت در فعالیت کارگاه آفرینش احساس می کند، به وسیله اعمال دیگر دفع کند و در



---

1- 1. صبح، ش 63، آبان 1375، صص 71 و 80 .
2- 2. معرفت، ش 32، ص 68 .

موجودیت خود بیارامد (آرام گیرد).

در مقابل، مرد از توانایی عقل نظری محض بیشتر برخوردار است. این برخورداری، امتیازی با ارزش انسانی محسوب نمی شود؛ زیرا فعالیت های تجریدی و تعمیمی که در مغز مرد بیشتر از زن دیده می شود، ارتباط آن فعالیت ها را با واقعیت تضمین نمی کند.(1)

با وجود این اختلاف ها، اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی به نفع آنان نیست و شایسته است که با هر دو جنس با توجه به نیازهای آنان برخورد شود.

4 _ دلیل دیگر برای آموزش مختلط، آمادگی برای کار مشترک و گروهی در آینده و ساختن جهانی بهتر است؛ چون انسان باید فعالیت های گروهی و اجتماعی خود را از دوران تحصیل آغاز کند.

5 _ رهپویان فمینیسم معتقدند که با محدودیتِ روابط، به امنیت اجتماعی خدشه وارد می شود. به همین دلیل گفته اند: با آزادی روابط اجتماعی زن و مرد و حضور بی قیدوشرط زن در جامعه، زنان می توانند به این حق قانونی خود برسند و از امنیت اجتماعی برخوردار شوند.

در این زمینه باید گفت امنیت اجتماعی، نتیجه اخلاق و فرهنگ هر جامعه به شمار می رود و در دین اسلام نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به همین دلیل، روابط زن و مرد را محدود می داند تا انسان ارزش و کرامت یابد خواه زن باشد یا مرد. قرآن می فرماید:

وَ مَنْ یَعْمَلْ مِنَ الصّالِحاتِ مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی وَ هُوَ مُؤمِنٌ فَأُولئِکَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ وَ لا



---

1- 1. محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، بی نا، 1375، چ اول، ج 11، ص 265.

يُظْلَمُونَ نَقيرًا. (نساء: 124)

و کسی که عمل صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، داخل بهشت می شوند و کم ترین ستمی به آن ها نخواهد شد.

بنابراین، زن مسلمان همانند یک مرد می تواند از تمام مزایای مادی و معنوی استفاده کند. بسیاری از زنان اروپایی و امریکایی که در ایران ساکن بوده یا مدتی اقامت داشته اند، امنیت اجتماعی موجود برای زنان در ایران را برای زنان غرب غیرقابل تصور می دانند و زندگی در فضای دور از تنش های اجتماعی ناشی از سوء استفاده های جنسی از زنان را آرزو می پندارند. نشریات امریکایی در دهه اخیر اعتراف کرده اند که بسیاری از مشکلات موجود در جامعه از جمله مسایل روحی زنان، خودکشی دختران جوان، خشونت علیه زنان، سقط جنین و غیره ناشی از حرکت های فمینیستی بوده است.

### دلایل مخالفان اختلاط در مراکز آموزشی

در برابر کسانی که طرفدار آموزش مختلط هستند، عده ای آموزش غیرمختلط را پیشنهاد می کنند که دلایل آن ها بدین شرح است:

1 _ تفاوت های موجود میان زن و مرد، آموزش یکسان و مشابه را برای هر دو جنس ناممکن می سازد و برنامه ریزی برای هر دو گروه را با مشکل روبه رو می کند. چنین برنامه هایی پاسخ گوی نیازهای هیچ کدام از دو جنس نیست و با استانداردهای علمی در جهان همخوانی ندارد.

2 _ تفاوت در زمینه بلوغ، به رقابت های نابرابر، اُفت تحصیلی و ناراحتی های روحی دختران و پسران در مدارس مختلط می انجامد.

ص:39

3 _ آموزش وپرورش مختلط، مانع رشد بیش تر توانایی های ویژه و نامحسوس زنانه در دختران جوان و برعکس، توانایی های ویژه و نامحسوس مردانه در پسران جوان می شود.

4 _ بر اساس پژوهش های انجام شده، وقتی دانشجویان و اعضای هیأت علمی آموزشکده از یک جنس باشند، تحصیل دانشجویان در آن مؤسسه آموزشی تأثیرهای مثبتی در پی خواهد داشت. بر اساس پژوهش دیگری، مهم ترین عامل الگوپذیری شغلی موفق برای زنان، تحصیل آنان در مؤسسات آموزشی زنانه است، نه مختلط.

5 _ تحصیل در موسسه های آموزشی مختلط، سلامتی جسمی و روحی هر دو جنس به ویژه دختران را به مخاطره می اندازد.

6 _ اختلاط اجباری دختران و پسران به ویژه در مدارس متوسطه، آنان را به ازدواج های زودرس و بدون توجه کافی به مسایل لازم و ضروری می کشاند که این ازدواج ها جز افزایش آمار سرسام آور طلاق و بی بندوباری های مردان و زنان بیوه، نتیجه دیگری نخواهد داشت.(1)

### بازتاب نهضت آزادی زنان در ایران

صرف نظر از ویژگی های مثبت و منفی این نهضت، جامعه ایران نیز مانند دیگر جوامع و فرهنگ ها با این نهضت آشنا شد. برای نمونه، مجله نسوان وطن خواه ایران که قبل از انقلاب منتشر می شد، در اولین شماره خود چنین نوشت: «در این مجله، دست نوشته های زنان اروپا که بیش از حد برای



---

1- 1. اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی، صص 44 _ 57.

مملکت ایران لازم است، به چاپ می رسد».

گفتنی است یکی از اهداف بلند مدّت استعمار، رواج فرهنگ غرب و اجرای شعارهای فمینیستی در ایران بود که این روند با آغاز انقلاب اسلامی متوقف شد. البته پس از گذشت بیست سال از پیروزی انقلاب اسلامی، طرفداران فرهنگ غرب بر آن شده اند تا با شعارهای افراطی فمینیستی، وارد میدان شوند و با بهانه قرار دادن این مطلب که تبعیض نسبت به زنان، مانع تحقق جامعه مدنی است، به این شعارها دامن بزنند. برای نمونه، نگاهی به مطالب روزنامه ها و نشریات چند سال گذشته در مورد زنان نشان می دهد که همه آن ها در یک جهت گیری هماهنگ به موارد زیر پرداخته اند:

1 _ بزرگ نمایی تعارض زنان و شوهران؛

2 _ ادعای مردسالاری در جامعه ایران؛

3 _ ادعای خشونت و ستم علیه زنان؛

4 _ وسیله بودن زن برای کام جویی های مردانه؛

5 _ پست جلوه دادن کار در خانه؛

6 _ تهاجم گسترده به قوانین جزایی و حکومتی در زمینه حقوق زن و خانواده؛

7 _ غیراسلامی جلوه دادن بسیاری از دستورهای دینی و قوانین برگرفته از شریعت؛

8 _ برقراری ملازمه میان آگاهی و دانش زنان با نفی خانه داری و خروج از خانه.(1)

به طور کلی، هدف هیچ کدام از این بحث ها، رسیدن به تکامل انسانی



---

1- 1. محمد فولادی، «فمینیسم»، معرفت، ش 32، صص 63 _ 64 .

نیست، هرچند در قالب واژه فریبنده و عوام پسند «آزادی» مطرح شده باشد. اکنون برای تکمیل بحث خود به آمار دیگری درباره آزادی ارتباط و معاشرت در جوامع غربی می نگریم: در کشور امریکا که خود را مهد تمدن و نهضت آزادی زن می شمارد، از هر چهار زن، یک زن مورد آزار مردان قرار می گیرد. به گزارش نشریه واشنگتن تایمز، از هفت هزار زن 18 تا 65 ساله، 37 درصد به خشونتی که از سوی مردان (چه به عنوان شوهر یا دوست) به آنان تحمیل می شود، اعتراف کردند. 12 درصد گفتند که این سوء استفاده ها در محیط کار نیز گریبان گیر آن هاست. 16 درصد این آزارها را شامل مشت، سیلی، لگد، هول دادن یا فشار دادن گلو دانستند و 15 درصد از زنان آزار دیده از سوی مردان گفتند که ادامه کار برایشان مشکل بوده است. بر اساس گزارش این روزنامه، زنان فقیری که کم تر از 25 هزار دلار در سال درآمد داشتند، بیش از همه آزار جسمی و روحی دیده اند.(1)

روشن فکران مسلمان و آزادی روابط

دکتر محمد شحرو از روشن فکران مسلمان، معتقد است باید از دیدگاه قرآن به زن نگاه کرد، نه از دیدگاه فقه که ساخت بشر است... در قرآن هیچ کاری به جز «بغا» بر زن حرام نشده است.(2)

شیخ عبدالحلیم محمود نیز می گوید: «حجاب مختص زنان پیغمبر است و حجاب و گوشه نشینی در اسلام معنا ندارد».

هم چنین دکتر یوسف قرضاوی گفته است:

ص:42

---

1- 1. صبح، ش 76، آذر 1376، ص 65.
2- 2. بولتن مرجع فمینیسم، ص 661.

زن از نظر تعداد نصف جمعیت انسانی است، ولی به حکم تأثیر در مرد و اولادش و محیط، بیشتر از نصف است. اسلام زن را بلندمرتبه کرده است به اعتبار این که دختر است، همسر است، مادر است و عضوی در جامعه است و قبل از تمام این ها به اعتبار این که انسان است... .

قرآن، حبس زن را جریمه فاحشه گری می داند، ولی اینان زن را بدون دلیل حبس می کنند و خروج زن را برای طلب علم حرام می دانند و می گویند بر پدر و شوهرش واجب است او را فقیه و دانشمند گرداند. «فاقد الشی لا یعطیه»، کسی که چیزی ندارد نمی تواند او را ببخشد. و «قد ضل من کانت العمیان تهدیه»؛ به تحقیق گمراه شد هرکسی که نابینا او را راهنمایی کرد.

این در حالی است که طلب علم فریضه ای است بر هر مسلم و مسلمه ای. از مادران مؤمنین و زنان صحابه کسانی بودند که از نظر علم به درجاتی رسیدند. اینان حتی از رفتن به مساجد هم جلوگیری کرده اند، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «لا تَمْنَعُوا أماءَ اللّهِ مساجِدَ اللّهِ»؛ مانع رفتن زنان به مساجد نشوید.(1)

باید گفت قرآن مجید با صراحت نه تنها به زنان پیامبر، بلکه به زنان مؤمنان دستور می دهد که حجاب را رعایت کنند؛ زیرا قرآن با خودنمایی زن در جامعه و اجتماع مخالف است. افزون بر آن، حجاب به معنای گوشه گیری از نظر ما نیز مردود است. به همین دلیل، با تعبیرهایی هم چون مؤمنات، مسلمات، قانتات و... او را از گوشه گیری و فرار از جامعه برحذر می دارد.

هیچ کتاب فقهی و روایی شیعه، انسان را از رفتن به مساجد منع نکرده است و وظیفه زنان مسلمان هنگام حضور در مسجد، دوری از خودنمایی



---

1- 1. همان، ص 658 .

است که این مسأله با حضور زن در اجتماع منافاتی ندارد.

در پاسخ دکتر محمد شحر و هم فکران او، سخن یکی از نویسندگان اهل سنت را می آوریم و قضاوت را بر عهده خوانندگان می گذاریم. وی می نویسد:

علاوه بر این که حجاب فرمان خداست، اثر دیگری نیز دارد که از آن جمله، عفت است؛ قرآن مجید پس از سفارش همسران رسول خدا و دخترانش و زنان مؤمنان به حجاب می فرماید: «ذلِکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ ». (احزاب: 59). شما زنان به گونه ای راه بروید و به گونه ای در جامعه حاضر شوید که شما را بشناسند و اذیت نکنند تا به عنوان زنان بی بندوبار معرفی نشوید. حفظ عفت عمومی جامعه تنها با حجاب امکان پذیر است. حجاب، غیرت است.

علی علیه السلام می فرماید:

به من رسیده است که مردم کافر در بازار مزاحم زنان شما می شوند. چرا غیرت به خرج نمی دهید؟ بدانید کسی که غیرت ندارد، خیری در او نیست.(1)

پوشیده بودن زن مساوی است با غیرت مرد و حجاب زن نشان دهنده غیرت مرد است. هم چنین حجاب، طهارت است. قرآن پس از این که به مسلمانان دستور می دهد اگر چیزی از همسران رسول اللّه صلی الله علیه و آله خواستید، از پشت پرده آن را بخواهید، می فرماید: «ذلِکُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِکُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ؛ این کار برای پاکی دل های شما و آنان بهتر است». (احزاب: 53)

حجاب، ایمان است؛ زیرا می فرماید: ای پیغمبر ما! به زنان خود و زنان مؤمنان دستور بده تا حجاب را حفظ کنند. این ها نشان دهنده تأکید قرآن بر



---

1- 1. کنز العمال، ج 3، ص 780.

حجاب است. پس بر اساس دستور قرآن، حجاب واجب و لازم است.

پرده دری و بی حجابی، خوی حیوانی است که انسان به آن تمایلی ندارد. نتایج خودنمایی زن عبارت است از:

1 _ فساد اخلاقی مردان و گرایش آنان به مفاسد؛

2 _ از هم گسیختگی روابط خانوادگی و از بین رفتن اعتماد میان اعضای خانواده و کشاندن آنان به سوی طلاق؛

3 _ بدخلقی زن؛

4 _ انتشار بیماری ها؛

رسول اللّه صلی الله علیه و آله فرمود: «در هیچ قومی، زشتی و فاحشه ظهور نمی کند مگر این که در بین آن ها طاعون و دردهایی که در نسل های پیش از آن ها نبوده است، شایع شود.

5 _ آسان شدن زنای چشم و سخت بودن چشم پوشی؛

6 _ آمادگی پذیرش عذاب الهی».(1)

شیخ محمد بن جمیل زینو در مورد حجاب می نویسد:

حجاب بر زن واجب شد تا او از اشرار محافظت شود و اجتماع از بی بندوباری در امان بماند. حجاب باعث بقای مودت و دوستی و مهر و محبت بین زن و شوهر می شود؛ زیرا مرد وقتی دید زنی زیباتر از همسر خودش وجود دارد، علاقه اش به زن خودش کم می شود.(2)



---

1- 1. محمد بن احمد بن اسماعیل المقدم، الحجاب لماذا؟ مکه مکرمه، دار طیبه، 1995 م، چ دوم، ص 212.
2- 2. شیخ محمد بن جمیل زینو، توجیهات اسلامیه لاصلاح الفرد و المجتمع، ریاض، وزارت شؤون الاسلامیه، 1418 ه . ق، ص 314.

وی به نقل از فرانسو از ساجان زن خاورشناس غربی می نویسد:

ای زن شرقی! کسانی که شما را به اسم صدا می کنند و به مساوات و برابری با مردم دعوت می کنند، شما را به مسخره گرفتند و می خندند و بر ما نیز خندیدند.(1)

ص:46

---

1- 1. همان.

## گفتار دوم: دیدگاه انحصار مطلق در ارتباط و معاشرت

### اشاره

این دیدگاه _ که در بین اقوام گوناگون طرفدارانی دارد _ ، هرگونه ارتباط و معاشرت زنان و مردان را ممنوع می شمارد. این نظریه بر اساس خودداری انسان از لذّت جسم بنیان نهاده شده و سعادت را در پرورش روحی می شمارد.

هر انسانی جویای سعادت است و به نظر روان شناسان و اندیشمندان، «دزد هم وقتی دزدی می کند، در پی سعادت است»؛ زیرا گمان می کند سعادت از این راه به دست می آید.

حکیمان یونان پیش از ارسطو بر این عقیده بودند که سعادت؛ یعنی پرورش روح و اساس سعادت بر حکمت، شجاعت، عدالت و عفت استوار است. در این باور، لذّت جسمی مورد توجه نبوده و سعادت را تک بعدی می دانستند؛ یعنی شکوفا کردن روح در بدن سالم یا بیمار مگر این که بیماری بدن زیان بار شناخته شود. افراطی ترین جنبه این نظر، نظریه مرتاضان است که تقویت روح را در شکنجه دادن جسم می دانند.(1)

بر اساس این نظریه، هرگونه لذت گرایی با سعادت مغایرت دارد. به همین دلیل، کلیسا عمل جنسی را برای مردم اروپا، پلید و زن را مخلوقی



---

1- 1. محمدتقی فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، چ 15، ص 35.

شیطانی و ناپاک معرفی کرده بود.

نشانه هایی از این باور را در میان یهودیان نیز می توان دید. «در بین یهود و مللی که از فکر یهود پیروی می کردند، حجاب به مراتب شدیدتر از آن چه مورد نظر اسلام بود، وجود داشت، در بین این ملت ها، صورت و دست ها هم پوشیده می شد. در بعضی از ملت ها، سخن از پوشیدن زینت و چهره زن نبود، بلکه سخن از پنهان کردن زن بود و این فکر به صورت یک عادت جدی درآمده بود».(1)

شهید مطهری درباره ارتباط مسأله پوشش با فلسفه ریاضت و رهبانیت می گوید:

زن بزرگ ترین موضوع خوشی و کامرانی بشر است. اگر زن و مرد معاشر و محشور یکدیگر باشند، خواه ناخواه دنبال لذت جویی و کام یابی می روند. پیروان فلسفه رهبانیت و ترک لذت برای سازگار ساختن محیط با زهد و ریاضت، بین زن و مرد فاصله قرار داده اند. برتراند راسل در کتاب «زناشویی و اخلاق» می گوید: [به خصوص در قرون اول مسیحیت، این طرز فکر سن پل (پولس مقدس) از طرف کلیسا اشاعه تمام یافت و تجرد مفهوم تقدس به خود گرفت و عده بی شماری راه بیابان پیش گرفتند تا شیطان را منکوب سازند؛ شیطانی که هر آن، ذهن آنان را از تخیلات شهوانی پُر می ساخت. کلیسا حتی با حمام رفتن به مبارزه پرداخت؛ زیرا خطوط بدن، انسان را به طرف گناه می راند. کلیسا چرک بدن را تحسین می کرده و بوی بدن، صورت تقدس به خود گرفت؛ زیرا به نظر سن پل، نظافت بدن و آرایش آن با نظافت روح منافات دارد. شپش نیز مروارید خدا شناخته شد.

عوامل تمایل بشر به ریاضت و رهبانیت از این قرار است:



---

1- 1. ابوالقاسم اشتهاردی، الحجاب فی الاسلام، ص 50.

1 _ تمایل بشر برای رسیدن به حقیقت؛

2 _ آمیخته بودن لذت های مادی با دردهای روحی؛

3 _ محرومیت و شکست در موفقیت های مادی به ویژه شکست در عشق؛

4 _ زیاده روی در لذت و خوش گذرانی.(1)

گفتنی است رانده شدن از جامعه و تقلید از دیگران نیز می تواند عامل تمایل به ریاضت باشند. باید دانست این نظریه (ریاضت و رهبانیت) نه تنها مورد پذیرش اسلام نیست، بلکه مطرود نیز هست و دین اسلام به شدّت با آن به مبارزه برخاسته است.

### مبارزه اسلام با رهبانیت

#### الف) قرآن

قرآن مجید درباره رهبانیت و گوشه نشینی می فرماید:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زینَةَ اللّهِ الَّتی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّیِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ. (اعراف: 32)

بگو: چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟

این آیه حرام کردن زینت ها و پرهیز از غذاها و روزی های حلال و پاک را نه تنها نشانه زهد و پارسایی و نزدیکی به پروردگار نمی داند، بلکه آن را نکوهش می کند. پس بین دستگاه آفرینش و دستورهای دینی تضادی وجود ندارد و خداوند نعمت های خود را برای استفاده بندگانش آفریده است:

ثُمَّ قَفَّیْنا عَلی آثارِهِمْ بِرُسُلِنا وَ قَفَّیْنا بِعیسَی ابْنِ مَرْیَمَ وَ آتَیْناهُ ٱلإِنْجیلَ وَ جَعَلْنا فی قُلُوبِ الَّذینَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبانِیَّةً ابْتَدَعُوها ما کَتَبْناها عَلَیْهِمْ إِلاَّ ابْتِغاءَ رِضْوانِ اللّهِ فَما رَعَوْها حَقَّ رِعایَتِها فَآتَیْنَا الَّذینَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ کَثیرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ. (حدید: 27)

---

1- 1. مسأله حجاب، ص 35.

سپس در پی آنان، رسولان دیگر خود را فرستادیم و پس از آنان، عیسی بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم و در دل کسانی که از او پیروی کردند، رأفت و رحمت قرار دادیم. رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته بودیم؛ گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود، ولی حق آن را رعایت نکردند. از این رو، ما به کسانی از آن ها که ایمان آوردند، پاداش دادیم و بسیاری از آن ها فاسقند.

در اسلام استفاده کردن از زیبائی های طبیعت، لباس های زیبا و متناسب و استفاده بوی خوش توصیه شده است.(1)

ب) روایات

1. روزی سه زن از شوهران خود به رسول اکرم شکایت کردند. یکی گفت شوهر من گوشت نمی خورد. دیگری گفت شوهر من از بوی خوش اجتناب می کند. سومی گفت شوهر من از زنان دوری می کند. پیامبر اسلام در حالی که به علامت خشم، ردایش را به زمین می کشید، از خانه به مسجد رفت. پس بر منبر آمد و فریاد کرد: «چه می شود گروهی از یاران مرا که ترک گوشت و بوی خوش و زن کرده اند؟! همانا من خودم، هم گوشت می خورم، هم بوی خوش به کار می برم و هم از زنان بهره می گیرم. پس هر کسی از روش من دوری کند، از من نیست».(2)

2. عباد بن کثیر با امام صادق علیه السلام روبه رو شد در حالی که امام لباس نسبتا زیبایی بر تن داشت. به امام گفت: تو از خاندان نبوتی و پدرت علی علیه السلام لباس بسیار ساده می پوشید. چرا این لباس بر تن تو است؟ آیا بهتر نبود که لباسی کم ارزش تر از این می پوشیدی؟ امام علیه السلام



---

1- 1. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، 1369، ج 6 ، ص 149.
2- 2. اصول کافی، ج 3.

فرمود: «وای بر تو ای عباد! چه کسی زینت هایی را که خداوند برای بندگانش آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟ خداوند وقتی نعمتی به بنده ای ارزانی فرمود، دوست دارد آن نعمت را بر بنده اش ببیند و اشکالی در این کار نیست». این در حالی بود که عباد دو لباس مخصوص پوشیده بود.(1)

3. عثمان بن مظعون از بزرگان و صحابه رسول گرامی اسلام خواست به تقلید از راهبان، تارک دنیا شود. از این رو، ترک زن و زندگی گفت و لذت ها را بر خویش حرام کرد. همسرش نزد رسول خدا آمد و عرض کرد: یا رسول اللّه صلی الله علیه و آله ! عثمان روزها را روزه می گیرد و شب ها به نماز برمی خیزد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ناراحت شده برخاست و نزد وی آمد. عثمان مشغول نماز بود. پس صبر کرد تا نمازش تمام شود. آن گاه فرمود: «ای عثمان! خدا مرا به رهبانیت دستور نفرموده است. دین من روشی منطبق بر واقعیت و در عین حال ساده و آسان است».(2)

ج) اندیشمندان

فرید وجدی در دایره المعارف القرن العشرین می گوید:

و اما بعضی از مردم در مسأله حجاب زیاده روی کردند، به گونه ای که برای زنان تنگناهایی قرار دادند و بین آن ها و هرچیز دیگری، حتی در راه خارج شدن آنان برای دیدار اقوام و خویشان مانع قرار دادند. نتیجه این نگرش، محرومیت زن از دانش و سقوط از مقام انسانیت است. از آن جا که هر



---

1- 1. وسائل الشیعه، کتاب الصلاه، ابواب احکام الملابس، باب 7، ج 3، ص 347، ح 4.
2- 2. محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، 1367، چ سوم، ج 5، ص 494.

افراط و زیاده روی، تفریط و کوتاهی را به دنبال دارد، نتیجه این کار نیز پیدایش مذاهب گوناگون بود که زن مسلمان را به شکل زن غربی درآورد، حجاب را برداشتند و بین زن و مرد بذر اختلاط پاشیدند و ندانستند یا خود را به نادانی زدند که از این کار چه نتیجه ای به دست می آید، از قبیل فساد اجتماعی. پس بر ما واجب است که در مورد حجاب بنویسیم.(1)

با توجه به تأکید اسلام بر لزوم برخورداری انسان ها از نعمت های خداوندی، جایی برای رهبانیت و دوری از دنیا باقی نمی ماند. اسلام، سعادت را در گرو پرورش جسم و روح می داند. همان گونه که فرد و اجتماع، دنیا و آخرت و دین و دانش را باهم می خواهد و این همان پاسخ دادن به ندای فطرت است که قرآن می فرماید:

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن؛ این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی دانند. (روم: 30)

بر این اساس، هر دو نظریه «آزادی هرگونه ارتباط و معاشرت» و «انحصار هرگونه معاشرت و ممنوعیت ارتباط زن و مرد» از نظر اسلام مردود است.



---

1- 1. محمد فرید وجدی، دایره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه، 1971، چ 3، ج 3، ص 336.

## گفتار سوم: اسلام و حضور زن در اجتماع

### اشاره

حضور زن و مرد به عنوان اعضای تشکیل دهنده جامعه انسانی، برای انجام کارهای روزانه و شرکت در فعالیت های اجتماعی و... ، واقعیّتی انکارناپذیر است. حضور و ایفای نقش زنان به عنوان نیمی از پیکره بشریت در سنگرهای تعلیم و تربیت، بهداشت و درمان و دیگر مراکز علمی و پژوهشی با رعایت پوشش و حفظ عفت مورد تأیید اسلام است.

### قرآن و حضور زن در اجتماع

قرآن مجید در مورد چگونگی حضور زن در اجتماع می فرماید:

یا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لأَزْواجِکَ وَ بَناتِکَ وَ نِساءِ الْمُؤمِنینَ یُدْنینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلاَبِیبِهِنَّ ذلِکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلا یُؤذَیْنَ وَ کانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحیمًا. (احزاب: 59)

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلباب ها ]= روسری های بلند] خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای این که شناخته شوند و آزار نبینند، نزدیک تر است (و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آن ها سر زده است، توبه کنند). خداوند آمرزنده و مهربان است.

مرحوم علی بن ابراهیم قمی در شأن نزول این آیه می نویسد:

آن روزها زنان مسلمان به مسجد می رفتند. (به مسجد رفتن زن از نشانه های حضور زنان در جامعه است که هر روز دست کم 3 یا 5 نوبت، مسیر منزل تا مسجد را طی کنند و با افراد مختلفی برخورد می کنند.) در این میان، بعضی از جوانان هرزه، آنان را اذیت می کردند. در این هنگام، این آیه

شریفه نازل شد و به آن ها دستور داد حجاب داشته باشند تا مورد آزار و اذیت جوانان هرزه قرار نگیرند و در جامعه شناخته شوند.(1)

تعبیر «ان یعرفن» (تا آن زنان شناخته شوند)، تأییدی بر حضور زنان مسلمان در اجتماع بوده و به آنان می گوید: به گونه ای در جامعه حاضر شوید که هرکس شما را می بیند، بشناسد که مسلمان هستی. بدین ترتیب، حرمت شما حفظ می شود و عفت عمومی جامعه اسلامی در امان می ماند. به طور کلی، حجاب، مصونیت و سدّی آهنین در برابر آزار و اذیّت مزاحمان است.

بیعت زنان با رسول گرامی صلی الله علیه و آله بیانگر حضور فعال زن در جامعه اسلامی به شمار می رود و خدای متعال به پیامبرش دستور داد تا با زنان نیز بیعت کند. به همین دلیل، قرآن می فرماید:

یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِذا جاءَکَ الْمُؤمِناتُ یُبایِعْنَکَ عَلی أَنْ لا یُشْرِکْنَ بِاللّهِ شَیْئًا وَ لا یَسْرِقْنَ وَ لا یَزْنینَ وَ لا یَقْتُلْنَ أَوْلادَهُنَّ وَ لا یَأْتینَ بِبُهْتانٍ یَفْتَرینَهُ بَیْنَ أَیْدیهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ وَ لا یَعْصینَکَ فی مَعْرُوفٍ فَبایِعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللّهَ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحیمٌ. (ممتحنه: 12)

ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن برای بیعت نزد تو آمدند (با این شرایط) که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افترایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته ای با فرمان تو مخالفت نکنند، با آن ها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بخواه که خداوند، آمرزنده و مهربان است.

در این آیه شریفه، به جریان بیعت زنان در روز «فتح مکه» اشاره شده است. آن گاه که حضرت از بیعت با مردم فارغ شدند، در حالی که روی کوه



---

1- 1. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، تصحیح: جزایری، نجف، مکتبه المهدی، 1387 ه . ق، ص 196.

صفا بودند، زنان مسلمان آمدند تا با ایشان بیعت کنند.

روایت شده است: «هند، دختر عُتبه در حالی که به صورت نقاب زده بود، از ترس این که رسول خدا او را نشناسند، حضور داشت. حضرت فرمود: من با شما بیعت می کنم بر این که به خدا شرک نورزید.

هند گفت: تو از ما به چیزی بیعت می کنی که بر آن از مردان بیعت نگرفتی. این در حالی بود که حضرت تنها بر اسلام و جهاد از مردان بیعت گرفته بود.

حضرت فرمود: و بیعت می گیریم از شما که دزدی نکنید.

هند گفت: ابوسفیان، مردی بخیل و چشم تنگ است و من با سختی از اموال او برداشته ام و نمی دانم آیا برای من حلال است یا نه؟

ابوسفیان گفت: آن چه در زمان گذشته از اموال من گرفته ای، برای تو حلال است.

حضرت خندید و آن زن را شناخت و به او فرمود: تو هند دختر عتبه هستی؟

هند گفت: بله. پس عفو بفرما از گذشته یا نبی اللّه!...

حضرت فرمود: و (بیعت می گیریم بر این که) زنا نکنید.

هند گفت: آیا زن آزاد زنا می دهد؟... حضرت فرمود: و فرزندانتان را نکشید.

هند گفت: ما آن ها را در کودکی رشد می دهیم و تربیت می کنیم. سپس وقتی بزرگ شدند، شما آن ها را می کشید و شما و آن ها بهتر می دانید (چون پسرش حنظله بن ابی سفیان در جنگ بدر به دست علی علیه السلام کشته

شده بود).

... و چون حضرت فرمود بر این که در معروف نافرمانی نکنید، هند گفت: ما در این مجلس نشستیم، در حالی که نظر ما این بود تو را معصیت کنیم». (1)

در روایت دیگری آمده است: «ام الحکیم، دختر حارث بن عبدالمطلب بلند شد و پرسید: ای رسول خدا! معروفی که خدای متعال ما را به آن امر کرده که در آن تو را معصیت نکنیم، چیست؟ حضرت فرمود: لطمه به صورت نزنید و چهره خود را نخراشید و موی خود را نکنید و گریبان چاک نزنید و لباس سیاه نپوشید و صدا به «واویلا» بلند نکنید و بر سر قبر مردگان ننشینید». (2)

حضور زنان در جامعه نبوی و پرسش و پاسخ آنان با رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بیانگر حضور زن در اجتماع اسلامی است. فرمان صریح خداوند و اقدام رسولِ گران قدر اسلام صلی الله علیه و آله در انجام فرمان الهی نیز نشان می دهد که نمی توان نقش زنان را در جامعه نادیده گرفت و مانع حضور زنان در صحنه های حساس اجتماعی هم چون بیعت شد. آیت اللّه جوادی آملی در تفسیر آیه «وَ عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ کَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسی أَنْ تَکْرَهُوا شَیْئًا وَ یَجْعَلَ اللّهُ فیهِ خَیْرًا کَثیرًا» (نساء: 19) می نویسد:

قرآن در این بخش، ما را متوجه کرده و می فرماید: با زن ها معاشرت نیک داشته باشید و



---

1- 1. فضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، 1989 م، چ 1، ج 9 _ 10، ص 414؛ تفسیر قمی، ص 364، ح 2.
2- 2. بحارالانوار، ج 21، ص 113.

زن را چون مرد در مجامعتان راه دهید و اگر خوش آیندتان نیست که آن ها در مجامعتان شرکت کنند، این کار ناخوشایند را بکنید؛ چرا که ممکن است خیر فراوانی در آن باشد و شما نمی دانید.(1)

از آیات قرآن به خوبی برمی آید که عمل به وظیفه دینی و اجتماعی و اقتصادی همواره انسان را به حضور در جامعه فرا می خواند و زنان پیامبر اسلام و دختران شعیب برای ایفای همین نقش در جامعه حضوری فعال داشته اند. در این زمینه به آیات زیر دقت فرمایید:

1 _ وَ الْمُؤمِنُونَ وَ الْمُؤمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْض یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ یُقیمُونَ الصَّلاهَ وَ یُؤتُونَ الزَّکاهَ وَ یُطیعُونَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ أُولئِکَ سَیَرْحَمُهمْ اللّهُ إِنَّ اللّهَ عَزیزٌ حَکیمٌ. (توبه: 71)

مردان و زنان مؤمن دوستدار یکدیگرند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند. نماز را برپا می دارند و زکات را می پردازند و از خدا و رسولش پیروی می کنند. به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می دهد و خداوند صاحب اقتدار و درست کردار است.

لازمه مشارکت زنان در انجام این کارها معاشرت و ارتباط با دیگر مردان و زنان است.

2 _ یا نِساءَ النَّبِیِّ مَنْ یَأْتِ مِنْکُنَّ بِفاحِشَهٍ مُبَیِّنَهٍ یُضاعَفْ لَهَا الْعَذابُ ضِعْفَیْنِ وَ کانَ ذلِکَ عَلَی اللّهِ یَسیرًا وَ مَنْ یَقْنُتْ مِنْکُنَّ لِلّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَعْمَلْ صالِحًا نُؤتِها أَجْرَها مَرَّتَیْنِ وَ أَعْتَدْنا لَها رِزْقًا کَریمًا. (احزاب: 30 _ 31)

ای همسران پیامبر! هرکدام از شما گناه آشکار مرتکب شود، عذاب او دوچندان خواهد بود این برای خدا آسان است. هرکس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دوچندان خواهیم ساخت و روزی پر ارزشی برای او آماده کرده ایم.



---

1- 1. زن در آیینه جلال و جمال، ص 369.

این آیه نشان می دهد که زنان پیامبر در جامعه حضور و با مردم معاشرت داشته اند؛ زیرا جامعه، میدان انجام کار نیک و زشت، است. از این گذشته، لازمه عمل به احکام خدا و رسول، حضور در جامعه است و بدون حضوری مؤثر چگونه می توان به همه احکام الهی عمل کرد؟

3 ـ یا نِساءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّساءِ إِنِ اتَّقَیْتُنَّ فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذی فی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً. (احزاب: 32)

ای همسران پیامبر! شما هم چون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید. پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویید.

از این آیه نیز به خوبی برمی آید که زنان پیامبر با دیگران حرف می زدند و باید هم حرف بزنند، ولی سفارش شده است که شایسته سخن بگویند و به نرمی سخن نگویند.

4 ـ ... وَ اسْتَشْهِدُوا شَهیدَیْنِ مِنْ رِجالِکُمْ فَإِنْ لَمْ یَکُونا رَجُلَیْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدآءِ... . (بقره: 282)

... و دو نفر از مردان خود را شاهد بگیرید و اگر دو مرد نبودند یک مرد و دو زن از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید... .

از این که زن می تواند شاهد باشد و در دادگاه شهادت دهد، به خوبی برمی آید که زنان می توانند در جامعه، حضور فعال داشته باشند.

5 ـ وَ لَمّا وَرَدَ ماءَ مَدْیَنَ وَجَدَ عَلَیْهِ أُمَّةً مِنَ النّاسِ یَسْقُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَیْنِ تَذُودانِ قالَ ما خَطْبُکُما قالَتا لا نَسْقی حَتّی یُصْدِرَ الرِّعاءُ وَ أَبُونا شَیْخٌ کَبیرٌ. (قصص: 23)

و هنگامی که به آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آن جا دید که چهارپایان خود را سیراب می کنند و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشند. به آن دو گفت: کار شما چیست؟ گفتند: ما آن ها را آب نمی دهیم تا چوپان ها همگی خارج شوند و پدر ما

پیرمرد کهن سالی است.

همان گونه که از آیه برمی آید دختران و پسران به طور جداگانه بر سر چاه حضور می یافتند و این خود یکی از راه های مناسب برای حضور زنان در جامعه است. در ادامه همین آیه آمده است وقتی یکی از دختران حضرت شعیب آمد تا از حضرت موسی دعوت کند که به پیش پدرش برود، او با حیا و وقار راه می رفت.

### تاریخ و حضور زن در اجتماع

حجاب و حفظ حریم ارتباط، مانع حضور و نقش آفرینی زنان در اجتماع نیست. حضور زنان در جامعه اسلامی تا آن جا گسترده بوده است که در تاریخ، شمار زیادی زن صحابی ائمه را می بینیم که گروهی از آنان مصادر فقه و حدیث و تفسیر و معارف اسلامی هستند.(1)

حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

تاریخ دیده است که چه زن هایی در دنیا بوده اند و زن چیست؟ ما خود دیده ایم که اسلام چه زن هایی را تربیت کرده است... ؛ این ها که تربیت اسلامی دیده اند، خون داده اند، کشته داده اند، به خیابان ها ریختند و نهضت را پیروز کردند. ما نهضت خودمان را مدیون زن ها می دانیم ... این زن را در دوره رضاخان و پسرش از مقام خود منحط کردند. مرد را هم منحط کردند. جوان ها را هم منحط کردند...

... فردا روز زن است، روز [تولّد] زنی [است] که دو عالم به او افتخار دارد.



---

1- 1. بنا بر نقل کتاب اسد الغابه، 8000 نفر و به گفته الاصابه، 12000 نفر از اصحاب حضرت رسول6 را زنان تشکیل می دادند. ثریا مکنون و مریم صانع پور، بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات، 1374، چ 2، ص 154.

روز زنی که دخترش (زینب علیهاالسلام) در برابر حکومت های جبار ایستاده و آن خطبه را خواند. در برابر کسی ایستاد که اگر مردها در برابرش نفس می کشیدند، همه را می کشتند. او نترسید و حکومت یزید را محکوم کرد و به او گفت: «تو قابل آدم شدن نیستی»... زن یک هم چون مقامی باید داشته باشد. زن های عصر ما بحمداللّه شبیه به همان ها هستند.(1)

زینب کبری علیهاالسلام نیز با کمال عفاف و پوشش در اوج مصایب با حفظ حجاب به پاسداری از نهضت کربلا پرداخت و با کمال شهامت در مجلس یزید به پا خاست و فریاد زد: «ای پسر کسی که رسول خدا او را آزاد کرد، آیا عدالت همین است که تو زنان و کنیزان خود را در پس پرده بنشانی و دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله را در مجلس بیگانگان برپا داری، پرده زنان ما را ربودی و نقاب از چهره شان برگرفتی...؟»(2)

## زنان نمونه در تاریخ گذشته

### اشاره

اینک به معرفی زنان بزرگی می پردازیم که انسان های نمونه تاریخ بوده اند.

### 1 _ آسیه، همسر فرعون

قرآن مجید از این زن به نیکی یاد کرده و او را به عنوان الگو معرفی می کند.(3) این زن همسر فرعون بود و در تجملات زندگی می کرد، ولی شخصیت خود را فراموش نکرد و به موسی و خدای موسی ایمان آورد و



---

1- 1. صحیفه نور، ج 6، ص 185؛ پیام امام خمینی به مناسبت روز زن، 26/2/1385.
2- 2. احمد بن ابی طاهر طیفور، بلاغات النساء، قم، انتشارات شریف رضی، ص 35.
3- 3. « وَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً لِلَّذینَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لی عِنْدَکَ بَیْتًا فِی الْجَنَّهِ وَ نَجِّنی مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنی مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمینَ

» تحریم: 11.

او را در دامان خود پرورش داد.

2 _ مریم، دختر عمران

او دختری بود که با ایمان و تلاش به مقامات بلندی رسید. قرآن مجید بارها از فضایل و نام او سخن گفته و از او به نیکی یاد کرده است.(1)

خداوند بدون داشتن همسر، به او فرزندی عطا کرد که پیامبر اولوالعزم بود. حضرت مریم آن قدر به عبادت می ایستاد که پاهایش ورم کرد. وی در نه سالگی در روزه و نماز و پارسایی از همه عبادت کنندگان زمان خود پیشی گرفت و در صبر و مقاومت در برابر حوادث یگانه زمانه بود.(2)

3 _ خدیجه

او از خاندان قریش و زنان معروف و ثروت مند مکه به شمار می آمد و در پاکی و عفت چنان بود که در زمان جاهلیت به او طاهره می گفتند. پس از ازدواج با رسول خدا نیز اولین زنی بود که به رسول خدا ایمان آورد. حضرت خدیجه در سال وفات حضرت ابوطالب درگذشت و آن سال، عام الحزن نامیده شد.(3)

4 _ فاطمه زهرا علیهاالسلام

پشتیبانی او از ولایت تا مرز شهادت گویای حضور فعال او در اجتماع است. پیامبر اسلام می فرماید:

مردان بسیاری به سرحد کمال رسیدند، ولی از زنان تنها چهار زن تکامل



---

1- 1. نوزدهمین سوره قرآن به نام این بانو، مریم نام گذاری شده است.
2- 2. محمد محمدی اشتهاردی، زنان مردآفرین تاریخ، تهران، انتشارات نبوی، 1376، چ 2، ص 66 به بعد.
3- 3. همان، ص 9.

یافته و به سر حد کمال واقعی رسیده اند: آسیه، زن فرعون؛ مریم، دختر عمران؛ خدیجه، دختر خویلد و فاطمه، دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله .(1)

شخصیتی که حضور او در جامعه اسلامی آن چنان نقش آفرین بوده و هست که تمام صفات انسان کامل در ایشان تجلی یافته است. دخترش، حضرت زینب کبری نیز با حضور خود، از عاشورا و نهضت امام حسین علیه السلام پاسداری کرد.

### زنان نمونه در تاریخ معاصر

در تاریخ معاصر نیز زنان مجاهد و فداکاری را می توان یافت که با حضور در صحنه های اجتماعی، نقش خود را به خوبی ایفا کرده اند.

1 _ بانو مجتهده امین اصفهانی (معروف به بانوی ایرانی): حاجیه خانم امین؛ ام الفضائل از مفاخر عالم شیعه و اسلام به شمار می رود و نظیر او کم تر دیده شده است.(2)

2 _ بانو عفت الزمان امین: از اندیشمندان نیمه دوم قرن چهاردهم هجری است.

3 _ بنت الهدی صدر: در سال 1365 قمری در کاظمین متولد شد و در 20 جمادی الاولی سال 1400 زیر شکنجه نیروهای رژیم بعث عراق درگذشت و در نجف به خاک سپرده شد.

### حضور زن در جامعه کنونی

گوستاولوبون، دانشمند، محقق و تاریخ نگار فرانسوی می نویسد:

تنزل مقام زن ربطی به اسلام ندارد؛ زیرا اسلام مقام زن را ارجمند ساخته و



---

1- 1. مجمع البیان، ج 10، ص 480.

2- 2. ابوالفضل شکوری، فرهنگ رجال و مشاهیر تاریخ معاصر ایران، تهران، علامه، 1377، چ 1، ج 2، ص 132.

برتری داده است.(1)

افزون بر این سخن، واقعیت های جامعه اسلامی نیز نشان می دهد که زنان با حفظ حجاب خود هم دوش مردان، به انجام وظایف اجتماعی شان مشغولند. صندوق کودکان ملل متحد در گزارشی درباره بهبود وضعیت آموزش دختران در ایران که در سال 2000 م، منتشر کرد، با چشم گیر و تحسین برانگیز توصیف کردن فعالیت های انجام شده در این زمینه گفته است: «از سال 1986 م. (1365 ه . ش) تا کنون میزان ثبت نام دختران در دبستان های ایران از 80 درصد به 96 درصد افزایش یافته است».

بر پایه این گزارش، برابری تحصیل دختران و پسران در ایران از سیاست های دولت این کشور است، به گونه ای که در روستاها نیز نسبت ثبت نام دختران در پنج سال گذشته از 60 درصد به 80 درصد افزایش یافته است. در این گزارش، به نسبت 52 درصدی دختران راه یافته به دانشگاه های دولتی نیز اشاره شده است.

بر اساس این گزارش، مهم ترین راهبرد مؤثر در این زمینه، به کارگیری آموزگاران زن برای تدریس و آموزش دختران بوده است. بر اساس عقاید اجتماعی و فرهنگ (مذهبی) موجود، بسیاری از خانواده های ایرانی، دختران خود را به مدارسی که آموزگاران مرد تدریس می کنند، نمی فرستند.

در این گزارش برای بهبود وضعیت تحصیلی دختران در ایران به اقدامات انجام شده مانند: بازنگری در کتاب ها و برنامه های درسی،



---

1- 1. گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سید محمدتقی گیلانی، تهران، انتشارات اعلمی، چ 4، ص 22.

دگرگونی در روش های تدریس و استحکام و ایمنی مدارس اشاره شده است. بنابراین گزارش، بر اساس یک پژوهش که در سه استان ایران انجام شده است، 25 درصد از خانواده هایی که دخترانشان به مدرسه نمی روند، معتقدند تحصیل دختران تأثیری در ایفای نقش های آینده آنان به عنوان مادر و همسر ندارند. هم چنین 43 درصد دیگر از این خانواده ها، مشکلات اقتصادی را مانعی برای تحصیل دختران خود دانسته و تأکید کرده اند که تهیه لوازم و لباس مخصوص مدرسه، هزینه سنگینی برای آن ها دارد.(1)



---

1- 1. روزنامه جمهوری اسلامی، ش 5944، 23/9/1378، ص 2.

## فصل سوم: اسلام و روش های معاشرت

### اشاره

ص:65

دین اسلام، جامع ترین دین الهی و بیان کننده همه دستورها و راه کارهای مورد نیاز یک زندگی سعادتمندانه است. دینی که دستورهای آن در دو گوهر گران بها؛ قرآن و اهل بیت علیهم السلام در میان امت اسلامی تجلّی کرده است. مسلمانان با به کارگیری آموزه های دو منبع الهی می توانند برنامه های زندگی خود را سامان دهند.

در این جا، روش های معاشرت زنان و مردان را از دیدگاه قرآن در آیینه تفسیرها، روایت ها و نظریه های فقیهان و صاحب نظران اهل تشیع و تسنن در قالب چند گفتار پی می گیریم.

## گفتار اول: نگاه

### اشاره

آسان ترین راه ارتباط و معاشرت، نگاه کردن است. از «کاشفی نویسنده ذخیره الملوک نقل شده است که تیزروترین پیکی که شیطان در وجود انسان دارد، چشم است؛ زیرا حواس دیگر در مساکن خود ساکنند و تا چیزی به ایشان نرسد، به طلب آن مشغول نمی شوند، ولی چشم از دور و نزدیک، بدی و پشیمانی را صید می کند.

این همه آفت که به تن می رسد***از نظر توبه شکن می رسد

ص:66

دیده فرو پوش چو درّ در صدف***تا نشوی تیر بلا را هدف(1)»

### 1 _ اقسام نگاه از نظر فقه

#### اشاره

نگاه از نظر فقه پنج گونه است:

#### الف _ نگاه واجب

نگاه کردن به خودی خود واجب نیست، ولی اگر مقدمه کار واجب دیگری قرار گیرد، واجب می شود، مانند این که شخصی نذر کند به خط قرآن، خانه کعبه یا امثال آن نگاه کند. در صورت تحقق نذر، نگاه کردن به این موارد بر شخص نذر کننده واجب می شود.

#### ب _ نگاه مستحب

نگاه کردن به صورت پدرومادر از روی مهربانی و نگاه کردن به عالم و امام عادل این گونه است. امام علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود:

اَلنَّظرُ إلی العالِم عِبادَهٌ، وَ النَّظرُ إلی الامام المُقْسِط عِبادَهٌ، وَ النَّظَرُ إلی الْوالِدَیْنِ بِرَاْفَهٍ عبادَهٌ وَ النَّظَرُ إلی الْاَخِ تَوُدُّه فی اللّه عز و جل عِبادَه.(2)

نگاه به صورت عالم، امام عادل، نگاه به پدرومادر از روی مهربانی و نگاه به برادری که برای رضای خداوند او را دوست داشته باشی، عبادت است.

#### ج _ نگاه مباح

نگاهی است که بدون توجه و قصدی انجام شود مشروط به این که حرام

1- 1. اسماعیل حقی حنفی البرسوی، تفسیر روح البیان، بیروت، دار احیاء التراث، 1405 ه . ق، 1989 م، چ 7، ج 6، ص 141.
2- 2. بحارالانوار، ج 71، ص 278؛ شیخ طوسی، امالی، کتاب العشره، ج 1، ص 69 .

نباشد مانند: نگاه کردن به کوه و دشت و صحرا و... .

د _ نگاه مکروه

بنا بر فقه مالکی، اگر مکلف در خلوت باشد، مکروه است که بدون حاجت، شرمگاه خود را کشف کند.(1) هم چنین برای مرد مکروه است که به شرمگاه همسرش نگاه کند.(2)

ه _ نگاه حرام

نگاهی است که در آن قصد لذت و شهوت رانی از غیر همسر و کنیز باشد یا ترس واقع شدن در فتنه در آن نگاه موجود باشد. نگاه به بدن نامحرم نیز بدون قصد لذت حرام است.

## 2 _ محرم و نامحرم

اشاره

از نظر اسلام هر زن و مردی نسبت به همدیگر یا محرم هستند یا نامحرم (اجنبی). هر زن و مردی که ازدواج آن ها از نظر شرعی حرام باشد، با همدیگر محرم هستند و در غیر این صورت، نامحرم می باشند. البته ازدواج با خواهرزن تا زمانی که مرد زن خود را طلاق نداده باشد و عدّه اش نیز تمام نشده است یا زنش فوت نشده باشد، حرام است. در عین حال، خواهرزن محرم نیست.

### روش های محرمیت زن و مرد

اشاره

اسبابی که بین زن و مرد محرمیت ایجاد می کنند از این قرارند:

الف _ خویشاوندی

---

1- 1. عبدالرحمن جزری، الفقه علی مذاهب الاربعه، بیروت، دارالفکر، 1417 ه . ق / 1996 م، چ 1، کتاب الصلاه، ستر العوره خارج الصلاه، ص 184.

2- 2. شیخ طوسی، خلاف، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1382، چ 2، ج 4، ص 249.

از این راه 7 گروه از زنان بر 7 گروه از مردان محرم می شوند که ازدواج با آن ها حرام است، ولی نگاه کردن به بدن آن ها (به جز شرمگاه) بدون قصد لذت جایز است. افرادی که از راه خویشاوندی به یکدیگر محرمند عبارتند از:

1 _ مادر و مادربزرگ ها (از طرف پدر و مادر)؛

2 _ دختر و نوه دختری؛

3 _ خواهر پدری یا مادری یا پدر و مادری؛

4 _ دختر برادر پدری یا مادری هر دو؛

5 _ دختر خواهر پدری یا مادری یا هر دو؛

6 _ عمه؛ خواهر پدری یا مادری یا پدر و مادری پدر؛ عمه پدر و عمه مادر و عمه پدربزرگ و عمه مادربزرگ.

7 _ خاله؛ خواهر مادر پدری یا مادری یا پدر و مادری (خاله پدر و خاله مادر و خاله پدربزرگ و خاله مادربزرگ).

### ب _ شیردهی

ممکن است ارتباط های خویشاوندی با شیر دادن به وجود آید. کودکی که از شیر زنی غیر از مادر خود بخورد (با شرایطی که در کتاب فقهی آمده است) مانند این است که از آن زن متولد شده باشد. آن زن در حکم مادرش و برادر آن زن، دایی اوست.(1)

### ج _ ازدواج



---

1- 1. سید روح اللّه الموسوی الخمینی، تحریر الوسیله، کتاب النکاح فی القول فی الرضا، قم، دارالعلم، ج 2، مسأله 7.

یکی دیگر از اسباب محرمیت ازدواج زن و مرد است که با خواندن صیغه عقد با یکدیگر محرم می شوند. افرادی که از این طریق با یکدیگر محرم هستند عبارتند از:

1 _ زنِ پدر: اگر پدری ازدواج مجدد کند، این زن و فرزندانِ این پدر با یکدیگر محرم می شوند. هم چنین زن پدربزرگ خواه در عقد دایم باشد یا موقت، محرم است.

2 _ مادرِ زن و مادر او (مادربزرگِ زن) و مادر پدر او و هرچه بالا بروند؛

3 _ دخترِ زن و هرچه پایین بیاید (نوه زن).

4 _ پدرِ شوهر و پدربزرگ های شوهر و هرچه بالا بروند.

نگاه کردن آن ها به بدن همدیگر بدون قصد لذت و شهوت رانی جایز است و هیچ کدام از این افراد پس از سن تمییز(1) مجاز نیستند که به عورت یکدیگر نگاه کنند.

## 3 _ نگاه از زاویه ای دیگر

### اشاره

نگاه در تقسیم بندی دیگر به دو نوع تقسیم می شود:

### الف _ نگاه از روی قصد لذت و شهوت رانی

گاهی با دیدن یک چهره یا تابلوی زیبا لذت در انسان پدیدار می شود و گاهی انسان به قصد لذت بردن از کسی یا چیزی به آن نگاه می کند. مسلّم است میان آن که برای انسان لذت حاصل شود با این که به قصد لذت بردن، کاری انجام دهد، از نظر حکم فرق می کند.

لذت در مورد اول به لذت طبیعی و در مورد دوم به لذت جنسی معروف است.

آیت اللّه حکیم در این باره می نویسد:

---

1- 1. سنی است که کودک خوبی و بدی را تشخیص می دهد.

با نگاه به صورت زیبا، لذت طبیعی برای انسان به دست می آید _ و این غیر از لذت جنسی است _ اگر با حاصل شدن لذت، نگاه حرام باشد، در این صورت باید نگاه به صورت زیبا استثنا شود و تنها نگاه به قصد لذت باید حرام باشد.

علی بن سوید از اصحاب امام رضا علیه السلام می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم من با زن زیبا روی زیاد سر و کار دارم و وقتی به او نگاه می کنم از زیبایی او لذت می برم. امام علیه السلام فرمود: اگر خداوند نیت درستی در تو ببیند، مانعی ندارد. از زنا بپرهیز؛ زیرا زنا برکت و ایمان را از بین می برد.

امام رضا علیه السلام در این روایت، نیت را تعیین کننده دانسته است و عبارت «اذا عرف اللّه من نیتک الصدق» نیز بر نقش تعیین کننده نیت دلالت دارد. اگر بگوییم اضطراری در کار نبوده و نگاه اتفاقی است، در این صورت نیت معنا ندارد.(1)

بنابراین قصد لذت باعث حرام شدن نگاه است نه حاصل شدن لذت. حتی می توان گفت اگر کسی با قصد لذت بردن به زنی نگاه کند و لذتی برای او حاصل نشود، کار حرامی انجام داده و برعکس، اگر بدون قصد لذت به زنی نگاه کند و لذت ببرد، کار حرامی انجام نداده است.

### ب _ نگاه بدون قصد لذت و شهوت رانی

#### اشاره

گاهی مرد و زن در روابط اجتماعی، مجبور هستند بدون قصد لذت و شهوت رانی به یکدیگر نگاه کنند. اکنون به بررسی حکم چنین نگاهی از



---

1- 1. محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه الوثقی، قم، مؤسسه دارالتقریر، 1374، چ 1، ج 14، ص 30.

دیدگاه آیات و روایات می پردازیم.

## نگاه در قرآن

### اشاره

قرآن مجید با دو بیان بر اهمیت نگاه تأکید می کند.

### بیان اول _ فرمان به چشم پوشی

#### اشاره

در قرآن آمده است:

قُلْ لِلْمُؤمِنینَ یَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِکَ أَزْکی لَهُمْ إِنَّ اللّهَ خَبیرٌ بِما یَصْنَعُونَ * وَ قُلْ لِلْمُؤمِناتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ. (نور: 31 _ 32)

به مردان باایمان بگو چشمان خود را (از نگاه به نامحرم) فروگیرند و شرمگاه های خود را حفظ کنند. این برای آن ها پاکیزه تر است و خداوند از آن چه انجام می دهید، آگاه است. به زنان باایمان نیز بگو چشمان خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و شرمگاه های خویش را حفظ کنند.

امام باقر علیه السلام درباره شأن نزول این آیه فرمود:

«جوانی از انصار در مسیر راه خود با یک زن روبه رو شد (زنان در آن زمان مقنعه خود را پشت گوش ها قرار می دادند و گردن و بخشی از سینه آن ها پیدا بود). چهره زن، نظر جوان انصاری را به خود جلب کرد و جوان دیدگان خود را به او دوخت. هنگامی که آن زن رد شد، جوان هم چنان با چشمانش او را می نگریست و به راه خود ادامه می داد تا این که وارد کوچه ای شد، ولی هنوز پشت سر خود را نگاه می کرد. ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه ای شیشه که در شکاف دیوار بود، صورتش را شکافت. چون زن رد شد (و از دیده او پنهان گشت)، جوان دید خون بر روی لباس و سینه اش جاری است. پس با خود گفت: به خدا سوگند، خدمت رسول خدا می روم و این ماجرا را بازگو می کنم.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله این جوان را دید، فرمود: چه اتفاقی افتاده است؟

جوان ماجرا را نقل کرد. در این هنگام، جبرئیل فرود آمد و آیه اول را نازل

ص:72

فرمود که «به مردان باایمان بگو: چشمان خود را از نگاه به نامحرم فروگیرند و شرمگاه هایشان را حفظ کنند، این برای آن ها پاکیزه تر است و خداوند از آن چه انجام می دهید، آگاه است».(1)

نکته های تفسیری

(2)

1 _ غض به معنای نقصان و کوتاه کردن است. خداوند، در این آیات زنان و مردان را به بستن چشم دستور نداده، بلکه به کوتاه کردن نگاه فرمان داده است؛ زیرا کلمه غض بصر به معنای بستن چشم نیست. خدا فرمان داده است تا نگاه خود را از آن چه نگاه کردن به آن روا نیست، باز دارید.

2 _ استفاده از حرف من در این آیه نشان دهنده آن است که چشم پوشی از همه چیز لازم نیست. ذکر نشدن من در فروج نشان می دهد که حفظ آن از نگاه همه واجب است. بعضی من را من زایده دانسته اند.

3 _ منظور از حفظ فروج، پوشانیدن دقیق آن هاست، به گونه ای که کسی آن ها را نبیند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «در همه جای قرآن، حفظ فرج به معنای محافظت آن از زناست، ولی در این آیه، مراد پوشانیدن عورت است».(3)

4 _ منظور از فرو بستن چشم، نگاه نکردن زن و مرد با قصد



---

1- 1. تفسیر نمونه، ج 14، ص 435.
2- 2. تفسیر قمی، ج 2، ص 101؛ مجمع البیان، ج 7 و 8 ، ص 216؛ عبد علی بن جمعه، العربی الحویفری، نورالثقلین، ج 3، ص 558؛ تفسیر المیزان، ج 15، ص 116؛ سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 4، ص 2510؛ ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، مشهد، دارالمرتضی للنشر، چ اول، ج 2، ص 429؛ منهج الصادقین، ج 6 ، ص 294؛ بانوی اصفهانی، کنز العرفان، تهران، نهضت زنان مسلمان، 1361، ج 9، ص 102؛ شیخ محمد

بن محمدرضا قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1364، چ اول، ج 9، ص 277.
3- 3. مجمع البیان، ج 7، ص 216.

شهوت رانی است، چنان که در شأن نزول آیه آمده است. نگاه جوان در لحظه های بعدی از همین نوع نگاه بود، به گونه ای که او را از خود بی خود کرد و از توجه به موانع سر راهش بازداشت.

5 _ در پایان آیه به علم خداوند اشاره شده است و می فرماید خداوند از آن چه انجام می دهید، آگاهی دارد. پس از مخالفت با پروردگار دوری کنید و در هر حال، مواظب باشید که خلاف نکنید.

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حجره فاطمه علیهاالسلام بود. در این هنگام، ابن ام مکتوم که نابینا بود آمد و فاطمه پنهان شد. وقتی ابن ام مکتوم رفت، فاطمه علیهاالسلامنزد پدر آمد. حضرت فرمود: ای فاطمه! چرا پنهان شدی، حال آن که ابن ام مکتوم نابیناست. فاطمه علیهاالسلامگفت: اگر او چشم ندارد، من که دارم. اگر او مرا نمی بیند، من که او را می بینم. خدای متعال فرموده است: «(ای محمد صلی الله علیه و آله ! زنان مؤمنه را بگو از مردان نامحرم چشم فرو بندید و به آنان نگاه بد نکنید». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سپاس خدای را که در اهل بیتم به من کسی را عطا کرد که به وجودش شاد شوم».

این آیات بیانگر هدف والای اسلام (ایجاد مدینه فاضله) است؛ جامعه ای که در آن شهوت رانی و نگاه های زهرآلود وجود نداشته و حرکات شهوت برانگیز ممنوع باشد و زینت گرایی جاهلانه از بین برود.

### بیان دوم _ بزرگداشت حافظ نگاه

قرآن مجید اهمیت نگاه را در قالب داستان دختران شعیب این گونه نشان می دهد:

قالَتْ إِحْداهُما یا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِیُّ ٱلْأَمینُ. (قصص: 26)

ص:74

یکی از آن دو دختر (صفورا) گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا او بهترین کسی است که می توانی استخدام کنی. او قوی و امین نیز هست.

وقتی صفورا، دختر شعیب به پدرش چنین پیشنهادی داد، حضرت شعیب در پاسخ گفت: قوی بودن این مرد را از آب کشیدنش فهمیدی که به تنهایی آن همه دلو را از چاه کشید (یا سنگ بزرگی را بلند کرد)، ولی چگونه به امانت او پی بردی؟ گفت: از این جا فهمیدم که به من گفت دنبال من بیا و از پشت سر مرا راهنمایی کن؛ زیرا من از خاندانی هستم که پشت سر زنان را نگاه نمی کنند. من از این جا فهمیدم که مردی امین است.(1)

سید قطب در تفسیر این آیه می نویسد:

دختران شعیب از شغل چوپانی ناراحت بودند؛ زیرا مردم مزاحم آن ها می شدند. آن ها زنانی پاک دامن بودند و نمی خواستند در حضور نامحرم به این کار مشغول باشند. این دو دختر با این وضعیت، جوانی رانده شده از قوم خود را می بینند که هم قوی است و هم امین. لزومی ندارد ما موسی را به این خاطر قوی معرفی کنیم که صخره ای را بلند کرد و او را امین معرفی کنیم به خاطر این که گفت شما پشت سر من یایید؛ زیرا باد، لباس شما را کنار می زند... چون حضرت موسی علیه السلام و دختران شعیب نگاه پاک داشتند و عفت و امانت احتیاج به این گونه توضیحات ندارد.(2)

این آیه از آیاتی است که بر مواظبت در نگاه تأکید و با ستودن حضرت موسی به دلیل این صفت نیکو، ازا و به عنوان امین یاد کرده است.

ص:75

---

1- 1. المیزان، ج 16، ص 26؛ نورالثقلین ج 4، ص 123؛ روح المعانی، ج 3، ص 397؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج 3، ص 468.
2- 2. فی ظلال القرآن، ج 19، ص 2678.

## نگاه در روایات

### 1 _ آثار زیان بار نگاه

#### الف _ حسرت و پشیمانی طولانی

امام صادق علیه السلام فرمود:

اَلنَّظْرَهُ سَهْمٌ مِنْ سَهام إبلیس مَسْمومٌ، وَ کَمْ مِنْ نَظْرَهٍ اَورَثَتْ حَسْرَهً طویله.

نگاه، تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است و چه بسا یک نگاه، پشیمانی طولانی به دنبال آورد.(1)

#### ب _ غرق شدن در فتنه

امام صادق علیه السلام فرمود:

اَلنَّظْرَهُ بَعْدَ النَّظْرَهِ تَزْرَعُ فی الْقَلْبِ اَلشَّهْوَهِ و کفی بها لِصاحِبها فِتْنَهً.

نگاه بعد از نگاه (چشم چرانی) شهوت را در قلب می رویاند و همین برای غرق شدن صاحبش در فتنه کافی است.(2)

تعبیر «النظره بعد النظره» بیانگر نگاهی است که از روی قصد و با انگیزه شهوت رانی صورت گیرد؛ چون اراده و اختیار انسان در نگاه دوم، جلوه گر است.

#### ج _ واکنش دنیایی نگاه

امام صادق علیه السلام فرموده است:

ما یَأمَنُ الّذینَ یَنْظَرونَ فی أدْبارِ النِّساءِ اَنْ یُنْظَرَ بذلک فی نِسائهم.

کسانی که پشت زنان را نگاه می کنند بدانند که همین کار در حق زنانشان انجام خواهد شد.(3)

«ابابصیر از امام صادق علیه السلام پرسید: مردی هست که پشت سر



---

1- 1. وسائل الشیعه، ج 14، باب 104، ص 138، ح 1.
2- 2. همان، ح 6 .
3- 3. همان، باب 108، ح 1.

زن ها نگاه می کند. این کار چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود: آیا خوشحال می شوید کسی پشت سر خانواده و خویشاوندانتان نگاه کند؟ ابوبصیر گفت: نه.

حضرت فرمود: آن چه را برای خود می پسندی، برای دیگری هم بپسند».

### 2 _ حرام بودن نگاه

امام رضا علیه السلام فرموده است: تهییج مردان و برانگیختن آن ها به فساد و داخل کردن در چیزی که برای مرد حلال نیست، دلیل حرام شدن نگاه به زن بیگانه است.(1)

### 3 _ پاداش پرهیز از چشم چرانی

امام صادق علیه السلام فرمود:

اَلنَّظْرَةُ سَهْمٌ من سَهامِ إبلیسِ مَسْمومٌ، مَنْ تَرَکَها للّه ِ عزوجل لا لِغَیْرِه اَعْقَبَهُ اللّه ُ أمْنا و إیمانا یَجِدُ طَعْمَهُ.

نگاه، تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است که هرکس آن را برای خدا و نه برای غیرخدا ترک کند، خدا به او امنیت و ایمانی می دهد که طعم آن را می چشد.(2)

هم چنین از ایشان نقل شده است که:

مَنْ نَظَرَ اِلی اِمْرَاَهٍ فَرَفَعَ بَصَرَهُ إلی السَّماءِ اَوْ غَضَّ بَصَرَه لَمْ یَرْتَدَّ الیه بَصَرُه حتّی یُزَوِّجَه اللّه ُ مِنْ الْحُور العین.

کسی که نگاهش به زنی بیفتد و چشمش را به طرف آسمان بلند کند یا چشم پوشی کند، چشم بر هم زدنی نمی گذرد که خدای متعال حورالعینی را به ازدواج او درمی آورد.(3)

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود:

شما شش چیز را ضمانت کنید تا من برای شما بهشت را ضمانت کنم: چون سخن گفتید،

---

1- 1. همان، باب 104، ص 140، ح 12.
2- 2. همان، باب 104، ح 5.
3- 3. همان، ح 9.

راست بگویید. چون وعده کردید، وفا کنید. چون امانت به شما سپردند، ادا کنید. دامن خود را از زنا و چشم خود را از حرام نگاه دارید و از لقمه حرام دست کشید تا بهشت را برای شما ضمانت کنم.(1)

### نگاه در فقه شیعه

#### اشاره

نگاه به عنوان یک کارِ اختیاری دارای انگیزه های مختلفی است. گفتیم که در یک تقسیم بندی، نگاه به دو قسمت تقسیم می شود:

#### 1 _ نگاه شهوت آلود و با قصد لذت

چنین نگاهی تنها برای زن و شوهر جایز است و بر این اساس، هیچ زن و مرد دیگری حق ندارند با قصد لذت به یکدیگر نگاه کنند و حتی نگاه کردن با قصد به دست و صورتِ محارم نیز حرام است.

#### 2 _ نگاه بدون شهوت و قصد لذت

### اشاره

این گونه نگاه، خود، انواع مختلفی دارد.

### نوع اول _ نگاه مرد به زنِ نامحرم به غیر از صورت و دست ها

خداوند در قرآن مجید می فرماید: «وَ لا يُبْدينَ زينَتَهُنَّ؛ و زینت خود را آشکار نسازند». (نور: 31)

مراد از زینت، محل زینت است و آیه بر واجب بودن پوشش و حرام بودن بی حجابی دلالت دارد. با توجه به این که پوشش در غیر نماز تنها مقدمه نگاه نکردن است، حرام بودن نگاه مرد به محل های زینت ثابت می شود.

غیر از آیه شریفه، روایاتی بر حرام بودن نگاه به غیر از صورت و

---

1- 1. ابوالمحاسن حسین بن الحسن جرجانی، جلاء الاذهان و جلاء الاحزان، تهران، چاپ خانه دانشگاه، 1337، ص 298؛ کنز العرفان، ج 9، ص 95.

دست های زن مسلمان دلالت می کنند. این روایات به چند دسته تقسیم می شوند.

دسته ای از روایات بر حرام بودن نگاه به دست و صورت زن تأکید می کنند که از این روایات حرام بودن نگاه به دیگر اعضای بدن را نیز می توان استفاده کرد. دسته ای دیگر از روایات به مرد اجازه داده تا به زنی که قصد ازدواج با او را دارد، نگاه کند. این روایات به روشنی دلالت بر عدم جواز نگاه بدون قصد ازدواج دارد.

سَکونی از امام صادق علیه السلام روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نگاه کردن به موها و دست های زنان اهل کتاب (غیرمسلمان) جایز است».(1) با دقت در این حدیث، حکم نگاه کردن به زنان مسلمان روشن می شود.

دسته ای دیگر از روایات، نگاه کردن به زنانی را که توجه ندارند، جایز می دانند؛ زیرا اگر آن ها را از این کار بازدارند، نمی پذیرند. در این روایات، حرام بودن نگاه مرد به زن مسلمان که به مسایل توجه دارد، روشن می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

نگاه کردن به زنان اعراب مکه و سیاهان و علوج که وقتی از کاری نهی شدند. اطاعت نمی کنند، اشکالی ندارد. هم چنین نگاه به زن دیوانه اگر تعمدی در کار نباشد، اشکال ندارد.(2)



---

1- 1. وسائل الشیعه، باب 112، ح 1 و 2.
2- 2. همان، ص 113، ح 1؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1414 ه . ق، چ 3، ج 3، ص 669، ح 20.

آیت اللّه العظمی خویی نگاه زن به صورت و دست های مرد را بدون قصد شهوت و لذت جایز دانسته و این پرسش را مطرح می کند، که آیا نگاه مرد به صورت و دست های زن استثناء شده است؟ باید دانست محقق حلّی رحمه الله گفته است: «نگاه اول جایز است و نگاه دوم، حرام».(1) صاحب جواهر رحمه الله نیز آن را مطلقا حرام می داند.(2)

هم چنین شیخ انصاری رحمه الله آن را به دلایل زیر مطلقا جایز می شمارد:

دلیل اول _ نص قرآن

خداوند می فرماید: «وَ لا یُبْدینَ زینَتَهُنَّ إِلاّ ما ظَهَرَ مِنْها؛ و زنان زینت های خود را آشکار نسازند مگر زینت هایی که ظاهر هستند». (نور: 31)

خداوند در این آیه به زن اجازه می دهد تا زینت ظاهری خودش را آشکار سازد. دست ها و صورت محل زینت هستند و این آیه نگاه به این اعضا را جایز می شمارد.

آیت اللّه العظمی خویی در ادامه می نویسد: این استدلال قابل قبول نیست؛ زیرا استدلال به این آیه از دو حالت خارج نیست:

الف) در این آیه مراد از زینت _ با قطع نظر از روایات _ خود زینت است نه مواضع زینت. خداوند می فرماید:

وَ لا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ ما یُخْفینَ مِنْ زینَتِهِنَّ. (نور: 31)

و هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی شان آشکار نشود (و



---

1- 1. محقق حلی، شرایع الاسلام، نجف اشرف، کلیه الفقه، 1389، ه . ق، چ اول، ج 2، ص 269.
2- 2. محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1392 ه . ق، چ هفتم، ج 29، ص 81 .

صدای خلخال که به پای دارند، به گوش نرسد).

اگر بپذیریم که مراد آیه، مواضع زینت است، استدلال به آیه کامل نیست؛ زیرا هرچند بگوییم امر به پوشش در جانب زن، بر جایز نبودن نگاه از طرف مرد دلالت می کند، ولی عکس قضیه ممکن نیست و جایز بودن کنار گذاشتن پوشش بر جایز بودن نگاه دلالت ندارد. کسانی که حرام بودن نگاه زن به مرد و از سویی دیگر حجاب را برای مرد واجب نمی دانند، این نظر را تأیید می کنند. در نتیجه، آیه نمی تواند جایز بودن نگاه به دست ها و صورت زن را ثابت کند.

ب) بحث دیگر در مورد معنای بداء است. «بداء» به معنای ظهور و آشکار شدن است چنان که در آیه شریفه «فَبَدَتْ لَهُما سَوْآتُهُما» (طه: 121) به این معنا به کار رفته است و «ابداء» به معنای اظهار است. ابداء اگر به غیر لام متعدّی باشد، به معنای اظهار در مقابل پوشش است و اگر به لام متعدّی باشد، در مقابل اخفا، به معنای اعلام و ارائه است. همان گونه که پوشانیدن شرمگاه برای مرد واجب است و اگر احتمال دهد که کسی او را می بیند، حرام است اظهار کند، هم چنان که همه بدن زن شرمگاه است و اظهار کردن آن جایز نیست.

با توجه به این آیه، تمام بدن زن به جز صورت و دست ها، شرمگاه به شمار می رود و باید پوشیده باشد و کسی جز خودش از آن اطلاع نداشته باشد. پس پوشانیدن دست ها و صورت واجب نیست. آشکار کردن بدن زن حرام است مگر برای افرادی که در آیه ذکر شده اند: «وَ لا يُبْدينَ زينَتَهُنَّ إِلاّ لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ...» (نور: 31) و بین صورت و دست ها و دیگر اعضای بدن فرقی

ندارد.

نتیجه

1 _ پوشش اعضای بدن به جز دست ها و صورت، واجب است.

2 _ ظاهر ساختن زینت برای دیگران، حرام است و بین زینت ظاهر و باطن فرقی نیست مگر برای افراد خاص (محارم) که آیه، آن ها را برشمرده است.

با توجه به ملازمه بین حرام بودن بی حجابی و واجب بودن حجاب، استدلال به آیه، برای جایز نبودن نگاه بر جایز بودن آن اولویت دارد.

دلیل دوم _ صحیحه علی بن سوید

این روایت مهم ترین دلیل شیخ انصاری است. این روایت از موضوع بحث ما خارج است؛ زیرا بر جواز نگاه عمدی به صورت زن دلالت نمی کند.

دلیل سوم _ صحیحه فضیل

«فضیل می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا آرنج ها نیز زینتی هستند که خدا فرمود: «زینت های شان را آشکار نکنند مگر برای شوهران شان»؟ حضرت فرمود: «بله، کم تر از چادر و کم تر از دستبند، زینت است».(1)

صورت به وسیله چادر پوشانیده نمی شود و دست بالای دستبند است نه پایین آن. پس این صحیحه نیز آشکار ساختن دست ها و صورت را جایز می داند.



---

1- 1. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، باب 109، ح 1.

این روایت نیز نمی تواند این حکم را ثابت کند؛ چون جواز آشکار کردن (ابداء) با جواز نگاه ملازمه ندارد. افزون بر آن، ظهور روایت بر حرمت نگاه بیش تر از جواز آن است.

دلیل چهارم _ روایت ابی جارود

ابی جارود از امام باقر علیه السلام روایت می کند:

خدای متعال فرمود: «و آشکار نکنند زینت های خود را مگر آن هایی که آشکار هستند.» این زینت ها عبارتند از: لباس، سرمه، انگشتر، حنای دست و دست بند. زینت بر سه دسته است: زینت برای مردم، زینت برای محارم، زینت برای شوهر. زینت مردم؛ لباس، سرمه، انگشتر، حنای دست و دست بند است. زینت محرم؛ محل گردن بند و بالای آن و بازوبند و پایین آن و خلخال (پای بند) و پایین آن و زینت همسر، تمام بدن اوست.(1)

این روایت از نظر سند ضعیف است و اعتماد به آن ممکن نیست؛ چون مرسله است. ابی جارود از راویان امام باقر علیه السلام است که بدون واسطه از علی بن ابراهیم روایت نمی کند.

دلیل پنجم _ روایت علی بن جعفر

علی بن جعفر از برادرش، امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت می کند که از امام پرسیدم: «مرد حق نگاه کردن به چه چیزهایی از زن نامحرم را دارد؟ حضرت فرمود: صورت و دست ها و محل دست بند.»(2)

سند این روایت نیز ضعیف بوده و در مورد زنانی است که ازدواج با آن ها حرام است و ارتباطی با بحث ما ندارد.



---

1- 1. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، باب 84 من ابواب مقدمات النکاح، ج 14، ص 274، ح 3.
2- 2. ابی العباس عبداللّه بن جعفر الحمیری، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البیت، 1413 ه . ق، چ 1، ص 236، ح 1300.

دلیل ششم _ روایت عمرو بن شمر

جابر می گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله را در حالی که [از مسجد] به طرف منزل فاطمه می رفت، دنبال کردم. چون به منزل حضرت زهرا علیهاالسلام رسیدیم، حضرت دست شان را روی در فشار داد و فرمود: السلام علیکم. فاطمه زهرا علیهاالسلام گفت: و علیک السلام یا رسول خدا. پیامبر اجازه ورود خواست و حضرت فاطمه علیهاالسلام اجازه داد. پیامبر به من _ جابر _ فرمود: همراه من نیز داخل شود. حضرت زهرا علیهاالسلام پاسخ داد: پوشش مناسبی ندارم. پیامبر فرمود: با اضافه ملحفه سر خود را بپوشان، فاطمه نیز چنین کرد. آن گاه پیامبر برای بار دوم سلام کرد و اجازه ورود خواست. فاطمه پس از جواب سلام و دادن اجازه از همراه حضرت پرسید. پیامبر فرمود که جابر است. پیامبر وارد شد و من نیز وارد شدم. صورت حضرت فاطمه را دیدم که از زردی شبیه شکم ملخ بود. پیامبر از علت زردی صوت او پرسید و حضرت فاطمه گفت: گرسنگی با من چنین کرده است. پیامبر دست به دعا برداشت و چنین گفت: ای خدایی که گرسنه گان را سیر و فقر را برطرف می کنی، فاطمه دختر محمد را سیر کن. به خدا سوگند! چیزی نگذشت، دیدم خون از پیشانی به رگ های صورتش (حضرت زهرا) سرازیر شد و صورتش سرخ شد و ازآن پس دیگر گرسنه نشد...».(1)

این روایت نیز ضعیف است؛ زیرا مقام فاطمه زهرا علیهاالسلام اجازه نمی دهد در برابر مرد بیگانه، صورت خود را باز کند.

ص:84

---

1- 1. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب مقدماته و آدابه، باب 120، ج 14، ص 158، ح 3.

دلیل هفتم _ روایت مروک

در این روایت به نقل از امام صادق علیه السلام تصریح شده است که مرد می تواند به دست ها، صورت و پاهای زن نامحرم نگاه کند (بدون قصد لذت).(1)

مرحوم شیخ انصاری از مجموع روایات «ظنون متراکم»(2) مطمئن شده و نگاه به دست ها و صورت زن بدون قصد لذت را جایز دانسته است.

آیت اللّه العظمی خویی پس از بیان دلایل شیخ انصاری مبنی بر جواز نگاه مرد به دست ها و صورت زن بیگانه بدون قصد لذت و رد این دلایل، به این نکته اشاره می کند که نیازی به آوردن دلیل برای جواز نداریم؛ زیرا براساس اصل «اصاله البرائه»، جایز بودن نگاه در موارد یاد شده ثابت می شود. ایشان با بیان دلیل دیگری چنین نتیجه می گیرد: استثنای دست ها و صورت از حرام بودن نگاه دلیلی ندارد، بلکه دلیل بر خلاف استثناست و نگاه به دست و صورت زن بیگانه بدون قصد لذت نیز حرام است.(3) با وجود این دلایل، ایشان در رساله توضیح المسائل می نویسد: «احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم به دست و صورت زنان نامحرم نگاه نکنند».(4)

آیت اللّه حکیم نیز «جواز نگاه مرد به صورت و دست های زن، بدون



---

1- 1. همان، باب 109، ج 14، ح 2.
2- 2. به تعداد قابل توجهی از روایات گویند که جدا جدا نمی توان به آن ها استدلال کرد، ولی مجموع آن ها می تواند دلیل قرار گیرد.
3- 3. مستمسک العروه الوثقی، ج 1. نکاح، صص 53 _ 64 .
4- 4. سید ابوالقاسم خویی، رساله توضیح المسایل، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1392 ه . ق، مسأله 2442.

لذت» را به شیخ انصاری نسبت می دهد. مدرک شیخ روایاتی است که نگاه کردن بدون قصد لذت به صورت و دست های زن را جایز می داند. در صحیحه ابی حمزه ثمالی آمده است که امام باقر علیه السلام در مورد این مطلب که شکستگی یا زخم در جایی از بدن زن مسلمانی هست که نگاه به آن محل جایز نیست و از طرف دیگر، مرد بهتر می تواند او را معالجه کند، فرموده است: در صورت ضرورت مانعی ندارد.(1)

با استفاده از آیه شریفه «غض» (نور: 30) نیز جایز بودن نگاه به دست ها و صورت زن به دست می آید. با این توضیح که: تعبیر «الا ما ظهر منها» بیانگر زینت ظاهر و آشکار بودن محل زینت است. بنابراین آشکار کردن بعضی از قسمت های بدن زن جایز است و آیه شریفه «لیضربن بخمرهن علی جبوبهن» نیز آن را تأیید می کند.

آیت اللّه حکیم پس از این به بیان دلایل کسانی می پردازد که نگاه کردن با قصد لذت به دست ها و صورت زن را حرام می دانند.

با توجه به تفسیر آیه و روایاتی که نگاه را تیری از تیرهای شیطان و زنای چشم می داند و می گویند چنین نگاهی حسرت طولانی را به دنبال دارد، می توان گفت: بدن زن عورت است! مگر برای همسر و محارم او.

محمد بن حسن صفار در مورد مردی که می خواهد علیه زنی که نامحرم است، شهادت بدهد، به امام حسن مجتبی علیه السلام نوشت آیا جایز است که مرد از پشت پرده علیه زن شهادت بدهد و سخنان او را



---

1- 1. وسائل الشیعه، باب 130، ح 1.

بشنود؟ (البته در صورتی که دو نفر، شهادت بدهند زنی که پشت پرده است فلان زن، دختر فلانی است که تو علیه او شهادت می دهی و این هم سخن اوست) یا شهادت علیه این زن جایز نیست مگر این که خود زن ظاهر شود؟ حضرت امام حسن علیه السلام در پاسخ نوشتد: «زن باید نقاب بزند و برای شهادت دادن حاضر گردد».(1)

خثعمیه در سرزمین منی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید. این در حالی بود که فضل بن عباس در کنار رسول خدا و سوار بر مرکب بود خثعمیه از حضرت پرسش هایی نمود. در این میان، بین فضل و این زن نگاهی رد و بدل شد. حضرت صورت فضل را از نگاه به خثعمیه برگرداند و فرمود: «بین زن و مرد جوان می ترسم شیطان داخل شود».(2)

آیت اللّه حکیم پس از نقد و بررسی دلایل یاد شده، می نویسد: «عموم آیه غض(3) در نگاه به شرمگاه ها خلاصه شده است و تعبیر «غض بصر» به معنای فرو بستن چشم است که با «نگاه نکردن» تفاوت دارد.

نتیجه

الف _ نگاه شهوت آلود به عنوان تیری از تیرهای شیطانی معرفی شده است.

ب _ مراد از زنای چشم، نگاه شهوت آلود است.

ج _ نگاهی که حسرت طولانی را در پی دارد، هر نگاهی را شامل



---

1- 1. من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 67 .
2- 2. مستدرک الوسائل، کتاب النکاح، ابواب مقدمات نکاح، باب 81 ، ح 7.
3- 3. نور، 30.

نمی شود، بلکه نگاه خاصی مورد نظر است. در مورد روایت خثعمیه باید گفت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن ها را از نگاه کردن باز نداشت، بلکه صورت فضل را از نگاه به زن برگرداند از ترس این که شیطان داخل شود و این دخالت ناشی از لذت بردن است که نتیجه نگاهی است که به فتنه منجر می شود، نه هر نگاهی که بدون قصد بوده است.

از این روایت چنین برمی آید که صورت زن بدون حجاب و پوشش بوده و رسول اللّه صلی الله علیه و آله به آن زن نگاه کرد و دید که او هم به فضل نگاه می کند.(1)

نوع دوم _ نگاه زن به مرد

نگاه کردن زن به مرد با قصد لذت، حرام است.

«و لا (یجوز) للمراه النظر الی الاجنبی من غیر ضروره.»(2) در این زمینه فقیهان شیعه، نظریه های متفاوتی را بیان کرده اند. آیت اللّه العظمی خویی(3) معتقد است که جایز نبودن نگاه زن به مرد بدون قصد لذت از روی احتیاط است. وی در ادامه،به روش مسلمانان از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله تا کنون اشاره کرده و سپس به بررسی و نقد دلایل جایز نبودن نگاه زن به بدن مرد می پردازد.

دلیل اول _ قرآن



---

1- 1. مستمسک العروه الوثقی، ج 14، صص 26 _ 29.
2- 2. عروه الوثقی، مسأله 31.
3- 3. سید محمدتقی خویی، مبانی العروه الوثقی، نجف اشرف، منشورات مدرسه دارالعلم، 1404 ه . ق، ج 1، ص 53.

خداوند متعال می فرماید: «وَ قُلْ لِلْمُؤمِناتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ». (نور: 31)

بنابراین که «غض» به معنای ترک است و آیه، نگاه نکردن زن به مرد را واجب می داند. امّا «غض» به این معنا نیست، بلکه همان گونه که در آیه 30 سوره نور گفتیم غض به معنای قرار دادن چیزی در حالت غفلت و طمع نداشتن و صرف نظر کردن از آن است. پس آیه نگاه زن به مرد را حرام نمی داند همان گونه که نگاه کردن مرد به زن را حرام نمی دانست. افزون بر این، خطاب آیه همگانی است و واژه «المؤمنات» جمع به همراه الف و لام است و شامل زنان بینا و نابینا می شود، در حالی که زن نابینا در این زمینه تکلیفی ندارد. پس واژه «غض» انصراف و روی گرداندن از مردها و طمع نکردن در آن هاست.

آیت اللّه العظمی خوئی به معتبر سعد اسکاف که در شأن نزول این آیه وارد شده است، اشاره می کند و می نویسد: این روایت نگاه زن به مرد را حرام نمی داند؛ زیرا بیانگر قصد لذت و شهوت رانی و بهره برداری جنسی با نگاه است، حال آن که بحث ما در نگاه بدون شهوت و لذت است.

دلیل دوم _ روایت احمد بن ابی عبداللّه برقی

«عایشه و حفصه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند که ابن ام مکتوم اجازه حضور نزد رسول اللّه صلی الله علیه و آله را گرفت. رسول اللّه صلی الله علیه و آله به آن ها فرمود بلند شوید و به داخل خانه (اتاق تان) بروید. آن دو گفتند: این مرد نابینا است. حضرت فرمود: اگر او شما را نمی بیند،

شما که او را می بینید».(1)

روایت بیانگر حرام بودن نگاه زن به بدن مرد است، ولی این روایت ضعیف و مرسل است؛ چون برقی بدون ذکر واسطه ها از رسول اللّٰه نقل کرده است، در حالی که بین برقی و رسول اللّه واسطه زیادی بوده است. افزون بر آن، این روایت تنها بیان کننده سخن پیامبر صلی الله علیه و آله است و دلالت بر لزوم نمی کند.

آیت اللّه العظمی خویی با بیان سه روایت دیگر و رد همه آن ها تأکید می کند که حکمِ منع نگاه کردن زن به بدن مرد، بنابر احتیاط است.(2)

آیت اللّه حکیم با مشهور دانستن قول «عدم جواز نگاه زن به مرد» به خاطر آیه «غض» و روایت برقی، می نویسد: دلیل آن هایی که نگاه زن به مرد را جایز نمی شمارند، این است که اگر مرد با زن مساوی بود، مرد هم می بایستی امر به حجاب می شد، در حالی که چنین نیست. وی در ادامه می گوید: علما بر این باورند که زن و مرد هم در مستثنی (صورت و دست ها) و هم در مستثنی منه (نگاه و حجاب) برابرند. حکمِ دست و صورت زن برگرفته از سخن خداوند است که فرمود: «الا ما ظهرَ منها». البته درباره نگاه زن به مرد این گونه نیست. پس راهی به جز اجماع برای برابری وجود ندارد.



---

1- 1. وسائل الشیعه، باب 129، ح 1.
2- 2. مبانی عروه الوثقی، ج 1، صص 50 _ 53.

نتیجه

اتفاق نظر علما و روایات گوناگون در مورد نگاه مرد به بدن زن بیانگر این حقیقت است که نگاه مرد به بدن زن مسلمان چه از روی شهوت و چه بدون شهوت جایز نیست مگر در موارد ضروری. هیچ کدام از فقیهان متأخر و متقدم به جایز بودن چنین نگاهی فتوا نداده اند.

بنابر فقه شیعه، احتیاط در ترک نگاه کردن زن به بدن مرد است و آن چه از سیره متشرعه به دست می آید، جواز است. آیات عظام خویی و حکیم نیز نگاه زن به بدن مرد را جایز می شمارند.

نوع سوم _ نگاه به محارم

نگاه به محارم بدون قصد لذت اشکال ندارد و انسان می تواند بدون قصد لذت به تمام بدن محارم به جز شرمگاه نگاه کند.

آیت اللّه العظمی خویی افزون بر بیان سیره مسلمانان از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله تا کنون مبنی بر اینکه رعایت حجاب و پوشش در حضور فرزندان، پدران، برادران و دیگر محارم لازم نبوده است، به دلایل زیر استناد می کند:

دلیل اول _ قرآن

خداوند فرموده است:

وَ لا یُبْدینَ زینَتَهُنَّ إِلاّ لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبائِهِنَّ أَوْ آباءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنائِهِنَّ أَوْ أَبْناءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوانِهِنَّ أَوْ بَنی إِخْوانِهِنَّ أَوْ بَنی أَخَواتِهِنَّ. (نور: 31)

زینت خود را آشکار نسازند مگر نزد شوهران، پدران، پدران شوهران، پسران، پسران همسر، برادران، پسران برادر و پسران خواهر.

به جز همسر، این افراد کسانی هستند که ازدواج با آن ها حرام و

محرمیت به واسطه سبب یا نسب حاصل شده است. که شامل فرزندان و پدرانشان نیز می شود مثل: نوه ها و جدها.

در این آیه هر چند حکم عمو و دایی بیان نشده، ولی با بیان حکم برادرزاده و خواهرزاده، حکم این دو مورد نیز مشخص می شود.

دلیل دوم _ روایت سکونی(1)

این روایت نگاه کردن به موی مادر و خواهر و دختر را اجازه می دهد و از آن جا که بین مو و دیگر اعضای بدن زن فرقی نیست، جایز بودن نگاه کردن به بدن این افرادنیز از این روایت استفاده می شود.

دلیل سوم

روایاتی که غسل دادن زن به وسیله محارم و برعکس را اجازه می دهد در صورتی که هم جنس پیدا نشود. با توجه به این که نگاه کردن لازمه غسل دادن است، وقتی لازم (غسل دادن) جایز باشد، ملزوم (نگاه کردن) نیز جایز است.

نتیجه

با توجه به این که روایات، شرمگاه را استثنا کرده اند و روایت حسین بن علوان، بین ناف و زانو را شرمگاه معرفی کرده، پس نگاه کردن به تمام اعضای بدن محارم به جز قسمت بین ناف و زانو جایز است.(2)

نگاه در فقه اهل سنت

همه فقیهان اهل سنت نگاه به شرمگاه را حرام می دانند و حتی فقیهان



---

1- 1. وسائل الشیعه، ج 14، باب 104، ح 7.
2- 2. مبانی عروه الوثقی، ج 1، نکاح، ص 68 .

مالکی، برداشتن پوشش از شرمگاه را در خلوت نیز مکروه می دانند. به عقیده فقیهان شافعی، نگاه کردن انسان به شرمگاه خودش مکروه است مگر برای نیاز و ضرورت.

اهل سنت، بین ناف تا زانو را شرمگاه مرد می دانند و می گویند نگاه کردن زن به این قسمت حتی اگر محرم باشد، جایز نیست. فقیهان شافعیه و مالکیه، شرمگاه مرد را نسبت به کسی که به او نگاه می کند، مختلف می دانند: نسبت به محارم و مردها، بین زانو تا ناف را شرمگاه مرد و نسبت به زن نامحرم، تمام بدن مرد را شرمگاه می دانند.

بنابر نظر فقه مالکی، صورت، دست، سر و پا استثنا است و زن نامحرم می تواند در صورت اطمینان از وجود نداشتن لذت، به این اعضای مرد نامحرم نگاه کند، ولی شافعیه، نگاه کردن زن به بدن مرد را چه با لذت و چه بدون آن، حرام می دانند.

در فقه اهل سنت، تمام بدن زن به جز صورت و دست ها برای دیگران، شرمگاه است. فقهای شافعیه، صورت و دست ها را نیز برای مرد نامحرم، شرمگاه می دانند. به عقیده حنابله، تمام بدن زن به جز صورت، گردن، سر، دست، پا و ساق برای محارم، شرمگاه است. به عقیده فقهای شافعیه، نگاه به غیر شرمگاه زن با قصد شهوت و احتمال بروز فتنه، حرام است هم برای محرم و هم برای نامحرم. نگاه بدون قصد شهوت و احتمال افتادن به گناه، جایز است.(1)



---

1- 1. محمد بن حسن طوسی، خلاف، کتاب النکاح، ج 4، ص 247، طبع جامعه مدرسین.

## گفتار دوم: حجاب

### اشاره

با توجه به نقش مهمّ حجاب و پوشش در ارتباط و معاشرت، به بررسی آن می پردازیم.

### حجاب در لغت

حجاب به معنای پوشش و آن چه به وسیله آن، خود را می پوشانند و نیز حایل بین دو چیزآمده است. جمع حجاب به این معنا حجب است.(1)

در فرهنگ فارسی، حجاب به معنای پرده، نقاب و چادری است که زنان چهره و سر تا پای خود را با آن می پوشانند.(2)

منتهای زمین سنگلاخ، ریگ دراز، بلندی کوه، نور و روشنایی آفتاب یا کناره آن، هر پرده بین دو چیز و مردن به حال شرک از دیگر معانی حجاب به شمار می رود.(3)

در برخی از آیات و روایات، واژه حجاب به معنای لغوی آن به کار رفته است از جمله:

1 _ «وَ مِنْ بَیْنِنا وَ بَیْنِکَ حِجابٌ؛ میان ما و شما حاجز و فاصله ای در دین وجود دارد». (فصلت: 5)

2 _ «وَ بَیْنَهُما حِجابٌ؛ میان اهل بهشت و جهنم، دیواری است که سدّی برای نرسیدن لذت اهل بهشت به اهل جهنم است». (اعراف: 46)

3 _ «وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الَّذینَ لا یُؤمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُورًا؛



---

1- 1. ابن منظور، لسان العرب، ص 1.
2- 2. حسن عمید، فرهنگ عمید، ص 779؛ محمد معین، فرهنگ معین، ص 1304.
3- 3. سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ص 269.

زمانی که قرآن می خوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، پرده ای قرار می دهیم (که آن ها از قرآن سودی نبرند)». (اسراء: 45)

4 _ «حَتّی تَوارَتْ بِالْحِجابِ؛ تا این که خورشید غروب کرد». (ص: 32)

5 _ «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجاباً.. ؛ در برابر آنان بر خود پرده ای گرفت». (مریم: 17)

6 _ «إِذا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتاعًا فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَراءِ حِجابٍ؛ و هنگامی که کالایی را از آنان (همسران پیامبر) می خواهید، از پشت پرده بخواهید». (احزاب: 53).

حجاب در این آیات به معنای پرده و پوشاننده دو چیز بوده و معنای اصطلاحی آن مورد نظر نیست.

این واژه در برخی روایات به معنای لغوی به کار رفته است. امام علی علیه السلام فرموده است: «و در پشت پرده نگاه شان دار تا دیده شان به نامحرمان نیفتد که در پرده بودن، آنان را (از هر گزند) نگاه می دارد».(1)

### حجاب در اصطلاح

با توجه به معنای لغوی حجاب و کاربرد قرآنی و روایی این واژه، شرع مقدس حجاب را این گونه بیان می کند: «پوشانیدن تمامی اعضای بدن به جز صورت و دست ها تا مچ».(2)

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: زن تا چه مقدار حق آشکار کردن زینت خود را دارد؟ امام صادق علیه السلام فرمود: صورت و دو دست خود.

ام سلمه می گوید: پس از آمدن دستور حجاب از سوی خدا، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم و میمونه نیز نزد ایشان بود که ابن ام مکتوم

ص:95

---

1- 1. نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ص 307.

2- 2. بحارالانوار، ج 101، ص 38، ح 36.

وارد شد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حجاب خود را بگیرید...».[(1)]

امام موسی بن جعفر علیه السلام از پدرانش و از حضرت علی علیه السلام روایت می کند: «یک نابینا از فاطمه زهرا علیهاالسلام اجازه ورود خواست. پس او حجاب خود گرفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: برای چه حجاب خود را گرفتی، در حالی که او تو را نمی بیند؟ حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: اگر او مرا نمی بیند، من که او را می بینم و علاوه بر این او بوی مرا استشمام می کند. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی».[(2)]

### حجاب در تاریخ

پوشش و لباس از نیازهای انسان به شمار می آید که از آغاز آفرینش به آن نیاز داشته و کوشیده است تا با هر وسیله ای خود را بپوشاند.

فرید وجدی در دایره المعارف قرن بیستم می نویسد:

حجاب زنان سابقه ای طولانی دارد... سخن در مورد حجاب در میان سخنان قدیمی ترین نویسندگان یونانی به چشم می خورد... زنان سر را می پوشانده اند، ولی صورت شان باز بوده است. وقتی به بازار می رفتند، بر آنان واجب بود صورت شان را نیز بپوشانند.[(3)]

از متون تاریخی به دست می آید که حجاب مربوط به دین خاصی نیست و پیش از ظهور اسلام نیز وجود داشته است. «حجاب یا چادر بخشی از



---

1- 1. همان، ص 37، ح 25.
2- 2. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب مقدماته و آدابه، باب 109، ح 5.
3- 3. دائره المعارف القرن العشرین، ص 335.

لباس زنان یونان باستان و روم قدیم بوده که برای زینت ازآن استفاده می کردند. در ایران پیش از اسلام زنان نیز از چادر استفاده می کردند. یونانیان برای پوشیدن چادر و حجاب، جنبه های سحری یا جادویی آن را مورد نظر قرار می دادند؛ زیرا بر سر گذاشتن چادر بیش تر در مراسم و مجالس دینی رایج بود و عده ای می پندارند که پوشیدن چادر برای زنان راهبه لازم بوده است. برخی نیز معتقدند چادری که عروس بر سر می نهد، برای پوشانیدن جمال خود از چشم حسودان است... در اروپای قرون وسطی، چادر جزئی از زینت سر بوده است».(1)

تا پیش از رنسانس بیش تر زنان حجاب داشتند، ولی با آغاز انقلاب صنعتی و جنگ جهانی دوم، جنبش آزادی زنان به نام فمینیسم شکل گرفت که کنار گذاشتن حجاب را تشویق می کرد. غلام حسین مصاحب درباره تاریخچه حجاب می نویسد:

در دوره فتحعلی شاه قاجار و پس از آن، چادر خارج از منزل به رنگ سیاه یا بنفش بود که آن را روی «چاقچور» به سر می کردند و صورت را با روبنده می پوشانیدند. پس از مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ، تغییراتی در لباس زنان روی داد، ولی چادر و چاقچور باقی ماند... پس از کشف حجاب (سال 1314) به سر کردن چادر در خارج از منزل بین زنان روشن فکر به کلی و در دیگر موارد نیز با توجه به زمان و مکان و طبقه اجتماعی کم و بیش از بین رفت. آدام اولشگر می گوید: «زنان ایرانی



---

1- 1. عبدالحسین سعیدیان، دایره المعارف، تهران، سازمان چاپ و انتشارات محمد علی علمی، 1349، چ 7، ج 3، ص 216.

هرگز در کوچه ها رو گشاده نمی روند، بلکه در حجاب سفیدی مستورند که تا زانو پایین می آید و فقط شکافی در مقابل چشمان خود باز می گذارند تا بتوانند پیش پای خود را ببینند».(1)

حسین مکی نیز درباره کشف حجاب می نویسد:

در تاریخ 2/4/1314 مردم ایران در اعتراض به کشف حجاب در مسجد گوهرشاد (مشهد) تحصن کردند. عده زیادی به خاک و خون کشیده شدند، ولی رضاخان در 17 دی ماه به طور رسمی با حاضر کردن بدون حجاب ملکه و دخترانش در دانشسرای مقدماتی تهران، آن را به مرحله اجرا گذاشت و چند روز بعد با زور سرنیزه به عملی کردن حجاب پرداخت.(2)

### حجاب در ادبیات

در آثار ادبی نیز به حجاب و پوشش توجه شده است. در شاهنامه، اشعاری وجود دارد که پوشیده بودن زن را مایه افتخار می داند:

ز پرده برون کس ندیده مرا*** نه هرگز کس آوا شنیده مرا

یا در جایی دیگر منیژه می گوید:

منیژه منم دخت افراسیاب*** برهنه ندیده سرم آفتاب

در میان اشعار عربی نیز ابیاتی یافت می شود که طرفداران بی بندوباری و طرفداران حجاب آن را سروده اند. یکی از طرفداران بی بندوباری چنین می سراید:

مزقّی یا ابنه العراق الحجابا



---

1- 1. غلام حسین مصاحب، دایره المعارف فارسی، تهران، انتشارات فرانکلین، 1345، ص 787.
2- 2. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، انتشارات علمی، 1363، چ 1، ص 252.

و اسفری فالحیاه تنبغی انقلابا

مزقیه و احرقیه بلا ریث*** فقد کان حارسا کذابا(1)

ای دختر عراقی! حجاب را پاره کن و گشاده رو باش که زندگی دگرگونی می طلبد. بدون درنگ پاره اش کن و بسوزان؛ که حجاب، نگهبان دروغین بوده است.

در مقابل، عبدالحسین ازری چنین می سراید:

حصروا علاجک بالسفور مادروا***ان الذی حصروه عین الداء

او مادروا ان الفتاه بطبعها*** کالماء لم یحفظ بغیر انساء

من یحفظ الفتیاه بعد ظهورها***مما یحش بخاطر السفهاء

و من الذی ینهی الغنی بشابه***عن خدع کل فریده حسناء

لیس الحجاب بمانع تهذیبها***فالعلم لم یرفع علی الازیاد(2)

راه چاره تو را منحصر در بی حجابی دیدند و نفهمیدند که آن چه منحصر می سازند، عین درد است. یا نفهمیدند که طبیعت دختران مانند آبی است که بدون ظرف نمی ماند. کیست که دختران را پس از عریان بیرون آمدن حفظ کند از آن چه فکر سفیهان را آشفته می کند؟ و کیست که جوانان را در جوانی باز دارد از فریب هر مروارید زیبارویی؟ حجاب مانع پاکی زن نیست و دانش بر شکل و لباس مخصوص استوار نمی ماند.

تفاوت دیدگاه ها ناشی از اختلاف در جهان بینی است. آن کس که حجاب را ملاک ارزش و سعادت می پندارد، آن را پاسبان دروغین نمی داند و در مقابل، اگر کسی سعادت را در لذت جسمی بداند، هرگونه مانع این لذت را خرافه به شمار می آورد و آن را از سر راه برمی دارد. با این وجود،



---

1- 1. محمدحسین جلالی، آداب معاشرت، ترجمه: جواد بیات و محمد آذربایجانی، چ 1، ص 120.

2- 2. همان.

حتی در میان مردمی که سعادت را در لذت جسم می دانند، حفظ گوهر عفت و حیای زن قابل توجه بوده است و تا جایی که توان داشتند، از آن پاسداری می کرند. ویل دورانت می نویسد:

در بریتانیای جدید، پدران و مادران ثروتمند در طول بحران پنج ساله جوانی، دختران خود را در کلبه هایی زندانی می کنند و پیرزنانی پاک دامن را به زندان بانی آنان می گمارند. دختران حق خارج شدن از این کلبه ها را ندارند و تنها نزدیکان می توانند آن ها را ببینند.(1)

وی در جای دیگر می نویسد:

باید چنین فرض کرد که حساسیت جنسی هندوان، آنان را به هرزگی غیرعادی می کشاند. ازدواج در خردسالی، سدّی در برابر مناسبات پیش از زناشویی به شمار می رفت. احکام شدید دینی که در تلفیق وفاداری همسر به کار می رفت، موجب می شد تا زنا بسیار دشوارتر و کم تر از اروپا یا امریکا صورت گیرد... . «مانو»(2) به مردان هشدار می دهد «که سرنوشت زن همیشه به گمراهی مرد گرایش دارد. پس مرد نباید با نزدیک ترین خویشِ زن خود در جای خلوتی تنها بنشیند».(3)

### حجاب در اسلام

قرآن مجید در آیه زیر پس از بیان حکم نگاه، به مسأله حجاب و پوشش زن می پردازد و به طور روشن می فرماید که زنان باید با پوشش کامل در جامعه اسلامی حاضر شوند و در برابر افرادی به جز شوهر و محارم شان، بدن خود را بپوشانند:

وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لا یُبْدینَ زینَتَهُنَّ إِلاّ ما ظَهَرَ مِنْها وَ لْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلی جُیُوبِهِنَّ وَ

ص:100

---

1- 1. ویل و اریل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه: اسماعیل دولتشاهی، چ 1، ج 1، ص 72.
2- 2. مانو از رهبران هندو.
3- 3. تاریخ تمدن، ج 2، ص 561 به بعد.

لا يُبْدينَ زينَتَهُنَّ إلاّ لِبُعُولَتِهِنَّ... و لا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ ما يُخْفينَ مِنْ زينَتِهِنَّ... . (نور: 31)

و دامان خويش را حفظ كنند و زينت خود را _ جز آن مقدارى كه نمايان است _ آشكار نسازند. و (اطراف) روسرى هاى خود را بر سينه خود افكنند (تا گردن و سينه با آن پوشانده شود) و زينت خود را آشكار نسازند مگر براى شوهرانشان... و هنگام راه رفتن، پاهاى خود را به زمين نزنند تا زينت پنهانى شان دانسته شود (و صداى خلخال كه بر پا دارند، به گوش برسد).

نكته هاى تفسيرى(1)

1 _ در روايتى از امام صادق عليه السلام آمده است: «در هر جاى قرآن كه سخن از حفظ شرمگاه ها آمده است، منظور از آن پاك دامنى از زنا است. به جز در اين آيه كه منظور حفظ آن از نگاه ديگران است».(2)

2 _ علامه طباطبايى با اشاره به ادب قرآن مجيد در مورد واژه فرج به نقل از راغب اصفهانى مى نويسد: «فرجه و فرج شكاف بين دو چيز را گويند و به زشتى انسان فرج اطلاق مى شود و اين استعمال قرآنى باعث شده اين كلمه نص در اين معنا گردد».(3)

3 _ كاربرد واژه حفظ به جاى ستر و پوشانيدن بر تأكيد بر پوشش دلالت دارد؛ زيرا حفظ شرمگاه از نگاه ديگران اهميت ويژه اى دارد و به گونه اى بايد پوشيده شود كه هيچ كس حتى محارم نيز به آن نگاه نكنند و تنها زن و شوهر هستند كه مى توانند به عورت همديگر بنگرند.



---

1- 1. تفسير الميزان، ج 15، ص 111؛ مجمع البيان، ج 7 و 8، ص 216؛ كنز العرفان، ج 9، ص 102؛ تفسير صافى، ج 3، ص 429؛ تفسير كنز الدقائق، ج 9، ص 282.
2- 2. مجمع البيان، ج 7، ص 216.
3- 3. تفسير الميزان، ج 15، ص 111.

4 _ زینت در این آیه، هر چیزی است که سبب زیبایی شود که خود انواع گوناگونی به شرح زیر دارد:

الف) ظاهر؛ یعنی لباس باطن؛ یعنی خلخال و دست بند و گوشواره.

ب) زینت ظاهر شامل: سرمه و انگشتر و دو طرف صورت و خضاب کف دست.

ج) زینت ظاهر شامل: صورت، کف دست و انگشتان.

5 _ واژه زینتهن دو مصداق دارد: یکی، اعضای بدن زن که محل زینت است و دیگری، اشیای زینتی مانند: گوشواره و دست بند و گردن بند و هر چیزی که زن با آن آراسته گردد و بر زیبایی وی بیافزاید.

مرحوم طبرسی، مقصود از زینتهن را اعضای بدن می داند، ولی بانوی اصفهانی با رد نظریه مرحوم طبرسی می گوید:

در عطف جمله «و لیضربن بخمرهن» که بیانگر چگونگی پوشانیدن اعضای بدن است و از این که معطوف علیه و معطوف نمی تواند یک چیز باشد، معلوم می شود زینت شامل اعضای نام برده در آیه و اشیایی است که زن خود را با آن می آراید و بر حسن و زیبایی او می افزاید بنابراین، لباس رنگارنگ، خوش دوخت و مد روز و وسایلی که با آن آرایش می کنند از قبیل پودر، ماتیک و... زینت به شمار می روند؛ زیرا زیبایی زن را می افزایند و بیش تر مورد توجه قرار می گیرد و هدف دین، حفظ آرامش در جامعه است.

پس برای زن دوحالت وجود دارد: یکی وقتی که از زینت عاری باشد که مشمول جمله «لیضربن بخمرهن» است و دیگر، وقتی است که خود را به زینت آراسته گرداند که در این صورت، تمام اعضایی را که آراسته شده، باید از نگاه نامحرم بپوشاند مگر آن چه را که ظاهر است و نمی توان آن را

پوشاند مانند چادر.(1)

علامه طباطبایی می گوید:

مراد مواضع زینت است؛ زیرا آشکار ساختن خود زینت مانند گوشواره و النگو حرام نیست. پس مراد از ابداء زینت، ابداء مواضع زینت از بدن است.(2)

پس این آیه شریفه به زنان دستور می دهد که بدن خود را بپوشانید و تنها مجاز هستید قسمتی از بدن را آشکار سازید.

6 _ امام باقر علیه السلام مراد از زینت ظاهر را لباس، سرمه، انگشتر، رنگ دست ها و النگو می داند و زینت را به سه قسم تقسیم می کند:

الف) زینتی برای عموم که همان لباس، سرمه، انگشتر، رنگ دست و النگو است.

ب) زینت برای محارم که شامل محل گردن بند به بالا و محل بازوبند و خلخال به پایین می شود.

ج) زینت برای شوهر که شامل همه اعضای بدن زن می شود.(3)

بر اساس این آیه، حفظ پوشش تمام بدن به جز صورت و دست ها بر زنان واجب می شود.

فقیهان با استفاده از این آیه حجاب را واجب دانسته و گفته اند مراد از زینتِ ظاهری، صورت و دو دست است همان گونه که در احکام الآیات جصاص (یکی از ائمه حنفیه)، مراد از «ما ظهر»، صورت و کف دو دست



---

1- 1. کنز العرفان، ج 9، ص 102 با کمی تصرف در عبارت.
2- 2. تفسیر المیزان، ج 15، ص 111.
3- 3. تفسیر قمی، ج 2، ص 77؛ تفسیر کنز الدقائق، ج 9، ص 282.

است و در تفسیر رازی، شافعیه بر این باورند که صورت و کف دو دست شرمگاه نیستند.(1)

7) در بحث نگاه در شأن نزول آیه «غض» اشاره کردیم که زنان تا پیش از نزول این آیه، روسری خود را پشت گوش شان می بستند و گلو و سینه آن ها آشکار می شد. بر اساس این آیه شریفه، پوشانیدن سر، زیر گلو و سینه برای زنان واجب شد. فراز پایانی آیه نیز به چگونگی راه رفتن زنان اشاره دارد و می گوید باید به گونه ای راه بروند که صدای خلخال پای شان به گوش نرسد. چون راه رفتن زنان  می تواند محرّک باشد و انگیزه شهوانی ایجاد کند، خدای متعال به زنان دستور داده است در راه رفتن خود، حیا را رعایت کنند. در قرآن آمده است:

وَ الْقَواعِدُ مِنَ النِّساءِ اللاّتی لا یَرْجُونَ نِکاحًا فَلَیْسَ عَلَیْهِنَّ جُناحٌ أَنْ یَضَعْنَ ثِیابَهُنَّ غَیْرَ مُتَبَرِّجاتٍ بِزینَهٍ وَ أَنْ یَسْتَعْفِفْنَ خَیْرٌ لَهُنَّ وَ اللّهُ سَمیعٌ عَلیمٌ. (نور: 60)

و زنان از کار افتاده ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس های (رویین) خود را بر زمین بگذارند. به شرط این که در برابر مردم خودآرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند، برای آنان بهتر است. خداوند شنوا و داناست.

در مورد زنانی که نیروی شهوت آنان از بین رفته است و امیدی به ازدواج آن ها نیست، حکم حجاب و پوشش به عنوان یک منّت برای راحتی آن ها برداشته شده است. در غیر این صورت، این تخفیف معنی ندارد و زنان باید لباس های خود را زمین نگذارند. البته این تخفیف مشروط به این



---

1- 1. محمّد جواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ج 27، ص 415.

است که این پیرزنان قصد خودآرایی نداشته باشند وگرنه خود را بپوشانند.

مراد از تبرج، آشکار کردن زینت و خودنمایی است. (1) وقتی برای پیرزنان به دلیل آیه شریفه، زمین گذاشتن چادر، مقنعه و ردا (براساس اختلافی که در مجمع البیان آمده است) اشکالی ندارد، برای دیگران (زنان جوان و میان سال) این کار از نظر قرآن اشکال دارد.

شهید مطهری در تفسیر «و أنْ یستعففن خیر لهن» می نویسد:

از نظر اسلام هر قدر زن عفاف و حجاب را بیش تر مراعات کند، پسندیده تر است و به خاطر ارفاقی که به حکم ضرورت درباره صورت و دست ها و غیر آن داده شده است، این اصل کلی اخلاقی را نباید از یاد ببرد.(2)

قرآن در جایی دیگر می فرماید:

یا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِأَزْواجِکَ وَ بَناتِکَ وَ نِساءِ الْمُؤمِنینَ یُدْنینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلاَبِیبِهِنَّ ذلِکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلا یُؤذَیْنَ وَ کانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحیمًا. (احزاب: 59)

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلباب های خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و (اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن ها سرزده است، توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.

جلباب، لباسی است که زن، هنگام خروج از منزل بر تن می کند و بدن را به گونه ای می پوشاند که سینه و گریبان پیدا نباشد.

مفسران در شأن نزول این آیه می نویسند: «عدّه ای اوباش در راه حرکت زنان به مسجد برای آنان مزاحمت ایجاد می کردند. خداوند به پیامبرش



---

1- 1. تفسیرالمیزان، ج 15، ص 164.
2- 2. مسأله حجاب، ص 152.

دستور داد به زن ها بگو: وقتی که می خواهید از منزل خارج شوید، خود را با جلباب بپوشانید و مانند کنیزکان از منزل خارج نشوید تا مزاحمان شما را بشناسند و مورد اذیت قرار نگیرید. اگر مزاحم بداند زنی خود را پوشانیده است و بداند که آن زن درست کار است، مزاحم او نمی شود».(1)

الف) «آیه می خواهد بفرماید: ای رسول گرامی! به زنان خود و به زنان مؤمنان بگو: در حجاب خود غفلت و سهل انگاری و بی بند و باری نکنند و چادر را کنار نگذارند، بلکه با آن سر و صورت و سینه خویش را بپوشانند تا با این کار شناخته شوند و بیماردلان به آن ها نگاه نکنند و مزاحم آن ها نشود».(2)

ب) «در این آیه، حدود پوشش مشخص نشده است. زن مسلمان باید آن چنان در میان مردم رفت و آمد کند که علایم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از او هویدا باشد و به این صفت شناخته شود تا بیمار دلانی که دنبال شکار می گردند از آن ها مأیوس شوند و فکر بهره کشی از آن ها در ذهن شان خطور نکند. می بینیم که جوان هرزه همیشه متعرض زنان جلف و سبک و لخت و عریان می گردد. وقتی به آن ها اعتراض می شود که چرا مزاحم می شوی، می گویند: اگر دلش این چیزها را نخواهد، با این وضع بیرون نمی آید».(3)



---

1- 1. مجمع البیان، ج 7 و 8 ، ص 578 ؛ تفسیر المیزان، ج 16، ص 344 ؛ تفسیر صافی، ج 4، ص 1203؛ تفسیر کنزالدقائق، ج 10، ص 434؛ تفسیر قمی، ج 2، ص 171.
2- 2. الحجاب فی الاسلام، ص 11.
3- 3. مسأله حجاب، ص 162.

### نظریه های انحرافی درباره پیدایش حجاب

برخی افراد درباره دلیل پیدایش حجاب، نظریه های نادرستی ابراز کرده اند که اکنون به بررسی و نقد آن ها می پردازیم.

1 _ میل به ریاضت

برخی معتقدند که حجاب در میل به ریاضت و رهبانیت ریشه دارد. باید دانست حجاب مورد سفارش اسلام، ربطی به این علت ندارد؛ زیرا رهبانیت و ریاضت، مورد تایید اسلام نیست. اسلام، لذّت بردن و استفاده بهینه از نعمت های خداوندی را نه تنها مجاز، بلکه در بعضی موارد واجب و ترک آن لذت را حرام می داند.(1)

2 _ امنیت

گروهی دیگر، نبود امنیت را ریشه حجاب دانسته اند و می گویند: چون در جامعه امنیت حاکم نیست، زن باید با پوشش و حجاب در جامعه حضور داشته باشد.

3 _ علت اقتصادی

بعضی دیگر، علت اقتصادی را به عنوان یکی از علت های حجاب معرفی کرده اند. به گفته اینان، مرد سالاری و تسلط مرد بر زن و بهره گیری از نیروی وی برای منافع اقتصادی خود به پیدایش پوشش برای زن انجامیده است؛ زیرا با حفظ حجاب از هدر رفتن این نیرو جلوگیری می شود.

4 _ حسادت مردان

حسادت و خودخواهی مرد نیز ریشه حجاب زن دانسته شده و درباره



---

1- 1. عروه الوثقی، مقدمات نکاح، مسأله 7، لایجوز ترک وطی ء الزوجه اکثر من اربعه اشهر.

آن گفته اند: مرد چون حسود است اجازه نمی دهد افراد دیگر از زن او استفاده کنند. پس زن خود را مجبور کرده است تا در حجاب باشد.

هم چنین، گروهی دیگر، عامل روانی، خوی زنانگی، احساس کمبود در خلقت خود نسبت به مرد و مقررات سختگیرانه ای را که در زمینه پلیدی و ترک معاشرت با او در ایام عادت وضع شده است، را علت حجاب معرفی کرده اند.

### نقد

دهخدا می گوید:

علل نام برده تأثیری در پیدایش حجاب در هیچ نقطه ای از جهان نداشته است و بی جهت آن ها را علت حجاب دانسته اند. اگر در پدید آمدن بعضی از سیستم های غیر اسلامی تأثیر داشته، در حجاب اسلامی هیچ تأثیری نداشته است، مخالفان حجاب گاهی آن را زاییده تفکر فلسفی خاص درباره جهان لذات آن معرفی می کنند و گاهی ریشه سیاسی و اجتماعی برای آن ذکر می نمایند و گاهی آن را معلول علل اقتصادی می دانند و گاهی جنبه های خاص اخلاقی یا روانی را در پدید آمدن آن دخالت می دهند... تنها علت همان حیا و عفاف است که زن با یک نوع الهام، برای گران بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. (1)

### فلسفه حجاب

مواردی که به عنوان فلسفه حجاب می توان طرح کرد عبارتند از:

1 _ جلوگیری از تحریک مرد

برهنگی زنان افزون بر تحریک مردان، هیجان های بیمارگونه عصبی و

1- 1. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1372، چ 1، ج 5، ص 7640.

بیماری های روانی را در پی خواهد داشت.

2 _ کاهش آمار طلاق

یکی دیگر از نتایج زیان بار بی بند و باری و ترک حجاب زن، افزایش آمار طلاق در جامعه است. با مراجعه به آمار و علت یا بی طلاق، نقش حجاب در استحکام و دوام نظام خانواده بیش تر خودنمایی می کند.

3 _ جلوگیری از پی آمدهای ناگوار طلاق

کودکان بی سرپرست، کشیده شدن زنان بیوه و مردان به بی بندوباری، گسترش دامنه فساد و فحشا و افزایش آمار فرزندان نامشروع از پی آمدهای ناگوار طلاق است.

4 _ شخصیت دادن به زن

برهنگی زن موجب انحراف و سقوط شخصیت انسانی زن تا حد یک عروسک می شود.(1) دین اسلام به زن شخصیت داده و حجاب را مایه ارزشمندی زن می داند.

### مقدار پوشش لازم برای زنان

بدون تردید، پوشاندن بدن زن مورد سفارش قرآن و روایات است؛ زیرا در میان غریزه های انسانی، غریزه ای به سرکشی و حساسیت غریزه جنسی نیست. شهید مطهری بر اساس نظریه روان شناسان و روان کاوان تأکید می کند که چه بسا تلاقی یک نگاه در یک لحظه، اساس خانواده ای را ویران کند.(2)

صاحب عروه الوثقی در مقدمه بحث ستر و ساتر (احکام لباس نمازگزار) می نویسد:



---

1- 1. تفسیر نمونه، ج 14، ص 443.
2- 2. مسأله حجاب، ص 194.

زن باید تمام بدن خود را از غیر همسر و محارمش بپوشاند مگر صورت و دست ها آن هم بدون قصد لذت و شهوت رانی در غیر این صورت، پوشانیدن تمام بدن حتی دست و صورت و حتی از دید محارم برای زن واجب است و احتیاط در آن است که بدن خود را از ناف تا زانو از دید محارم بپوشاند چه با قصد لذت و چه بدون قصد لذت. باز احتیاط در آن است که صورت و دست ها را از دید محارم چه با قصد لذت و چه بدون آن بپوشاند.(1)

وی صورت و دست ها را در صورتی که قصد لذت و شهوت رانی در کار نباشد استثناء کرده است. آیت اللّه حکیم در توضیح این قسمت می نویسد:

این استثنا قابل قبول مرحوم شیخ در نهایه، تبیان، تهذیب و استبصار بوده و مرحوم شیخ انصاری نیز در شرح کتاب نکاح ارشاد، این استثنا را برگزیده است.(2)

### حکم پوشش دست ها و صورت در روایات:

از حضرت امام صادق علیه السلام پرسیدند: زن چه قسمتی از زینت خود را می تواند آشکار سازد؟ حضرت فرمود: «صورت و دست ها».(3)

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: که مرد به چه قسمت هایی از بدن زن نامحرم می تواند نگاه کند؟ حضرت فرمود: «صورت و دست ها و پاها».(4)

پس هر جا نگاه کردن جایز بود، پوشش لازم نیست.



---

1- 1. عروه الوثقی، ج 1، فصل 8 ، ستر و ساتر، ص 414.
2- 2. مستمسک العروه الوثقی، ج 14، ص 26.
3- 3. وسائل الشیعه، باب 109، ح 5.
4- 4. همان، ح 2.

زراره، سخن حضرت امام صادق را در تفسیر آیه «الا ما ظهر منها» (نور: 31) چنین نقل می کند که فرمود: «مراد از زینتِ ظاهر، سرمه و انگشتر است».[(1)] که جای آن ها در دست و صورت است. پس صورت و دست ها استثنا شده اند.

علی بن جعفر می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدند: مرد تا چه مقدار می تواند (صلاح است) به زن نامحرم نگاه کند؟ حضرت فرمود: «صورت و دست ها و محل النگو و دست بند».[(2)]

آیت اللّه حکیم به روایاتی که در آن ها به نگاه کردن جابر به صورت حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام و نگاه کردن سلمان به دست های حضرت زهرا علیهاالسلام[(3)] اشاره می کند و می نویسد:

همه این ها بیانگر استثنا آرنج و مو و سر است و سکوت در بیان حکم صورت و دست ها موجب اطمینان به جایز بودن نگاه کردن و لازم نبودن پوشیدن آن ها می شود.

البته روایاتی، کنار زدن حجاب صورت در احرام را جایز می دانند. مفهوم آن ها این است که جواز پوشاندن دست و صورت، اضطراری است و اگر اضطرار از بین برود، جواز هم از بین می رود و دیگر پوشانیدن دست ها و صورت لازم نیست.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

زن نباید در حالی که نقاب زده است، طواف کند و اشکال ندارد که زن در



---

1- 1. همان، ح 3.
2- 2. قرب الاسناد، کتاب الصلاه، باب ما یجب علی النساء فی الصلاه، ص 102.
3- 3. بحارالانوار، ج 43، ص 28.

حال احرام تمام صورتش را بپوشاند.[1]

این روایت بیانگر این است که پوشانیدن صورت در حالت احرام حرام است، ولی در صورت ضرورت، اشکال ندارد.

### حکم پوشش دست و صورت در قرآن

آیه شریفه «و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن» (نور: 31)، بخشی از همان آیه شریفه که می فرماید: «و لا یبدین زینتهن»، حکم گریبان و سینه را بیان می کند و در مورد صورت، سکوت اختیار کرده است.

آیه «غض» از لحاظ متعلق نگاه، عمومیت ندارد و حذف متعلق نیز اقتضای عمومیت ندارد؛ بنابراین حمل کردن این آیه بر عموم _ تمام اعضای زن _ ممنوع است (که بگوییم نگاه بر تمام اعضای بدن زن ممنوع است).

روایاتی که زن را شرمگاه [2] معرفی می کند، بیانگر این حقیقت است که زن هر چند پوشیده باشد، باز شرمگاه است و روایتی که همگانی بودن آیه را بیان می کند، از نظر سند ضعیف است و کافی نیست.

آیت اللّه حکیم در مورد آیه «غض» که علامه و صاحب جواهر به عمومیت آن استدلال کرده اند، می گوید این آیه اطلاق ندارد. البته می توان گفت در اطلاق آیه بحثی نیست، بلکه آن چه جای بحث و گفت و گو دارد، این است که آیه در صدد بیان محدوده نگاه و حجاب نیست. درباره شرمگاه بودن زن نیز گفته اند که عورت بودن تمام بدن زن جای بحث دارد.

البته اجماعی که علامه و صاحب جواهر به آن استناد کرده اند، مردود



---

1- 1. وسائل الشیعه، ج 9، صص 129 و 141.
2- 2. همان، باب 131، ح 1.

است؛ زیرا در بیان قدما و متأخرین هم قایل به جواز و هم قایل به منع داریم.

سیره به عنوان چهارمین دلیل برای جایز نبودن نگاه و وجوب پوشش صورت و دست ها معرفی شده است. در این سیره به شهادت دادن زنان با نقاب استشهاد شده است.

ایشان درباره نقاب زدن زن برای شهادت دادن می گوید: «باید دانست نقاب برای پوشش نیست، بلکه برای این است که زن شناخته نشود و بیانگر واجب بودن پوشش شرعی نیست؛ زیرا نقاب تمام صورت را نمی پوشاند و این کار برای بر طرف کردن زشتی کار در نظر عموم مردم بوده است. پس جایز بودن نگاه به بعضی از قسمت های صورت با شناخت آن زن از راه دیگری به جز نگاه کردن، گواه بر جایز بودن نگاه بوده و این سخنی قابل قبول است».

آیت اللّٰه حکیم در مورد روایت «نگاه تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است»،(1) می گوید شاید منظور مطلق نگاه کردن باشد. به گفته ایشان، حضرت فرموده: «نگاه کردن تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است که پرتاب این تیر بر عهده نگاه کننده است. اگر به قصد لذت نگاه کند، تیر به هدف اصابت کرده و اگر بدون قصد باشد، به هدف اصابت نکرده است. نگاه که تیری از تیرهای شیطان است؛ یعنی شیطان این تیر را آماده پرتاب کرده است. مانند دشمن فیزیکی انسان که شاید تیرهای گوناگونی در دست



---

1- 1. همان، باب 104، ح 1.

آماده کرده باشد، ولی تا حرکتی از طرف مقابل نبیند، تیراندازی نمی کند. در مورد خبر سعد اسکاف نیز می توانیم بگوییم که نگاه اول به قصد لذت نبود، ولی بعد به نگاه با قصد تبدیل شد.

اگر نگاه اول بدون قصد _ که بر اساس نظر آیت اللّه حکیم جایز است _ نبود، در پی آن نگاه های بعدی به وجود نمی آمد.

در مورد این که پوشیده بودن صورت، انسان را از گرفتار شدن در زنا و فتنه باز می دارد، با ایشان موافقیم که حرام بودن نگاه شهوت آلود برای دور کردن انسان از ارتکاب چنین گناهی کافی است، ولی ما قبول نداریم که بیش تر نگاه ها شهوت آلود است. بنابراین، اگر بپذیریم که بیش تر نگاه ها چنین نیست، جایز دانستن. نگاه بدون قصد شهوت، چنین نگاهی را تأیید نمی کند؛ زیرا جایز نبودن بر اساس اصل نگاه است، نه لذت بردن و شهوت رانی. هم چنین این سخن که اخبار بیان کننده زینت برای تمثیل است، پذیرفتنی نیست؛ چون بعضی از آن ها مخصوص پرسش از عضو خاصی بوده که با وجود اختلاف در تفسیر «ما ظهر»، دلیلی بر حاصل نشدن اطمینان است. در مورد روایات با آیت اللّه حکیم موافقیم و ضعف در همه روایات را قبول نداریم.

ایشان در ادامه با اشاره به روایت برگردانیدن صورت فضل از خثعمیه به وسیله پیامبر می گوید این نگاه از نگاه هایی بوده که ترس فتنه در آن وجود داشته و این روایت از دلایل جواز است، نه از دلایل منع و این سخن مورد پذیرش است.

مفسران، وجه جمع بین ادله منع و ادله جواز را قول محقق و علامه

می دانند به دلیل حدیث نبوی که پیامبر فرمود:

لا تَتَّبِعْ اَلنَّظْرَهَ بِالنَّظْرَهِ قال الأُولی لک وَ الثانیهٌ علیک.(1)

نگاه دوم را پس از نگاه اول نیاور؛ زیرا نگاه اول برای توست و نگاه دوم بر ضد توست.

هم چنین در خبر کاهلی آمده است که ایشان فرمود: «اَلنَّظْرَهُ بَعْدَ النَّظْرَهِ تَزْرَعُ فی الْقَلْبِ الشَّهْوَهَ و کَفی بها لِصاحِبِها فِتْنهً.(2) نگاه پس از نگاه، بذر شهوت را در قلب می رویاند و برای انداختن صاحبش در فتنه کافی است.

آیت اللّه حکیم این جمع را قبول ندارد؛ چون وجه جمع بین دلیل منع و دلیل جواز، قصد است نه دفعه. این حرف پذیرفتنی است؛ زیرا شاید نگاه اول با قصد باشد، ولی به نظر علامه و محقق، اشکال ندارد. افزون بر این دو حدیث یاد شده، مجمل است و بعید نیست مراد از نگاه اول، نگاه غیر عمدی باشد.(3)

حضرت امام خمینی رحمه الله در تحریر الوسیله، پس از واجب دانستن پوشیده بودن شرمگاه انسان می نویسد: شرمگاه زن تمام بدن اوست به جز قسمتی از صورت که در وضو شسته می شود و دست ها تا مچ و پاها تا ساق. پوشانیدن قسمتی از اطراف مورد استثنا به خاطر مقدمه، واجب است.(4)

### زن در برابر چه کسانی باید بدن خود را بپوشاند؟

بر اساس آیات شریفه که پیش تر یادآور شدیم، زن می تواند در برابر شوهر تمام بدن خود را برهنه کند و در برابر محارم به جز ناف تا زانو را _



---

1- 1. همان، باب 104، ح 14.
2- 2. همان، ح 6.
3- 3. مستمسک العروه الوثقی، ج 5، ص 241.
4- 4. تحریر الوسیله، ج 1، مسأله 3.

بدون قصد شهوت _ لازم نیست، بپوشاند.

هم چنین لازم نیست، که زن بدن خود را از نگاه زنان مسلمان بپوشاند مگر شرمگاه که استثنا شده است.

در مورد نگاه زنان اهل کتاب آمده است که زن مسلمان نمی تواند بدن خود را در برابر دید آنان قرار دهد؛ زیرا آن ها آن چه را دیده اند برای شوهرانشان بازگو می کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

لا يَنْبغی لِلْمَرْأَهِ اَن تَنْكَشِفَ بَيْن يَدَی الْيهُوديَّهِ و النَّصرانِيهِ فإنَّهُنَّ يَصِفْنَ ذلک لِأزواجِهِنَّ.(1)

سزاوار نیست برای زن که حجاب خود را در حضور زن یهودی و نصرانی بردارد؛ چون این ها آن را برای همسرانشان توصیف می کنند.



---

1- 1. وسائل الشیعه، باب 98، ح 1.

سخن گفتن یکی از شیوه های رایج ارتباط و معاشرت است. حرام بودن صحبت کردن نیز مانند نگاه کردن به دست و صورت به قصد لذت و شهوت مشروط است.

مرحوم سید در مقدمات نکاح می نویسد:

در گوش دادن به صدای زن بیگانه اشکالی نیست مادامی که لذت و شهوت رانی در کار نباشد و در این حکم فرقی بین نابینا و بینا وجود ندارد. گرچه احتیاط در آن است که این کار در غیر ضرورت ترک شود. همان طوری که شنیدن صدای زن اجنبی برای مرد حرام است؛ برای زن هم حرام است صدای خود را که در آن تحریک و برانگیختن شهوت است به گوش مرد برساند.(1)

آیت اللّه العظمی خویی در تقریر مبانی مسأله، دلایل حرام بودن صحبت کردن با قصد لذت را این گونه بر می شمارد:

1 _ صدای زن مانند بدنش عورت است.

2 _ روایاتی که از آغاز کردن مرد به سلام بر زن نهی دارد.

ایشان در نقد دلایل یاد شده می گوید: این دو دلیل پذیرفتنی نیست. دلیل اول گرچه مشهور است، ولی روایتی در این مورد وجود ندارد. درباره دلیل دوم نیز باید گفت نهی در این روایات به جهت جایز نبودن شنیدن صدای زنان نیست، بلکه به جهت اظهار تمایل و دوستی مرد نسبت به زن



---

1- 1. عروه الوثقی، کتاب النکاح، مسأله 39.

است. اگر ممنوعیت به جهت اظهار محبت نبود و تنها به دلیل حرام بودن شنیدن صدای آن ها بود، بایستی نهی به جواب سلام تعلق می گرفت؛ زیرا مناسب تر این است که حرام بودن شنیدن صدای زن به دلیل نهی مرد از شروع کردن به سلام است.

ایشان ادامه می دهد: این روایت بر حرام بودن شنیدن صدای زن در صورتی که برای بیان محبت و دوستی نباشد، دلالت ندارد. بنابراین، مانعی نیست که به جواز ملتزم شویم؛ چون ادله حرمت ضعیف است. دلیل ما بر جواز بدین شرح است.

1. سیره قطعی و پیوسته به زمان معصوم. در آن زمان، زنان با مردان صحبت می کردند در عین حال که محرم نبودند و از طرف ائمه علیهم السلام نیز نهی نمی شدند.

2. در صحیحه عمار ساباطی آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: زنان چگونه سلام کنند وقتی بر عده ای وارد شدند؟

حضرت فرمود: «زن بگوید علیکم السلام و مرد بگوید السلام علیکم.»(1)

این روایت، سلام کردن زنان به مردان را جایز می داند. اگر صدای زن مانند بدن زن عورت بود یا به گونه ای بود که بلند کردن صدای زن کار حرامی بود، بر امام لازم بود که او را آگاه سازد که سلام کردن زن بر مردان جایز نیست. پس تقریر امام علیه السلام دلیل مشروعیت این کار است و روشن ساختن شیوه رفتار بهترین دلیل بر نبود حرمت آن کار است.



---

1- 1. وسائل الشیعه، باب 131، ح 4.

بنابر سخن خدای متعال «فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذی فی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفًا» (احزاب: 32) چیزی که زن از آن نهی شده، فروتنی در کلام است نه هرگونه صحبت کردن دیگر.

در ادامه، آیت اللّه العظمی خویی به بحث شهیدین در لمعه و شرح لمعه اشاره می کند شهید اول متعرض این فرع در کتاب نکاح نشده است، ولی در کتاب صلاه و در بحث چگونگی قرائت می نویسد: زن نباید صدایش را در نماز بلند کند و شهید ثانی می گوید: این حکم مختص به موردی است که صدای او به گوش نامحرم برسد و در غیر این صورت، زن می تواند نماز را بلند یا آهسته بخواند. در کتاب نکاح، عکس این مسأله بیان شده است؛ یعنی شنیدن صدای مرد بر زن حرام است مگر برای ضرورت. با وجود این که این فتوا از فتاوای عجیبی است که هیچ کس آن را ذکر نکرده، پس بطلان آن قطعی است. عجیب تر این که حاشیه نویسان لمعه نیز به این سخن پی نبرده اند و هیچ کدام از متأخرین به جز صاحب مستند متعرض آن نشده است. بنابراین، عبارت صحیح این است که حرام است زن، صدایش را به گوش مرد برساند مگر برای ضرورت.

آیت اللّه العظمی خویی در توضیح و تقریر استدلال مرحوم سید به آیه شریفه «و لا تخضعن بالقول» می نویسد: این آیه، حرام بودن بلند کردن صدای زن برای مرد را بیان می کند و اختصاص به زنان پیغمبر ندارد؛ زیرا این آیه در صدد بیان دو مطلب است:

الف) فضیلت زنان پیامبر بر دیگر زنان اگر تقوا داشته باشند.

ب) کیفیت و اسباب تقوا که عبارتند از:

1 _ خضوع نکردن در سخن گفتن؛ یعنی زن هنگام صحبت کردن نباید

فروتنی کند.

2 _ باقی ماندن در خانه و خارج نشدن از آن بدون ضرورت.

3 _ زینت آرایی و خودنمایی نکردن در جامعه اسلامی.

4 _ بر پاداشتن نماز و اهمیت دادن به آن.

5 _ پرداخت زکات و بخشیدن قسمتی از دارایی در راه خدا.

مطلب اول مختص زنان پیامبر است، ولی مطلب دوم اختصاص به آن ها ندارد و تمام زنان را شامل می شود؛ زیرا مواردی هم چون زینت آرایی نکردن، اقامه نماز و پرداخت زکات مختص زنان پیامبر نبود و دیگر زنان در این مسایل با آنان شریکند. پس خضوع در سخن که عبارت از نازک کردن و زیبا کردن صدا است برای همه زنان، حرام است.(1)

نتیجه

صحبت کردن زن و مرد مثل نگاه کردن به صورت و دست ها است. اگر با قصد لذت و شهوت رانی باشد، هم شنیدن صدای زن برای مرد حرام است و هم رسانیدن صدا به گوش مرد برای زن حرام است. در غیر این صورت، شنیدن صدای جنس مخالف یا رسانیدن صدا به گوش جنس مخالف جایز است.



---

1- 1. مبانی عروه الوثقی، ج 1، نکاح، ص 103.

دست دادن به زن بیگانه به دلایل زیر جایز نیست:

1 _ صحیحه ابی بصیر

ابی بصیر می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مصافحه مرد با زنی نامحرم چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود: جایز نیست مگر از روی لباس.(1)

2 _ صحیحه سماعه بن مهران

سماعه بن مهران می گوید: «از مصافحه کردن مرد با زن پرسیدم که امام صادق علیه السلام فرمود: حلال نیست مرد با زن مصافحه کند مگر زنی که ازدواج کردن با او حرام است که عبارتند از: خواهر، دختر، عمه، خاله، دختر خواهر و جز این ها. زنی که ازدواج با او برای مرد، حلال است مصافحه تنها از روی لباس باید باشد و نباید دست زن را فشار دهد».(2)

ظاهراً این حکم به مصافحه اختصاص ندارد، بلکه هر تماسی را شامل می شود؛ زیرا ویژگی خاصی در مصافحه وجود ندارد و علت این که در روایات از آن یاد شده این است که مورد ابتلا در خارج است. هم چنین روایت وارد شده درباره بیعت زنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وسیله فرو کردن دست درون ظرف آب بیانگر جایز نبودن مصافحه است.

افزون بر این، مرحوم شیخ می گوید: «وقتی نگاه کردن حرام باشد، به یقین لمس کردن حرام است و این مقتضی اولویت قطعی است که از عرف



---

1- 1. وسائل الشیعه، ج 14، باب 15، ح 1.
2- 2. همان، ح 2.

فهمیده می شود».(1)

گفتنی است بین جواز نگاه کردن و جواز لمس، ملازمه ای وجود ندارد؛ یعنی اگر بگوییم نگاه کردن به صورت و دست های بیگانه جایز است لمس آن جایز نیست مگر از روی لباس.

اگر درمان پزشکی به نگاه بدون لمس یا لمس بدون نگاه متوقف باشد، واجب است به چیزی بسنده شود که انسان به انجام آن مجبور است. پس جواز یکی به جواز دیگری بستگی ندارد.

به طور کلی در تماس فیزیکی، قصد لذت ملاک نیست، بلکه صرف این عمل اگر از روی عمد انجام پذیرد، از نظر شرع جایز نیست.



---

1- 1. مبانی عروه الوثقی، ج 1، ص 103.

## گفتار پنجم: بهره برداری جنسی

### اشاره

از نظر قرآن و روایات، هرگونه بهره برداری جنسی، به زن و شوهر اختصاص دارد و در غیر این صورت، حرام است و پی آمدهای دنیایی و آخرتی دارد. قرآن مجید با زناکار به سختی برخورد می کند و هیچ گونه رحم و عطوفتی را نسبت به زناکار جایز نمی داند. برای نمونه می فرماید:

الزّانِیَهُ وَ الزّانی فَاجْلِدُوا کُلَّ واحِدٍ مِنْهُما مِائَهَ جَلْدَهٍ وَ لا تَأْخُذْکُمْ بِهِما رَأْفَهٌ فی دینِ اللّهِ إِنْ کُنْتُمْ تُؤمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ لْیَشْهَدْ عَذابَهُما طائِفَهٌ مِنَ الْمُؤمِنینَ. (نور: 2)

هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو، شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید. هم چنین گروهی از مؤمنان باید مجازاتشان را ببینند.

فخر رازی در مورد تعبیر «و لا تاخذکم بهما رافّه»، روایتی نقل می کند که در آن به علت آشکار بودن کیفر مرد و زن زناکار اشاره شده است. به نظر وی، پس از ثابت شدن جرم، جامعه آلوده شده و زشتی گناه کم رنگ می شود. بنابراین، مجازات باید به گونه ای صورت پذیرد که آثار منفی گناه خنثی شود و شدت و دشواری گناه به حال خود باز گردد.

دلایل آشکار بودن کیفر از این قرار است:

الف) درس عبرتی برای همگان باشد.

ب) مجرم بیش تر شرمسار شود.

ج) قاضی به رشوه ستانی متهم نشود.

د) حضور جمع مانع زیاده روی در اجرای احکام است.(1)

در مورد این که چرا در این آیه شریفه، زانیه (زن زناکار) مقدم شده است، گفته اند:

الف) چون زنان از حُجب و حیای بیش تری برخوردارند، شکستن آن، دلالت بر سرکشی شدید آن ها دارد.(2)

ب) پی آمدهای این کار زشت، بیش تر دامن گیر زنان می شود.(3)

### پی آمدهای منفی ارتباط نامشروع در روایات

1 _ در روایت علی بن سوید تأکید شده است که زنا (بهره برداری غیرمجاز جنسی)، برکت را از میان می برد و دین را نابود می کند.(4)

2 _ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روایتی فرموده است:

«زنا پنج ویژگی دارد:

اول _ آبروی انسان را می برد (آبرو برای انسانِ شرافتمند، سرمایه بزرگی است که زندگی بدون آن مشکل خواهد شد).

دوم _ فقر می آورد.

سوم _ عمر را کوتاه می کند (اشاره ای است به بیماری مقاربتی که در بیش تر موارد نیز درمان ناپذیرند).

چهارم _ خداوند را خشمگین می کند (هر کاری که معصیت و نافرمانی



---

1- 1. تفسیر نمونه، ج 14، ص 358.
2- 2. مجمع البیان، ج 7 و 8 ، ص 197.
3- 3. همان، ص 364.
4- 4. وسائل الشیعه، ابواب النکاح المحرم، باب 1، ح 3.

خدا باشد، خشم و غضب خداوند را به دنبال می آورد).

پنجم _ آدمی را به درون آتش دوزخ می افکند و پناه می بریم به خدا از عذاب آتش».(1)

3 _ حضرت امام باقر علیه السلام نیز به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

زناکار در حالی که زنا می کند، مؤمن نیست. آری، هنگامی که زناکار، زنا می کند روح ایمان از او جدا می شود.(2)

دیگر آثار اجتماعی زنا بدین قرار است:

الف) پیدایش هرج و مرج در خانواده و جامعه.

ب) اشاعه انواع بیماری ها.

ج) سقط جنین و قطع نسل.

د) مبهم شدن رابطه پدر _ فرزندی.

ه) گسترش فساد و جنایت در جامعه.(3)

از مجموع آن چه در مباحث پیشین گفته شد، می توان مواردی از معاشرت های حلال را این گونه برشمرد:

1 _ نگاه به دست و صورت نامحرم بدون قصد لذت.

2 _ سخن گفتن زن با مرد و شنیدن صدای زن برای مرد.

3 _ بیرون رفتن از خانه اگر با حق شوهر و وظیفه تمکین، معارض



---

1- 1. همان، ح 6 .
2- 2. همان، ح 10.
3- 3. تفسیر نمونه، ج 12، ص 103 و ج 14، ص 366.

نباشد.

4 _ راه رفتن با نامحرم و همراه شدن با وی اگر به قصد لذت نباشد.

5 _ تجارت زن و مرد، گفت وگو و نگاه کردن و تنظیم قرارداد.

6 _ شرکت در مجالس و اجتماعات نظیر: نماز جمعه و جماعات، راه پیمایی و انتخابات.

7 _ حضور در مجامع علمی و آموزشی مانند: مدارس و دانشگاه ها.

8 _ انجام امور دینی در متن جامعه نظیر امر به معروف و نهی از منکر حتی نسبت به جنس مخالف با رعایت شرایط آن.

9 _ نگاه کردن و لمس کردن بدن زن و مرد برای جنس مخالف برای درمان.

10 _ نامه نگاری عادی یا رایانه ای و گفت وگوی تلفنی یا اینترنتی بدون انگیزه شهوانی.

در پایان اشاره می کنیم که در دیگر شیوه های معاشرت زن و مرد، همان اصل کلی رعایت شئون دینی و دور ماندن ارتباط از شایبه لذت جویی جنسی پا برجاست و هرگونه ارتباطی بدون درنظر گرفتن این موارد، جایز نیست.

ص:126

## فصل چهارم: همراه با برنامه سازان

### اشاره

ص:127

معاشرت و ضرورت ضابطه مند کردن آن(1)

معاشرت که به معنای هم صحبتی، همراهی و داشتن ارتباط با افراد جامعه است، به صورت یکی از ضرورت های اجتناب ناپذیر زندگی و جوامع مدرنیته درآمده که بدون آن انسان در انزوای کامل قرار می گیرد و از تکامل باز می ایستد. بدین ترتیب، آدمی نمی تواند به رشد و کمال در تمامی زمینه ها برسد و حتی نمی تواند ضروری ترین نیازهای زندگی خود را برآورده سازد.

آیا می توان در هر زمان و مکانی و درباره هر موضوعی، با افراد جامعه مصاحبت و معاشرت کرد؟ باید دانست این کار نیز مانند دیگر امور، شرایط و ضوابطی دارد که اگر در چارچوب آن شرایط و ضوابط قرار نگیرد، افزون بر این که خیری ندارد، زیان بار نیز هست.

بسیاری از بزه کاران، عامل اصلی بدبختی خود را داشتن دوست ناباب معرفی می کنند که بیانگر میزان اثر پذیری و اثرگذاری معاشرت در افکار، گفتار و رفتار انسان است. بدیهی است وقتی بحث معاشرت زن و مرد



---

1- 1. این فصل را آقای عباس عباس زاده نگاشته است.

مطرح می شود، مسأله از این هم پیچیده تر و حساس تر می شود؛ زیرا در این میان میل نیرومند جنسی خود را نشان می دهد، به گونه ای که اگر در شکل ارتباط و معاشرت، دقت و احتیاط لازم از سوی طرفین صورت نگیرد و روابط یاد شده بر اساس اصول، ضوابط و قواعد مشخصی نباشد، ممکن است آثار زیان باری برای افراد، خانواده و جامعه داشته باشد. پس ضروری است که شیوه ارتباط و معاشرت مردم به ویژه زن و مرد با بهره گیری از دو منبع عظیم الهی؛ قرآن و سنّت برّرسی شود تا با برخورداری از برکات این ارتباطات، آمار ناهنجاری های اخلاقی نیز کاهش یابد.

### دیدگاه های گوناگون درباره معاشرت

1 _ یک دیدگاه می کوشد زن را به عنوان چیز گران بها در اندرون خانه محبوس دارد؛ شیئی که نه تنها با تمکین خود، نیازهای جنسی مرد را برطرف می سازد، بلکه می تواند به عنوان یک خدمت کار، با سامان بخشیدن به دیگر اشیا خانه، نقش خود را در زیبا سازی خانه ایفا کند و مرد خانه نیز از این وضع مطلوب رضایت داشته باشد.

2 _ دیدگاه دیگر به عنوان یک مصلح می کوشد زن را از شی ء بودن نجات بخشد، ولی از آن جا که به عقل ناقص خود تکیه دارد، راه افراط می پیماید و بدون حساب و کتاب و ضوابط و قواعد مشخص، زن را به عرصه اجتماعی می کشاند. این دیدگاه در ارتباط زن و مرد، محدودیتی قایل نمی شود و او را از هر نظر با مرد مساوی می بیند. در این دیدگاه، زن در اثر روابط آزاد جنسی، به شخصی مبتذل تبدیل می شود که به دلیل دسترسی رایگان به آن، مرد توجه چندانی به آن نمی کند.

3 _ دیدگاه سوم که همان دیدگاه اسلام است، نه حاضر است زن را در خانه حبس کند و نه حاضر است به روابط آزاد تن دهد. اسلام از زن می خواهد که با تمکین از شوهر، در محیط خانه به عنوان یک شی ء گران بها باقی بماند و با حضور مؤثر در صحنه اجتماع و با رعایت متانت و عفاف، به عنوان یک فرد باشخصیت در جامعه مطرح باشد.

زنان نیمی از پیکر جامعه هستند که با محروم ساختن آنان از حضور در جامعه، نیم دیگر جامعه نیز قوّت و قدرت خود را برای حضور در زندگی از دست می دهد. آیا می توان زن را به بهانه آزادی و برابری حقوق زن و مرد، به صحنه اجتماع کشاند و آن چنان او را به کارهای اقتصادی و تولیدی وا داشت که هویت اصیل خود را به عنوان یک انسان به فراموشی بسپارد و ارزش وجودی خود را از دست دهد. باری، بدین گونه زن از مادر شدن و همسر بودن خود چنان غافل خواهد ماند که گویا در برابر هیچ کس مسئولیتی ندارد و تنها ابزاری است در دست سرمایه داران که می بایست روحیه مصرف را تبلیغ کند یا در هتل ها، مشتری جلب کند.

آیا این دو دیدگاه، ستم به زن و مرد و فرزندان آنان و بنیان خانواده و اجتماع نیست؟ چه کسی پاسخ گوی آثار زیان بار این دیدگاه های افراطی و تفریطی است؟ آیا متن جامعه را می توان با یک آزمایشگاه مقایسه کرد که در صورت مثبت نبودن فرضیه های خود، تنها چند گرم گوگرد از دست داده باشیم؟ آیا وقت آن فرا نرسیده است که به پیام وحی پناه ببریم و بایدها و نبایدهای خود را از خالق آسمان ها و زمین بگیریم؟!

### معاشرت و رسانه

یکی از ویژگی های عصر حاضر، گسترش ابزار پیشرفته ارتباطی است که قدرت انسان را برای تماس و برقراری ارتباط با هم نوعانش افزایش

داده است. رسانه ها، زمان، مکان، فاصله ها و مرزهای جغرافیایی را نیز درنوردیده اند.

با نگاهی گذرا به رسانه های جهان خواهیم دید که دشمن فرهنگی از این وسیله ها برای تبلیغ و ترویج بی بندوباری های جنسی که عامل مهمی برای انحراف نسل انسان هاست، استفاده می کند. در این میان، از زن به عنوان یک موجود زیبا، ظریف و تأثیرگذار در مرد، استفاده ابزاری می شود.

سردمداران غرب با بهره گیری از ابزارهای گوناگون تبلیغاتی و برای ارزش زدایی از جوامع اسلامی، فرهنگ بی حجابی و اختلاط زن و مرد را رواج می دهند. برای آن که به میزان توجه آنان برای تقابل با اسلام در این گونه تبلیغات پی ببریم، بد نیست بدانید که آنان در فیلم ها و سریال های خود می کوشند بیش تر به مسأله ارتباط جنسی زنان و مردان بپردازند. این مسأله با روح اسلام و قوانین دینی به کلی متناقض است، بلکه نمایش دادن چنین صحنه هایی به خاطر ناسازگاری آن با ذهنیّت مسلمانان، در به فساد کشیدن نسل جوان جوامع اسلامی مؤثرتر خواهد بود.

رسالت رسانه های همگانی به ویژه صداوسیما در ارتقای فرهنگ عمومی جامعه و آموزش اصول ارتباط و معاشرت را از دو زاویه می توان بررسی کرد:

1 _ کارمندان و کارکنان صداوسیما اعم از زن و مرد که به عنوان همکار با همدیگر ارتباط دایمی دارند، باید به عنوان یک فرد مسلمان، احکام اسلامی را در معاشرت های خود مانند: نگاه، حجاب و گفت وگو، رعایت کنند. از آن جا که این سازمان مکلف به تولید فیلم، سریال و برنامه های

گوناگونی است که در هریک از آن ها، برخورد و همکاری افراد گوناگون با ویژگی های متفاوتِ سنّی، جنسی و تخصصی، در مدت طولانی و با نقش های متنوع پیش می آید، همه دست اندرکاران این برنامه ها باید به وظایف شرعی و الهی خود کاملاً آشنا باشند تا بتوانند با رعایت احکام الهی، وظیفه خود را به خوبی انجام دهند.

2 _ این سازمان، دانشگاهی بزرگ و عمومی است که مسئولیت تعلیم و تربیت قشرهای گوناگون جامعه و اشاعه فرهنگ اسلامی را بر عهده دارد. این سازمان باید با تولید برنامه های مناسب، هنجارها و ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی را به مردم بشناساند و ارزش ها را در متن جامعه و برای افراد آن نهادینه کند. با توجه به تأثیر شگرف این برنامه ها و فیلم ها بر افکار مردم، ساختار ارتباط و معاشرت در آن ها باید به گونه ای باشد که ارتباط صحیح را به افراد جامعه القا کند و به هیچ عنوان بدآموزی نداشته باشد.(1)

اگر در یک فیلم یا سریال، گفت وگو یا صحنه ای با موازین شرعی منطبق نبود یا مخالف شریعت باشد، نه تنها به شخصیت فردی بازیگران، لطمه می زند، بلکه به اخلاق فردی و اجتماعی جامعه نیز آسیب می رساند. از این رو، بر نویسندگان و کارگردانان، لازم است که در این گونه موارد، حساسیّت داشته و مراقبت های لازم را انجام دهند.

باید توجه داشت این مسأله همان گونه که در تحلیل حرام مطرح است،



---

1- 1. مثلاً برنامه هایی که مسأله استیذان فرزندان در ورود به خلوت زن و مرد و برعکس را مطرح می کند، برنامه هایی که محارم نسبی، رضاعی و سببی را تبیین می کند و برنامه هایی که روابط پنهانی دختر و پسر را به شدت تقبیح کند و... .

در تحریم حلال نیز پیش می آید؛ زیرا تحلیل حرام، مفاسد را به دنبال دارد و تحریم حلال، مصالح را از جامعه دور می سازد.

احکام شرعی معاشرت و رسانه

هنگام تهیه و تولید یک برنامه باید توجه داشت که آیا موضوع آن واقعی و مستند است یا مانند رمان، محصول تخیل نویسنده است و آیا اسلام نسبت به این موضوع حکم خاصی دارد؟

اگر واقعی است، آیا می توان آن را به همان صورت که رخ داده است، به نمایش گذاشت بی آن که از جذابیّت آن کاسته شود؟ آیا کارگردان برای جذابیّت بیش تر فیلم و پر کردن کاستی ها و مجهولات داستان باید مطالبی را از خود به آن بیفزاید یا کم کند؟ در صورت اول، باید دقت کرد که نقل خود واقعیت به مصلحت جامعه است یا مفسده ایجاد می کند و نوعی اشاعه فحشا است. در صورت دوم نیز باید بررسی شود که آیا این کم و زیاد کردن، تحریف واقعیت به شمار نمی آید و اگر تحریف واقعیت است، آیا عقلا به این مقدار از تحریف، اعتنا می کنند یا از آن چشم می پوشند؟

اگر موضوع مبتنی بر تخیّل نویسنده است، آیا در اصلاح فرد و جامعه نقش دارد؟

در ساختار تهیه فیلم باید به شیوه معاشرت زن و مرد و اختلاط آن ها، میزان پوشش و حجاب، شباهت به شخص یا شخصیّت دیگر، فرض زوجیّت، نگاه به نامحرم، گفت وگو با نامحرم، آرایش و گریم و صدها مسأله دیگر توجه کرد که هم برای بازیگران و دست اندرکاران فیلم و هم برای بینندگان مطرح بوده و در نتیجه گیری از آن فیلم نیز مؤثر است. درباره

فیلم های کمدی نیز این پرسش مطرح است که آیا برای شادمانی مؤمن می توان دیگران را به تمسخر گرفت یا شخصیت خود را با انجام برخی کارها سبک کرد؟ !

هم چنین موسیقی یکی دیگر از ابزار مهم در جذب تماشاگران و القای حالت ها و احساسات خاصی به آنان به شمار می آید.



اگر بخواهیم عملکرد رسانه ها را در تاریخ ایران مورد بررسی قرار دهیم باید بگوییم که متأسفانه مظاهر تمدن و وسایل صنعتی و انواع هنرها به عنوان ابزاری برای اشاعه فساد و فحشا وارد جامعه اسلامی شده که این کار مورد نکوهش و سرزنش عالمان دینی قرار گرفته است.

تلاش بازیگران مسلمان پس از انقلاب نشان داد که صنعت سینما و تلویزیون و هنر نمایش به عنوان ابزاری نیرومند و تأثیرگذار می تواند در خدمت آموزه های اسلام باشد و برنامه های خوبی برای تعلیم و تربیت نسل نو ارایه دهد، به گونه ای که با تکیه بر فطرت پاکِ انسان ها و دوری از پیرایه های مادی، اسلام ناب را به جهانیان عرضه کند و بر همه فرهنگ ها چیره شود.

امروز ما شاهد هستیم که در سیمای جمهوری اسلامی ایران، تلاش می شود زنان حجاب و پوشش را رعایت و مردان، نگاه خود را کنترل کنند. بازیگران زن نیز در گفت وگوهای خود تلاش می کنند تا لحنی نداشته باشند که افراد بیماردل و آلوده را تحریک کنند. مفاسدی که امروزه در هنر هفتم جهان رواج دارد و زیان های زیادی را برای افراد، خانواده و جامعه به دنبال

می آوردند. موضوع فیلم ها و سریال ها، آموزنده است. مسئولان رسانه در تلاشند تا ساختار فیلم ها بر اساس موازین شرعی باشد و حضور زن در عرصه فیلم و سینما، کرامت او را از بین نبرد، بلکه به آن جلای بیش تری بخشد. در صدا و سیمای جمهوری اسلامی، زن به خانه و خانواده تعلق دارد و پس از انجام وظایف خود در برابر فرزندان و همسر و با نهایت وقار و متانت در عرصه های گوناگون علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دوشادوش مردان به فعالیت می پردازد. هرچند هنرمندان ما تلاش زیادی در این عرصه انجام داده اند، ولی هم چنان باید کوشید تا کمبودهای باقی مانده نیز برطرف شود و افراط و تفریط ها جای خود را به اعتدال بدهد. باید پذیرفت که وضعیت کنونی ما با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد. چنان چه در مورد معاشرت، نگاه، پوشش و حجاب، گفت وگو، آرایش، گریم و مسایل دیگر، سهل انگاری شود نه تنها بازیگران، بلکه جامعه را نیزبه فساد و بی بندوباری می کشاند و زمینه را برای بهره وری و بهره کشی بیگانگان فراهم می آورد. هم چنین اگر سخت گیری های خشک و واپس گرایانه در تولید برنامه های صدا و سیمای جمهوری اسلامی در دستور کار قرار گیرد، چهره ای نازیبا از اسلام و فرهنگ ایرانی به نمایش می گذارد.

نمونه ای از این کوتاهی ها، نشان دادن فیلم هایی است که زن در خانه حبس شده و به عنوان یک خدمت کار خوب و گوش به فرمان ایفای نقش می کند و حق بیرون رفتن از خانه را ندارد یا در روستاها اجازه سوادآموزی را به او نمی دهند یا فیلم هایی که انجام همه کارهای خانه مانند: آشپزی، نظافت، شست وشو، نگهداری از بچه، خیاطی و پذیرایی از میهمان و حتی

کار در مزرعه و مراقبت از دام را از وظایف زن معرفی می کنند. آن هم به گونه ای که اگر در انجام آن ها کوتاهی کند، مرد حق اعمال خشونت و برخورد توهین آمیز و حتی طلاق را دارد. نمونه دیگر رفتار هنرمندانی است که از آوردن نام همسر خویش ابا دارند، به خواستگار دخترشان نه تنها اجازه نگاه، بلکه اجازه گفت وگو کردن را نیز نمی دهند یا به زن دستور می دهند وجه و کفین خود را کاملاً بپوشاند، ولی روابط پنهانی دختر و پسران را به تصویر می کشند.

به نظر شما برداشت یک بیننده خارجی از این صحنه ها چیست؟ آیا به جز رهنمون ساختن وی به یک تحلیل نادرست از فرهنگ اسلام و ایران، نتیجه دیگری دارد؟

این در حالی است که از نظر اسلام، زن می تواند در متن جامعه حضوری فعال و چشم گیر داشته باشد. هم چنین وی می تواند از انجام کارهای خانه خودداری ورزد یا در برابر انجام آن و حتی برای شیردادن به نوزاد خود، دستمزد بخواهد. افزون بر آن در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در گفت وگوهایشان با اصحاب، نام همسران خود را به صراحت بیان می کردند. هم چنین در فرهنگ اسلامی، هر خواستگاری می تواند با دختر مورد نظر خود برای ازدواج گفت وگو کند و هیچ مانعی ندارد.

امروزه که جامعه کمونیستی شرق متلاشی و جامعه سرمایه داری غرب دچار مشکلات و عوارض شده، بستر مناسبی برای رشد دین و معنویت در عرصه جهانی فراهم آمده است. گسترش آموزه های انقلاب اسلامی ایران نیز بر این روند سرعت بخشیده و خود در رأس قطب معنوی در مقابل جهان مادی گرا تبلور یافته است.

همین موضوع، رسالت دست اندرکاران صداوسیما را بسیار سنگین کرده و شایسته است که با تولید فرآورده های مناسب هنری، جامعه اسلامی ما را از تهاجم فرهنگی غرب در امان نگاه دارند و با ارایه الگوی مناسب از ارتباط و معاشرت زن و مرد، نشان دهند که یک زن مسلمان چگونه می تواند با حفظ حریم خانواده و انجام وظایف مادری و همسری، در عرصه اجتماع نیز حضور یابد و با امنیت خاطر، نتیجه کار خود را در اختیار جامعه قرار دهد. نگاهی به واقعیت های اجتماعی، گواه بر این سخنان است. آمار دختران راه یافته به دانشگاه از پسران بیش تر است، به گونه ای که گاه به 65 درصد نیز می رسد. آمار کارمندان زن اعم از پرستاران، آموزگاران و کارگران به ویژه در محیط های اختصاصی زنان افزایش یافته است. هم چنین امروزه شاهد حضور زنان در مجلس و مدیریت های کلان، تنظیم برنامه های توسعه، امور اجرایی، محیط های دانشگاهی و حوزوی و هم چنین فعالیت دختران در همه رشته های علمی، هنری و ورزشی چه در داخل و چه در خارج کشور، هستیم.

## پیشنهادهای کلی

فیلم های خارجی و حتی مستند با موضوع های اجتماعی نوعی از معاشرت را که با فرهنگ اصیل اسلامی مغایرت دارند، القا می کند. نقد و بررسی دقیق آثار منفی معاشرت آزاد زن و مرد و راه های جلوگیری از آسیب پذیری آن از اصلی ترین و مهم ترین وظایف برنامه ریزان در سطح کلان به شمار می رود.

از آن جا که یکی از آسیب های مهم معاشرت، به غریزه جنسی برمی گردد و غریزه جنسی، میل نیرومندی است که می تواند بر همه زاویه های زندگی اثر بگذارد، بررسی آثار آزادی جنسی، در جامعه غربی مفید و مؤثر خواهدبود.

از سوی دیگر، این مسأله با مسایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی مرتبط است که اگر جدی گرفته نشود، بر همه آن ها اثر منفی می گذارد و آسیب های جبران ناپذیری بر پیکر اجتماع وارد می سازد. نظام سلطه با استفاده از زن و معاشرت و روابط آزاد او با مرد می خواهد فرهنگ اسلامی را از بین ببرد، به ارزش زدایی در جامعه اسلامی بپردازد و مصرف گرایی را در جامعه تشدید کند.

با توجه به مطالب گذشته، موارد زیر پیشنهاد می شود:

1. رسانه باید مدافع راهی باشد که اسلام آن را پیشنهاد می کند و می گوید نه از انسان بودن زن غافل باشید و نه از زن بودن او. برای این منظور، باید با تأکید بر انسان بودن زن، به تفاوت های تکوینی و تشریعی زن و مرد توجه داشته باشیم و به همان تناسب، حقوق و وظایف هر یک را

تبیین کنیم تا هریک در جایگاه خود قرار گیرند و ارتباط سالمی در کانون خانواده با محارم و در متن جامعه با نامحرمان داشته باشند.

2. رسانه باید بدون افراط و تفریط، پدیده حجاب را تبیین و از حریم آن دفاع کند. حجاب، نه وجوب پوشاندن دست و صورت است و نه باز گذاشتن قسمت های دیگر بدن. جهانیان وقتی حقانیت حجاب را از ما می پذیرند که آثار مثبت آن را در زوایای زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی زن به روشنی ترسیم و تجربه کنیم.

3. رسانه باید به مسأله نگاه نیز بپردازد و نگاه شیطانی را که یک جوان هوس باز دارد، از نگاه رحمانی که یک معلم دلسوز از خود نشان می دهد، برای جامعه تمیز دهد، به گونه ای که مردم اعم از زن و مرد بپذیرند که با نگاه های هوس آلود نمی توان ادعای پاسداری از حرمت و کرامت انسان را داشت.

4. برنامه ریزان باید برای پیش گیری از آسیب های معاشرت، فرهنگ سازی کنند.

5. رسانه باید با تولید برنامه های مناسب به ارتقای فرهنگ عمومی، تقویت بنیادهای اخلاقی و ایمانی و امنیت زنان یاری رساند.

6. شایسته است رسانه با پدیده تشبّه زن و مرد به یکدیگر در زمینه لباس و پیروی از مُدها و مظاهر غربی به عنوان یک ضد ارزش، مبارزه کند.

7. رسانه باید به تبیین فلسفه احکام اسلامی در زمینه حجاب و ریشه یابی روانی روابط پنهانی دختر و پسر در جامعه بپردازد.

ص:139

پیشنهادهای برنامه ای

1 _ ساختن فیلم های سینمایی یا مجموعه های داستانی برای آموزش آثار مثبت و منفی رعایت یا زیر پا گذاشتن حدود شرعی و ارتباط صحیح و منطقی جنس مخالف در جامعه به نسل جوان.

2 _ تهیه فیلم های مستند اجتماعی از حضور دختران و زنان موفقی که با رعایت عفاف و وقار و متانت، در عرصه های گوناگون اجتماعی به انجام وظایف اجتماعی خود می پردازند.

3 _ برنامه سازی درباره زندگی زنان بزرگ تاریخ و معاصر از نگاه مثبت نظیر: فاطمه زهرا علیهاالسلام، حضرت مریم، آسیه، حضرت زینب کبری علیهاالسلام، بلقیس و... از نگاه منفی نظیر: همسر نوح، همسر لوط، همسر ابولهب و زلیخا.

4 _ به تصویر کشیدن نقش زنان در انقلاب شکوهمند اسلامی و دفاع جانانه از آن در طول 8 سال دفاع مقدس.

5 _ برپایی میزگرد با حضور کارشناسان و دانشمندان زن و مرد مسلمان برای پاسخ گویی به شبهه های موجود در زمینه احکام اجتماعی معاشرت زن و مرد.

6 _ بررسی پرونده های دادگاه های عمومی و خانواده که به پی آمدهای روابط ناسالم اجتماعی میان دو جنس مخالف می پردازد تا جایی که بدآموزی نداشته و مصداق اشاعه فحشا و منکرات نباشد.

7 _ برگزاری جلسه پرسش و پاسخ دختران و پسران با کارشناسان و آسیب شناسان اجتماعی درباره مسایل و مشکلات جوانان در ارتباط با جنس مخالف.

ص:140

8 _ بررسی پی آمدهای منفی رابطه آزاد زن و مرد در کشورهای غربی و گفت وگو با زنان و مردان تازه مسلمان کشورهای اروپایی درباره وضعیت ارتباط اجتماعی زن و مرد در آن جوامع.

پرسش های مردمی

1 _ آیا جوانان می دانند که سعادت انسان در برقراری روابط صحیح و منطقی با دیگران است و انزوا طلبی مانع رشد و پیشرفت هرکس و هر جمعی می شود؟

2 _ آیا جوانان از پی آمدهای منفی معاشرت های غیر شرعی و غیر اخلاقی به خوبی آگاهند؟

3 _ معمولاً دختران و پسران ما تا چه اندازه با آداب معاشرت آشنایی دارند؟

4 _ محدوده روابط زن و مرد در جامعه کنونی ما چه میزان است؟ آیا مطلوب است یا باید کم و زیاد شود؟

5 _ زن و مرد ترجیح می دهند جنس مخالفشان درباره آنان چگونه بیندیشد و چه رفتاری پیشه کند؟

6 _ در تعامل بین زن و مرد معمولاً نظر و خواست کدام یک بر دیگری مقدم می شود؟

7 _ آیا روش معاشرت بین زن و مرد در جامعه بر کاهش یا افزایش آمار طلاق تأثیرگذار است؟ چه گونه؟

8 _ آیا مسأله معاشرت و حُسن روابط در بهبودی بیماری های جسمی و روحی تأثیر مثبتی دارد؟

9 _ آیا زنان در ارتباط خود با مردان مورد آزار، تحقیر، توهین یا خشونت قرار می گیرند؟

10 _ آیا در ارتباط با جنس مخالف دچار دلهره یا ترس می شوید؟

11 _ آیا زنان ترجیح می دهند بیش تر وقت خود را به مسایل خانواده و تربیت فرزندان و شوهرداری بپردازند و با محارم خود ارتباط داشته باشند یا در جامعه به فعالیت های سیاسی و اجتماعی بپردازند؟

12 _ نظر شما درباره حجاب چیست؟ آیا حدود شرعی آن را می پسندید و رعایت همین حدود، مانع فعالیت های اجتماعی شما نیست؟!

13 _ آیا جداسازی جایگاه زن و مرد در دانشگاه ها، اتوبوس ها و... توانسته است به حلّ برخی مشکلات زنان کمک کند؟

14 _ روابط پنهانی دختران و پسران به سود آنان است یا به زیان شان؟ پی آمدهای فردی و اجتماعی آن چیست؟

پرسش های کارشناسی

1_ آیا سن تکلیف دختران و پسران با قدرت درک و فهم تکالیف شرعی هم چون نگاه، حجاب و مسایل اجتماعی و روانی معاشرت مطابقت دارد یا نه؟

2_ آیا حدود شرعی اسلام در زمینه معاشرت زن و مرد، گسترش فعالیت های سینمایی و رادیو و تلویزیونی را اجازه می دهد یا مانعی بر سر راه رشد و توسعه آن به شمار می آید؟

3_ آیا حدود شرعی با تفاوت های جسمی وروحی زن و مرد تطابق دارد

ص:142

یا نه؟ آیا زنان با روحیه ای که دارند، می توانند زینت خود را بپوشانند و مردان می توانند نگاه خود را کنترل کنند یا نه؟

4_ آیا می توانیم فلسفه همه احکامی را که حدود ارتباط و معاشرت بین زن و مرد را تعیین می کند، به دست آوریم؟ اگر پاسخ منفی است، وظیفه ما در برابر آن ها چیست؟

5 _ ارتباط زن و مرد به عنوان زن وشوهر یا به عنوان محارم یا نامحرم چگونه باید باشد؟ فلسفه مرزبندی های شرعی بین زن و مرد چیست؟

6 _ روابط پنهانی دختر و پسر در ایران به صورت دیدار، نامه نویسی یا گفت وگوی تلفنی و اینترنتی معلول چیست؟

کتاب شناسی

1 - حجاب، مقدس ترین وسیله استحکام، سید محمدتقی حشمت الواعظین.

2 - زن موجود ناشناخته، علویه شکرانی.

3 - حقوق زن در اسلام و اروپا، حسن صدر.

4 - هنر زن بودن، دکتر علی پریور.

5 - قدرت و مقام زن، غلامرضا انصاف پور.

6 - چهره زن در آینه فقاهت، مرتضی فهیم کرمانی.

7 - چهره زن در آینه تاریخ اسلام، مرتضی فهیم کرمانی.

8 - قرآن و مقام زن، سید علی کمالی

9 - روشن فکر و روشن فکرنما، داود الهامی.

10 - حجاب در عصر حاضر، محمد رضا اکبری.

11 - حقوق زن در اسلام و جهان، دکتر یحیی نوری.

12 - روان شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، و. د. کوچتکف، و. م. (اپیک (روان شناسان بزرگ شوروی))، ترجمه: محمد تقی زاد.

13 - زن یا نیمی از پیکر اجتماع، محمد تقی مصباح یزدی.

14 - تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، علی اصغر احمدی.

ص:144

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

1 _ آمدی، عبدالاحد. غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: محمدعلی انصاری، سازمان چاپ و صحافی دارالکتاب، قم، (بی تا).

2 _ ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. مقدمه ابن خلدون، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1408 ه . ق / 1988 م.

3 _ ابن منظور. لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، مؤسسه التاریخ العربی،بیروت، 1412 ه . ق / 1992 م.

4 _ اشتهاردی، ابوالقاسم، الحجاب فی الاسلام، بی نا، بی تا.

5 _ بانوی اصفهانی، امین. کنزالعرفان، نهضت زنان مسلمان، تهران، 1361.

6 _ جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن الحسن. جلاءالاذهان و جلاء الاحزان (گاژُر)، چاپ خانه دانشگاه، تهران، 1337.

7 _ جزری، عبدالرحمن. الفقه علی مذاهب الاربعه، چاپ اول، دارالفکر، بیروت، 1417 ه . ق / 1996 م.

8 _ جعفری، محمدتقی. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ اول، بی نا، تهران، 1357.

9 _ جلالی، محمدحسین. آداب معاشرت، ترجمه و تحقیق: جواد بیات و محمد آذربایجانی، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، 1372.

10 _ جوادی آملی، عبداللّه. زن در آیینه جلال و جمال، چاپ اول، مرکز نشر فرهنگ رجا، تهران، 1369.

11 _ حایری شیرازی، محی الدین. تمثیلات، چاپ سوم، شفق، قم، 1373.

12 _ حسینیان، روح اللّه. حریم حجاب، چاپ چهارم، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، 1376.

13 _ حقی البروسوی، اسماعیل. تفسیر روح البیان، چاپ هفتم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1405 ه . ق / 1989 م.

14 _ ______________________________ . روح المعانی، چاپ هفتم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1405 ه . ق / 1989 م.

15 _ حکیم، سیدمحسن. مستمسک العروه الوثقی، چاپ اول، مؤسسه دارالتقریر، قم، 1347.

16 _ حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تحقیق: حسن حسن زاده آملی، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین، قم، 1363.

17 _ حلی، نجم الدین جعفربن حسن. شرایع الاسلام، چاپ اول، کلیه الفقه، نجف اشرف، 1389 ه . ق / 1969 م.

18 _ حمیری، عبداللّه بن جعفر. قرب الاسناد، چاپ اول، مؤسسه آل البیت، قم، 1413 ه . ق.

19 _ حویفری، عبدعلی بن جمعه. العربی و نورالثقلین، تصحیح و تعلیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، اسماعیلیان، قم، 1382 ه . ق.

20 _ خوری شرتوتی، سعید. اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد، بی نا، بی تا.

21 _ خویی، سیدابوالقاسم. توضیح المسائل، چاپ هفتم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1392 ه . ق.

22 _ خویی، محمدتقی. مبانی العروه الوثقی، منشورات مدرسه دارالعلم، نجف اشرف، 1404 ه . ق.

23 _ دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا، چاپ اول (دوره جدید)، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، 1372.

24 _ رفیع پور، فرامرز. آناتومی جامعه (مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی)، چاپ اول، تهران، 1377.

25 _ زینو، محمدبن جمیل. توجیهات الاسلامیه لاصلاح الفرد و المجتمع، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف و الدعوه و الارشاد موسسه ابراهیم بن عبدالعزیز،ریاض، 1418 ه . ق.

26 _ سعیدیان، عبدالحسین. دائره المعارف، چاپ هفتم، سازمان چاپ و انتشارات محمدعلی علمی، تهران، 1349.

27 _ سیاح. فرهنگ بزرگ جامع نوین، چاپ هجدهم، انتشارات اسلامی، تهران، 1375.

28 _ سیدبن طاووس، رضی الدین علی بن موسی بن جعفر. اقبال، بی نا، بی تا.

29 _ سیدقطب. فی ظلال القرآن، چاپ دوازدهم، دارالشروق، بیروت، 1986 م.

ص:146

30 _ شریف لاهیجی، بهاءالدین محمدبن شیخعلی. تفسیر شریف لاهیجی، تصحیح: محمدابراهیم، انتشارات کتب ایران، تهران، 1347.

31 _ شکوری، ابوالفضل. فرهنگ رجال و مشاهیر، چاپ اول، انتشارات علامه، قم، 1377.

32 _ شهیدی، سیدجعفر. ترجمه نهج البلاغه، چاپ هشتم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، 1374.

33 _ شیخ صدوق، علی بن الحسین بابویه. من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ سوم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، 1414 ه . ق.

34 _ طباطبایی، سیدمحسن. مستمسک العروه الوثقی، چاپ اول، مؤسسه دارالتقریر، قم، 1374.

35 _ طباطبایی، سیدمحمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1393 ه . ق / 1973 م.

36 _ طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم. عروه الوثقی، چاپ اول، الدارالاسلامیه، بیروت، 1410 ه . ق / 1990 م.

37 _ طبرسی، شیخ ابی علی فضل بن الحسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، دارالمعرفه، بیروت، 1406 ه . ق / 1986 م.

38 _ طوسی، محمدبن الحسن بن علی، خلاف، چاپ دوم، بی نا، 1382 ه . ق.

39 _ طیفور، احمدبن ابی طاهر. بلاغات النساء، انتشارات شریف رضی، قم، بی تا.

40 _ عاملی، شیخ حر. وسائل الشیعه، تصحیح: عبدالرحیم ربانی شیرازی؛ چاپ ششم، مکتبه الاسلامیه، تهران، بی تا.

41 _ عمید، حسن. فرهنگ عمید، چاپ سوم، انتشارات جاوید، تهران، 1347.

42 _ فرید وجدی، محمد. دائره المعارف القرن العشرین، چاپ سوم، دارالمعرفه، 1971 م.

43 _ فلسفی، محمدتقی. کودک از نظر وراثت و تربیت، چاپ پانزدهم، هیأت نشر معارف اسلامی، تهران، 1353.

44 _ فیض کاشانی. تفسیر صافی، چاپ اول، دارالمرتضی للنشر، مشهد، بی تا.

45 _ قطب، محمد. جاهلیت قرن بیستم، ترجمه: صدرالدین بلاغی، چاپ چهارم، امیرکبیر، تهران، 1360.

46 _ قمی، شیخ عباس. نفس المهموم، تحقیق: رضا استادی، مکتبه بصیرتی، قم،1405 ه . ق.

47 _ قمی، عبداللّه بن جعفر حمیری. قرب الاسناد، مکتبه نینوا لحدیثه، تهران، بی تا.

48 _ قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر قمی، تصحیح: سیدطیب جزایری، مکتبه المهدی، نجف اشرف، 1387 ه . ق.

49 _ قمی مشهدی، شیخ محمدبن محمدرضا. تفسیر کنزالدقائق، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، 1366.

50 _ قیومی اصفهانی، شیخ جواد. صحیفه الامام المهدی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، 1375.

51 _ کاشانی، ملا فتح اللّه. منهج الصادقین، چاپ سوم، کتاب فروشی اسلامیه، تهران، 1364.

52 _ کلینی، محمدبن یعقوب. اصول کافی، ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اهل البیت علیه السلام ، تهران، بی تا.

53 _ ________________________________ . الفروغ من الکافی، چاپ سوم، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، 1367.

54 _ ________________________________ . کافی، تصحیح و تعلیق. علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، دارصعب، دارالتعارف، بیروت، 1401 ه . ق.

55 _ گوستاولوبون. تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، چاپ چهارم، بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی، 1334.

56 _ مجلسی، محمدتقی. بحارالانوار، چاپ دوم، دارالاحیاء التراث العربی، موسسه الوفاء، بیروت، 1403 ه . ق / 1982 م.

57 _ محمدی آشنایی، علی. حجاب در ادیان الهی، چاپ دوم، نشر یاقوت، قم، 1378.

58 _ محمدی اشتهاردی، محمد. زنان مردآفرین تاریخ، چاپ دوم، انتشارات نبوی، تهران، 1376.

59 _ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی رحمه الله)، شرکت سهامی چاپ خانه وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1361.

60 _ مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی مدیریت مطالعات اسلام. فمینیسم (بولتن مرجع 4)، تهران، انتشارات بین المللی المهدی، 1378.

ص:148

61 _ مصاحب، غلام حسین. دایره المعارف فارسی، انتشارات فرانکلین، تهران، 1345.

62 _ مصباح یزدی، محمدتقی. تهاجم فرهنگی، تحقیق و نگارش: عبدالجواد ابراهیمی، چاپ اول، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله؛ قم، 1376.

63 _ مطهری، مرتضی. مسأله حجاب، چاپ پنجاه و دوم، انتشارات صدرا، تهران، 1379.

64 _ ___________________________ . نظام حقوق زن در اسلام، چاپ بیست و هشتم، صدرا، تهران، 1379.

65 _ معین، محمد. فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، امیرکبیر، تهران، 1360.

66 _ مغنیه، محمدجواد. الکاشف.

67 _ مقدم، محمدبن احمدبن اسماعیل. الحجاب لماذا؟، چاپ دوم، دارطیبه، مکه مکرمه، 1316 ه . ق / 1995 م.

68 _ مقری فیومی، احمدبن محمدبن علی. مصباح المنیر، چاپ اول، دارالهجره، قم، 1405 ه . ق.

69 _ مکارم شیرازی، ناصر (و دیگران). تفسیر نمونه، چاپ هشتم، دارالکتب الاسلامیه، قم، 1369.

70 _ مکنون، ثریا و مریم صانع پور. بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام،چاپ دوم، سازمان تبلیغات اسلامی، 1374.

71 _ مکی، حسین. تاریخ بیست ساله ایران، چاپ اول، انتشارات علمی، 1363.

72 _ موسوی خمینی، سید روح اللّه. تحریرالوسیله، چاپ دوم، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، قم، بی تا.

73 _ مهریزی، مهدی. زن، چاپ اول، نشر خرم، قم، 1377.

74 _ نجفی، محمدحسن. جواهرالکلام، چاپ هفتم، دارالکتب الاسلامیه، تهران،1392 ه . ق.

75 _ نوری، میرزا حسین. مستدرک الوسائل، چاپ اول، تحقیق و نشر مؤسسه آل البیت علیه السلام لاحیاء التراث، مشهد، 1407.

76 _ ویل دورانت، واریل. تاریخ تمدن، ترجمه: اسماعیل دولتشاهی، چاپ اول، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، 1368.

77 _ هندی، حسام الدین. کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، بیروت، 1409 ه . ق / 1989 م.

ص:149

ص:150

بسمه تعالی
هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109